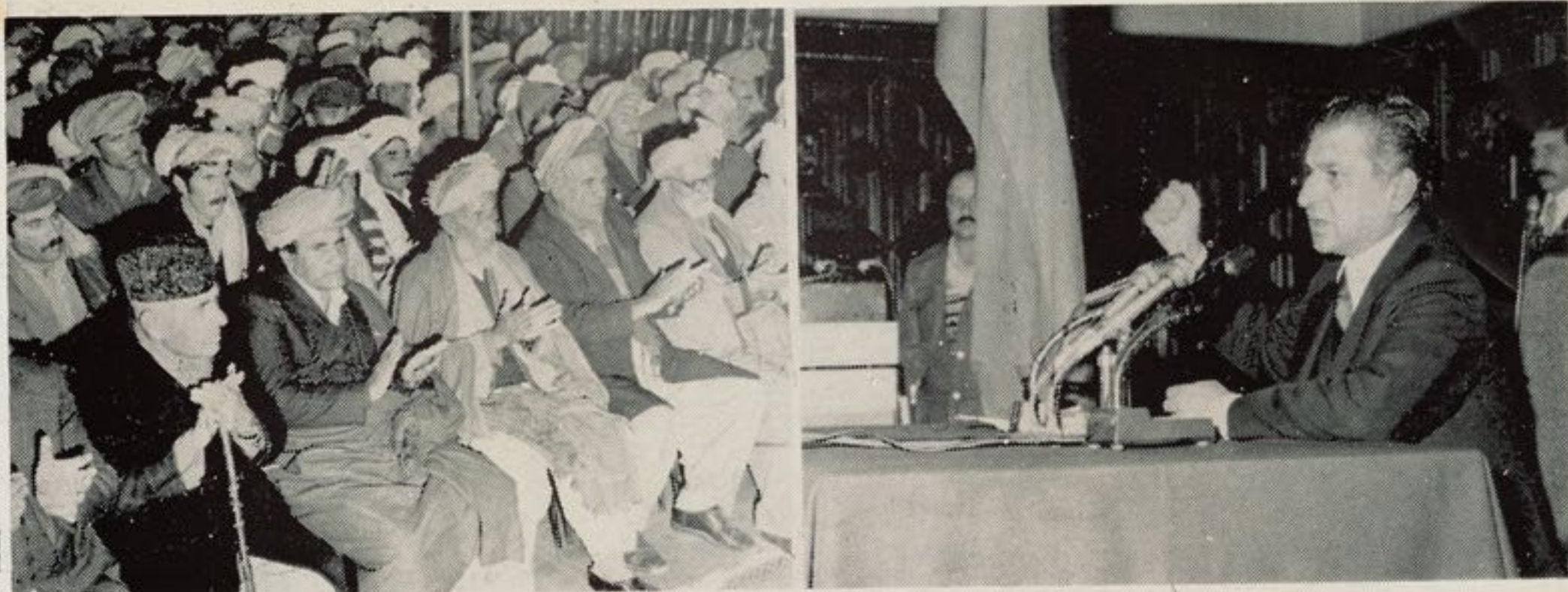


نور



Ketabton.com



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه نمایندگان منتخب اقوام شریف ولایت پکتیا را در مقر شورای انقلابی پذیرفته با آنها صحبت می نمایند.

افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر ۱۸ جدی هیأت پارلمانی انگلستان را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند.

در جریان این ملاقات روی مسایل مورد علاقه طرفین به شمول اوضاع بین المللی در قضاوی دوستانه تبادل نظر صورت گرفت.



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی

ببرک کارمل موقعیکه هیأت پارلمانی انگلستان را در مقر شورای انقلابی پذیرفته و با آنها صحبت می کنند.

اختصار وقایع مهم

هیأت رئیسه شو رای انقلابی تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز چار شنبه ۱۷ جدی ۱۳۵۹ در مقر شورای انقلابی جلسه نمود. درین جلسه قانون مکلفیت عمومی عسکری بدخل نود ماده و هشتت فصل به تصویب رسید که ازهمین تاریخ نافذ است.



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه رام ساتی معاون وزارت امور خارجه هند را پذیرفته و با وی صحبت می کند.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق



بېرك كارمل بايكتن از نمايندگان منتخب اقوام پكتيا احوال پرسى مى نمايند

بېرك كارمل هنگام مصافحه با
چندتن از نمايندگان منتخب اقوام
پكتيا



سلطانعلی کشتمند کله چى دافغانستان دملی موزیم دآئاردباخترنندار تون دملی موزیم په ودانی کی
برانیږی.

وروسته دمراسمو په ترڅ کى د
افغانستان دځلك ديموگرا تيك گوند
دمركزى كميتى دسياسى بيرو غړى
دافغانستان د ديموگرا تيك جمهوريت
دانقلابى شورا د مرستيال او د
صدر اعظم دمرستيال سلطا تعلی
كشتمندخوا دملی موزیم په ودانی
كى برانستل شو .

دكتور اناميتا راتب زاد عضو
بيروى سياسى كميتۀ مركزى حزب
دموگراتيك خلق افغانستان ، رئيس

سازمان دموگراتيك زنان و رئيس
سازمان صلح همبستگى و دوستى
جمهورى دموگراتيك افغانستان
صبح روز ۱۸ جدى در اتاق كارش
در مقرر كميتۀ مركزى با هيات
پارلمانى انگلستان كه بدعوت سازمان
صلح همبستگى و دوستى جمهورى
دموگراتيك افغانستان به كابل آمده
بود ملاقات تعارفى بعمل آورد.

تيك افغانستان بعد از ظهر روزجمعه
دوازدهم جدى نمايندگان انتخابى
مشران اقوام مختلف ولايت بكتيارا
در قصر گلخانه مقرشوراى انقلابى
بديرفته و در فضاى نهايت دوستانه
وصميانه با ايشان صحبت كردند .

دافغانستان دملی موزیم د آئار -
وباختر نندارتون دجدى ۱۷ لغرمی

دانقلابى شورا د رئيس او صدراعظم
بېرك كارمل په مشرۍ د وزيرانو
شورا د جدى ۱۴ د انقلابى شورا په
مقر ، ارگ كى غونډه وكړه .

بېرك كارمل منشى عمومى
كميتۀ مركزى حزب دموگرا تيك
خلق افغانستان ، رئيس شوراى
انقلابى وصدراعظم جمهورى دموگرا -

وصدراعظم جمهورى دموگرا تيك
افغانستان ، رام ساتى معاون وزارت
امور خارجه جمهوريت هند را قبل
از ظهر ۱۸ جدى در مقر شوراى
انقلابى براى ملاقات پذيرفتند .

د افغانستان دځلك ديموگرا تيك
گوند دمركزى كميتى دعمومى منشى
دافغانستان د ديموگراتيك جمهوريت

درین شماره

«انقلاب نور، انقلاب ملی، دموکراتیک و بیاتر منافع عمیق و اساسی اکثریت ساطع مردم ما، تمام وطنپرستان واقعی و بش از همه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان است.»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۰ جمادی ۱۳۵۹ - ۱۰ جنوری ۱۹۸۱

انفاذ قانون عمومی مکلفیت عسکری

انقلاب شکوهمند نور که بنا بر اراده توده‌های ملیونی زحمتکشان کشور و بکمک و یاری اردوی شهرمان ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید به حکمروایی ارباب ظلم و ستم‌خانه داده، حاکمیت سیاسی را از طبقه مستبد و ارتجاع فئودالی و وابستگان امپریالیزم به زحمتکشان کشور انتقال داده و راه رهایی طبقات رنجبر و استثمار شده کشور را باز نمود و وفق های خوشبختی - سعادت و پیروزی و نجات از قید هر نوع استثمار فرد از فرد و زیستن در فضیلت صلح و مساوات، برادری و برابری را در برابر مردم ما گشود.

دولت مردمی ما با طرح پروگرام های مترقی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و پیاده کردن آن در عمل تمام های واقعا انقلابی و سازنده را در جهت منافع توده های زحمتکش کشور برداشت و بخاطر ریشه کن کردن میراث های شوم دولت های استبدادی و وابسته به امپریالیزم که در ساحات مختلف حیات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور سایه افکنده بود تلاش های انسانی و خستگی ناپذیر خود را آغاز کرد و برای تحقق آرمان های والای انقلاب نور در جهت اعمار جامعه نوین مبتنی بر عدالت اجتماعی - مساوات و برابری در رفاه و فراوانی معیشت هر گونه فقر و مرض - جهل و بیسوادی - بیکاری و بی - تکلیفی، پلان های انقلابی و بنیادی را طرح و به مرحله اجرا گذاشت.

این پیروزی بزرگ و بی نظیر که نصیب حزب و دولت مردمی ما شده بود آتش بجان دشمنان انقلاب انداخت و مرتجعین و همه کسانی که منافع شانرا در ارتقاء انقلاب نور از دست داده بودند به اشاره امپریالیزم جهانی و بکمک ارتجاع منطقه بسیج گردیده علیه انقلاب نور قرار گرفتند.

چنانچه مردم شریف ما شاهد اند که طی مدت تقریباً کمتر از سه سال که از انقلاب نور میگذرد دشمنان انقلاب و وطن و مردم ما با تلاش های تب آلود و دیوانه وار از انجام هر گونه اعمال ضد انسانی - خائنه و جنایتکارانه دریغ نورزیده با تفنن، توطئه قتل و آدمکشی تخریب و آتش زدن مکاتب و غیره اعمال ضد انسانی خواستند تا انقلاب نور را ناکام ساخته و یا

صفحه ۴

لااقل جلو پیشرفت آنرا سد نمایند مگر از آنجایی که انقلاب نور متضمن منافع اکثریت توده های زحمتکش ما بوده و دولت مترقی ما به نیروی لایزال آنها اتکا دارد، نه تنها انقلاب به اتمام نه انجامید بلکه روزتار و زریشه های آن در بین توده ها اعم از کارگران - دهقانان - روشنفکران و وطنپرستان صدیق و همه اشار زحمتکش گسترش یافت و نفوذ و پهنای بیشتر کسب کرده حمایت و پشتیبانی توده ها را جلب نمود. چنانچه مردم ما حمایت و پشتیبانی خود را در عمل ثابت نمودند، گروه های مقاومت و دفاع از انقلاب تشکیل گردیده و در کنار قوای مسلح شهرمان ما از انقلاب مردمی خود دفاع نموده و در مقابل تجاوزات مسلحانه باند های ارسال شده از خارج و دیگر دشمنان رنگارنگ وطن و مردم دلیرانه و قهرمانانه رزمیدند.

باید اذعان کرد که برای يك مدت زمانی کوتاه در اثر تسلط و حکمروایی امین خاين اين جاسوس ساخته شده (سيا) که بانفوذ و غصب قدرت حزبی و دولتی و با ارتکاب اعمال جنایتکارانه طراز فاشیستی و ایجاد فضای مختق سیاسی - تفرقه افکنی بین اقوام و ملیت های برادر ساکن افغانستان و غیره اعمالی که تاریخ از تذکر آن نفرت دارد، انقلاب نور را به بیراهه کشانیده و در جهت بدنام ساختن و قلب جلوه دادن آن از هیچگونه سعی و تلاش خستگی ناپذیر دریغ نکرد، قدرت دفاعی کشور تضعیف گردیده و موجب پراگندگی و فضای عدم اعتماد بین منسوبین قوای مسلح از یکطرف و بین مردم و قوای مسلح از جانب دیگر گردید. با تحول ششم جدی و مرحله نوین تکاملی انقلاب نور که در حقیقت مرحله نجات انقلاب و وطن و مردم است یکبار دیگر انقلاب و رهبری آن در مسیر اصولی آن قرار گرفته و اعتماد مردم نسبت به حزب و دولت و انقلاب شان بیشتر و محکمتر گردید و دولت انقلابی مادر پهلوی باز سازی سایر امور سیاسی - اجتماعی و اقتصادی منوجه تنظیم امور دفاعی کشور و مجمله تقویت و استحکام صفوف قوای مسلح شهرمان ما گردیده و به طرح و تدوین قوانین و مقرره های معین در زمینه گردید چنانچه چند ماه قبل می آید.

خلق در راه دفاع از عین و انقلاب

...

دیگر قلت چوب و مواد سوخت در شهر کابل

...

ستارگان الماسه ساز

...

عصر طلایی آمار و ارقام

...

خوشحال او پوشکین

...

نگر ش به سینمای شوروی این سینمای انسانی

...

جدایی پدر و مادر و سر نوشت اطفال

...

اسرار خشونت خانواده بر کودکان

...

دکارابین سمندر کی اوسنی سیاسی او اقتصادی حالات

...

شرح روی جلد : عتکامه آواز خوان رادیو تلویزیون کشور
عکاسی روی جلد : از مسعود شمس

در راه دفاع از میهن و انقلاب

جوانان افغانستان و بالاخره
کنفرانس بین المللی همبستگی
سازمان دموکراتیک زنان را بحیث
مثال درین مورد متذکر شد. که
همه و همه فراهم کننده تشکیل
جبهه وسیع ملی پدر وطن و بسیج
کننده و متحد کننده همه نیروهای
مترقی، ملی و وطن پرست افغان-
نستان در راه ایجاد یک جامعه
شگوفان و بهروز می باشد.

اکنون مردم شرافتمند و سربلند
ما به خوبی می دانند که کار و
پیکار بی امان و انقلابی و شریفانه
در راه عمران وطن و بهروزی مردم
و طرد همه دشمنان یعنی ضد
انقلاب زیون شده و مداخلات
نا جوانمردانه امپریالیزم، تکیه
گاه نیرومند انقلاب و مردم ما می
باشد. از همین جاست که با
اطمینان کامل گفته می توانیم که
تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن
که خلق را در یک صف واحد و
متحد می سازد مشیت های سنگین
و پولادینی است که حواله دهان
کشیف دشمنان انقلاب، مردم و
وطن ما می شود.

از آنجا که حزب و دولت انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
بطور مجدان و پیگیر آرزو مند
بهروزی و بهتر زیستن مردم ماست
به همه ما اعم از پیر و جوان،
شهری و دهاتی، کارگر و مامور و
دهقان و کسبه کار و تاجر ملی و
صاحبان سرمایه ملی و در یک کلمه
موجز همه مردم شرافتمند افغان-
نستان است تا از دل و جان و در
عمل به دور حزب دموکراتیک خلق
افغانستان این حزب شهیدان و
قهرمانان هرچه فشرده تر حلقه
بزنند و بادرک واقعیت مردمی و
انقلابی مرحله نوین انقلاب نور با
کار و پیکار مستدام امکانات عملی
ایجاد یک فردای تابناک، فردای
خوشبختی، برادری و برابری را
فراهم و مساعد سازند. ما اطمینان
راسخ داریم که مردم ما تحت رهبری
حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در آینده نه چندان دور شاهد
طرد و قلع و قمع ضد انقلاب این
دشمنان اصلی پیشرفت کشور و
حامیان بی شرم امپریالیستی و
مونیستی آنها خواهند بود، و
در یک جبهه وسیع ملی و دموکراتیک
یعنی جبهه وسیع ملی پدر وطن
به اعمار افغانستان انقلابی و
مستقل خواهند پرداخت.

زنده باد مردم آزاده و زحمتکش
ما، زنده باد صلح دلسر اسر جهان
صفحه ۵۵

و قهر ما نانه همه موانع و مشکلات
را مرفوع نموده و با سر بلندی و
اطمینان دژین جهت به پیش می رود
باید تذکر داد که پیروزی مرحله
نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند
نور امکانات عملی بمیان آمدن این
آرمان و لا یعنی تشکیل جبهه
وسیع ملی پدر وطن را عملاً بوجود
آورده است. جبهه ملی وسیع پدر
وطن آن سیستم متشکل شدن همه
خلق در سازمان های اجتماعی و
سیاسی است که علما و عملاً وحدت
همه خلق را تأمین می نماید. ببرک
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان
در گزارش علمی و انقلابی شان در
نخستین کنفرانس بزرگ نیرو
های ملی و وطن پرست در مورد
جبهه چنین فرمودند: «... جبهه
ملی پدر وطن سیستم وسیع و
توده ای سازمان های اجتماعی-
سیاسی است که ستون فقرات آنرا
اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل
می دهد و تمام طبقات، اقشار و
گروه های ملی و دموکراتیک همه
نیرو های اجتماعی و مذهب-
وطن پرست را برای همکاری بخاطر
منافع وطن ما افغانستان انقلابی
متحد می سازد...»

حزب و دولت انقلابی ما مقدمات
تشکیل جبهه ملی وسیع پدر وطن
را از همان لحظات نخست پیروزی
مرحله نوین و تکاملی انقلاب نور
طرح و عملی نموده است چنانچه
می توان کنگره معلمان کشور،
کنگره طبیبان و دیگر مستخدمین
امور صحی، کنفرانس وسیع
روحانیون کشور، کنفرانس
مؤثریت و مفیدیت کار ارگان ها و
موسسات دولتی و وزارت خانه های
جمهوری دموکراتیک افغانستان،
کنگره مؤسس اتحادیه ژورنالیستان
و کنگره مؤسس اتحادیه نویسندگان
و شاعران جمهوری دموکراتیک
افغانستان، کنفرانس همبستگی
بین المللی سازمان دموکراتیک

باند های صادر شده از خارج و
تروریستان و آدم کشان اصل
دیگریست که مبارزه بی امان حزب
دولت و مردم را در راه ایجاد یک
محیط سالم و آرام در کشور شهادت
می دهد. این مبارزات علاوه از آنکه
ضد انقلاب رازبون و ناتوان ساخته
توطئه های امپریالیزم نیز نقشش
بر آب ساخته و می سازد. همان
طوریکه دشمنان داخلی و خارجی
مردم ما یعنی ارتجاع سیاه، ارتجاع
منطقه، امپریالیزم و در راس
امپریالیزم امریکا، شونی-
عظمت طلب پیکنگ و دیگر نیرو
های ارتجاعی در یک صف نامقدس
علیه انقلاب و میهن مادست به توطئه
و دسیسه می زنند و با برانداختن
یک جنگ اعلام نشده با مردم ما
کینه می ورزند، مردم آزاده ما
همیشه و بطور دایمی بر کمک های
بی شایبه و بی غرضانه همسایه و
دوست بزرگ شمالی خویش یعنی
اتحاد جماهیر شوروی و دیگر
کشور های برادر سو سیالیستی
و کلیه نیرو های ملی و مترقی
جهانی اطمینان داشته و از آن
بر خوردار بوده است.

اینک که حزب دموکراتیک
خلق افغانستان ((پیش آهنگ
طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان
کشور)) به نمایندگی از مردم دلیر
و زحمتکش ما قدرت سیاسی را
بدست دارد، با صداقت و صراحت
طرح و تشکیل جبهه وسیع ملی
پدر وطن را روی دست گرفته و
بشکل پیگیر و خستگی نا پذیر
درین راه پیش می رود. زیرا
تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن
نه تنها کلیه نیرو های انقلابی،
ملی و وطن پرست را در امر اداره
دولت سهیم می سازد بلکه در
شرایط فعلی جامعه مابترین شکل
بسیج کننده و متحد کننده همه
مردم نیز میباشد باید اذعان داشت
که حزب و دولت انقلابی ما حتی یک
لحظه هم از مشکلاتی که در راه
ایجاد همه جانبه جبهه که در تاریخ
کشور ما برای اولین مرتبه بوجود
می آید، غافل و بی خبر نبوده و

در نخستین سالگرد قیام ظفر
نمون ۶ جدی، این نجات دهنده
انقلاب وطن و مردم، خلق جاسوس
شکن و امپریالیزم دشمن افغانستان
شاهد بر گزاری کنفرانس بزرگ
نیرو های ملی و وطن پرست
جمهوری دموکراتیک افغانستان
برای گزینش ترکیب کمیسیون
عالی تدارک کنگره مؤسس جبهه
ملی وسیع پدر وطن بودند.

یکسال قبل در همین روز مردم ما
به بایمردی اردوی دلی-
آزادبخش ما و تحت رهبری حزب
دموکراتیک خلق افغانستان
آرمانهای کبیر انقلاب نور را از
آلودگی و انحراف و اشتباه مرگبار
که در اثر سلطه امین و باند فاسدش
بمیان آمده بود بشکل قهرمانانه
و وطن پر ستانه نجات دادند و با
اتکاء بر ثنوری واقعا انقلابی اصول
انقلابی را در حیات جامعه ما احیاء
نمودند. پس از پیروزی قیام
۶ جدی حزب، دولت و مردم ما
دست بدست هم داده و اقدامات
سازنده ای را برای ایجاد حیات
دموکراتیک و قانونیت دموکراتیک
در عمل پیاده نمودند. تزه های کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان بمناسبت دومین سالگرد
انقلاب نور، طرح، تدوین و تنفیذ
اصول اساسی جمهوری دموکراتیک
افغانستان (قانون اساسی مؤقت)
دساتیر و طرح های چار پلینوم
کمیته مرکزی حزب، سفر تاریخی
هیات عالی رتبه حزبی و دولتی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
بر رهبری ببرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهورری
دموکراتیک افغانستان به اتحاد
جماهیر شوروی سو سیالیستی و
نتایج گرانبها، و ارزشمند این
سفر، بیانیه ها و گزارش های
زعامت انقلاب ما، همه و همه مویده
و مصدق اقدامات سازنده فوق می
باشد. هکذا مبارزات رویا روی
اردوی قهرمان ما، قوای خا رندوی
و امنیتی بیاری بی شایبه مردم علیه

سلسله گفت و شنود ها و نشست های انتصابی ژوندون در زیره

يك بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

دیگر قلمت چوب و مواد سوخت

در شهر کابل رفع

گردیده است

ذخیره خود را احتکار میکنند تا بعد از تمام شدن مقدار ذخیره شاروالی آنها به قیمت دلخواه به فروش رسانند ، به این اساس بهتر است شاروالی تهیه و تامین مواد سوخت را به اندازه کافی عهده دار گردد ، یعنی شرایط را به رای توريد مقدار چوب کافی مساعد گرداند و خود کنترل و مراقبت از نرخها را به دو ش گیرد ، تا آخر رسد و فروش آزادانه اما به نرخ



شا روا لی صورت گرفته بتواند.

معاون شاروالی کابل:

اگر مقدار چوب مورد نیاز برای تمام فصل زمستان در قریب تمام مناسب سال و مثلاً در تابستان از منابع او لی خریداری و ذخیره گردد چون رگودی در عرضه به وجود نیاید دلیلی باقی نمیماند که عده بی فکر احتکار بیفتند ، چنانکه مشکلات کمبود گرانی چوب همیشه در مواقع و موارد دیده شده که ذخیره چوب به مقدار کافی و مورد ضرورت وجود نداشته است یک مورد دیگر هم در این زمینه این است که شهریان کابل بنا به متوقع با شنیدن شا روا لی کابل تمام مسئولیت ، تهیه ، خرید

که هر روز کابل در مجموع پنجصد سیر چوب می سوزاند که سوخت نانوائی ها و حمام ها هم شامل همین رقم است .

دیپلوم انجنیر نوایی :

معاون شاروالی در سخنان خود اشاره می داشتند به اینکه گویا شاروالی در نظر دارد مقداری چوب سوخت را تهیه و بعداً آنها به شهریان کابل به فروش رساند ، با استنادی که ایشان در رابطه عرضه و تقاضا نمودند ، می خواهم بگویم این اقدام شاروالی خود در بلند بردن قیمت مواد محروقاتی کمک میکند ، چرا که منابع عرضه محدود میگردد و چون قیمت فروش شاروالی ارزانتر از مارکیت های آزاد است ، فروشندگان چون

- در این گرد هم آیی این اشخاص شرکت داشتند
- ۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل
 - ۲- مجرم علی معاون شاروالی کابل
 - ۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره - میاشت
 - ۴- دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوایی رئیس د افغانستان د تیلی ملی موسسه
 - ۵- دیپلوم انجنیر عبدالستار صافی رئیس برق کابل .
 - ۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل
 - ۷- دگر من ارکان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی .
 - ۸- دیپلوم انجنیر محمد قاسم پوپل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
 - ۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی
 - ۱۰- انجنیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ
 - ۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخنیک ریاست انحصارات دولتی
 - ۱۲- عبد الله بشیر شور «به نمایندگی از خانواده های کابل» و برخی از اعضای گروه مشورتی ژوندون

مشکلات ترانسپورتی در زمینه

انتقال چوب به کابل رفع شده است

معاون شاروالی کابل :

ما حجم این مصارف را به صورت دقیق تعیین کرده نمیتوانیم زیرا احصائیه شهر کابل جز به صورت تخمینی ارزیابی شده نمی تواند ، اما مطالعات ما حاکی است

دکتور عرب گل طوطا خیل :

آیا میتوانید بگویید روزانه مصرف عمومی چوب سوخت در شهر کابل بچه پیمانه است ؟

مسایل سیاسی واجتماعی، فرهنگ و

انتقال، ذخیره و توزیع

چوب راعیده دار گردد، چه نه برای این کار پول و سرمایه کافی دارد و نه هم این حق را به خود میدهد که عده بی از فرو شدندگان چوب را که همین کار یگانهدار عاید و تامین معیشت خانواده شان میباشد بیکار گذارد و یا به عاید کم و مشروع شان لطمه بیاورد. ما با تمام امکاناتی خود میکوشیم و تلاش میورزیم که قیمت چوب محروقاتی را به کنترل آوریم، اما در این مورد باید ارگانها و سازمانهای دیگر هم را یاری دهند و مشکلات را در نظر بگیرند به عنوان مثال حداقل در سالهای آینده چوب مورد ضرورت خود را در آغاز سال و در موقع گرما تهیه کنند تا با رسیدن زمستان دچار دشواری کمبود مواد محروقاتی نگردند. این یک تقاضای بسیار صمیمانه و در عین حال گله دوستانه

است، چرا که قیمت بحران کنونی در زمینه مسایل محروقاتی به همین سبب است که ادارات، موسسات و ارگانها سازمانهای دولتی در موقع کمبود چوب اقدام به خریداری مقدار بیرون چوب کردند و یا از شاروالی تقاضای تهیه و توزیع آن را داشتند که همین وضع در بلند رفتن قیمت ها اثری بزرگ داشت.

انجیر نوایی :

به تایید گفته ها و پیشنهادات رووف راصع در زمینه رفع مشکلات کمبود مواد محروقاتی واز میان برداشتن پرابلم برای همیشه به اجازه شما چند مورد رایاد آوری

میکند :

یک اینکه کنترل و مراقبت از قیمت به منظور ثابت نگه داشتن آن مفید یقی نخواهد داشت مگر اینکه در منابع اولی آن یعنی ولایات، پکتیا، پکتیکا، ننگرهار و غزنی صورت گیرد تا از دست اول قیمت ها در کنترل باشد وگرنه در صورت قیمت چوب در این منابع بلند برده شود مراقبت از نرخ ها در شهر کابل مؤثریت زیاد نخواهد داشت دو اینکه مسئله جلوگیری از احتکار در پایین آوردن قیمت و ثابت نگه داشتن آن در یک حد معین نقش عمده دارد و وقتی تمام مقادیر چوب انتقال داده شده به کابل عرضه گردد خود به خود حجم تقاضا کمی گردد و میان فروشندگان رقابت در جلب مشتری افزون میگردد و به این صورت در بدل مفاد کم فروشنده حاضر به فروش میشود.

اما موضوع مهم تر از همه این مسایل این است که باید ما به تعویض انرژی توجه جدی مبذول داریم، به این معنی که تمام موسسات صنعتی و ارگانهای دولتی موظف شوند از انواع دیگر انرژی مانند ذغال سنگ، مواد نفتی، گاز مایع و شیوه های دیگر به جای چوب محروقاتی استفاده کنند.

وزارت معادن و صنایع به نو به خود و تاجایی که به سازمانهای آن ارتباط میگیرد در این موارد کارهایی را در دست اجرا دارد مثلاً همین اکنون چگونگی استفاده از گاز مایع برای پخت و پز زیر مطالعه قرار دارد.

اما این به تنهایی کافی نمیشد و باید موضوع بصورت همه جانبه

در همه ابعاد اقتصادی واجتماعی و فنی مورد مطالعه قرار داده شود و یک راه عملی کاوش گردد که با تطبیق آن به مرور مشکلات حل شده بتواند.

اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل :

باتوجه به آنچه که در این گردهمایی تاکنون به وسیله رووف راصع، انجیر نوایی، معاون شاروالی و چند گوینده محترم دیگر به طرح آمد به اجازه شما می خواهم بگویم خرید چوب به وسیله شاروالی حجم تقاضا را تغییر نمیدهد بلکه در نهایت آن را از نظر فورم و شکل دگرگون میسازد و به همین دلیل هم خرید چوب به وسیله شاروالی راه حل معضله نمیشد. مگر اینکه این خریداری در موقع مساعد سال و از مراکز اولی و تولیدی چوب در جنوب و شرق کشور صورت گیرد و در شرایط اقتصادی به کابل انتقال داده شود که در این صورت اگر این شیوه عمل دوامدار باشد مارکیت هاهمیشه از چوب پر بوده و دلیلی نه برای احتکار باقی میماند و نه هم برای بلند رفتن قیمت ها.

مواد دوم که من از آن یاد میکنم این است که شاروالی تنها اداره مسئول تهیه انرژی نمیشد و ما هم نباید این توقع را از این موسسه داشته باشیم تا سازمان ها و ارگان های دیگر نیز بی تفاوت بمانند و همه خواست ها را متوجه شاروالی سازند.

به عنوان مثل وزارت معادن و صنایع میتواند با افزایش توزیع ذغال سنگ و دارا بودن چند مرکز فروش بخشی از مشکل کمبود مواد

محروقاتی و حتی تعویض انرژی را به عهده گیرد.

در این زمینه تاجایی که به حزب تعلق میگیرد از هیچ همکاری مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون بیش از سیصد نفر مضایقه نکرده چنانکه همین اکنون از جوانان داوطلب خدمات امور اجتماعی مصروف استخراج ذغال از معادن میباشد. همچنین شورای انقلابی بیروی سیاسی کمیته مرکزی و هیئات رئیسه شورای انقلابی بعد از مطالعاتی چند فیصله های راتصویب ووظایفی را به وزارت معادن و صنایع، وزارت ترانسپورت و ریاست برق کابل محول ساخته اند که تطبیق هر یک آن در حل و رفع دشواری کمک فراوان میکند.

در مورد علل و انگیزه های اساسی کمبود چوب محروقاتی باید بگویم این مشکل از آنجا ناشی میگردد که شاروالی کابل امسال به دلایل اقتصادی و شاهد سبب های دیگر نتوانست به حد کافی چوب تهیه کند. و از سویی هم این پیش بینی موجود نبود که بعداً مشکلات امنیتی در انتقال چوب به وجود میاید، اما باید واقعیت ها را بی پرده بامردم در میان گذاشت و یکی از این واقعیت ها این است که در چند هفته و ماه های اخیر شرایطی به وجود آمده بود که تامین کافی امنیتی در راه هایی که در انتقال چوب به کابل و شمال مورد استفاده قرار دارد وجود داشت و یا حد اقل دارندگان و سایل نقلیه شخصی احساس خطر میکردند و حاضر نبودند در این راه ها رفت و آمد داشته باشند.

به این دلایل با آنکه اکنون شرایط کاملاً عوض شده و راه هادر خطر قرار

بقیه در صفحه ۲۱

هنر، جوانان، جوانان و خانواده ها

هنر و مردم

از : رهروان

نواای شعر و موسیقی در افغانستان باستان

باید گفت که روح لطیف و طبع نازک در بند زیبایی ها ست با آنکه ذوق ها تغییر می یابند و شاعر و گوینده و موسیقی دان شاگرد عصر و زمان خویش می شو ندو نغمه سرا از محیط ماحول خویش الهام می گیرد ولی زیبایی طبیعی در هر زمانی و تحت هر گونه شرایط با هر تماشاگری ، از نظرگاه دمسازمی شود و مفتون محسوس میسازد ، بدین اساس دیوانها ی گویندگان گذشته ما طبیعی اند جاوید و جاندار و صاحبان این دیوانها میخادم اند که در طراحی اطور طبیعت ماهر و پویا اند اگر صورتگران زبر دست افغانستان باستان توانسته اند منظره گرایی پای رابا کلاک هنرمند موبین خویش در بند خاطر نگاهدارند بهترین آنها که چون ستاره ها نیرخشان در آسمان تاریخ فرهنگ و هنر درخشیده اند ، بهمین منظره هادیع ، آبی داده اندو جانش بخشیده اند که اشعارآبدار در دیوانهای معتد شاعران کشور کهن سال ، و اصطلاحات موجود موسیقی درین اشعار تاب به این ادعای ماجان می بخشد و قول ماترا قوت میدهد .

رنگها و آهنگهایی که در اشعار شاعران و موسیقی دانان پیشین توصیف شده است از ذوق موسیقی و نقاشی آنان حکایت می کند ، اطلاع از موسیقی درین اشعار جلوه بارزی دارد و آوای مرغان خویش الحان شاعران موسیقی نوازان ماهر ماترا بیاد آهنگها و نغمه های خنیا گران می اندازد آواز پرنده گان و

فغانی ، دانشمند طبیب ، فیلسوف و موسیقی دان کشور بوعلی سینای بلخی و دیگران نشان میدهد که علم موسیقی در افغانستان باستان ابعاد وسیعی داشته و نغمه سرایان هنرستان این سر زمین آثار ناب شعر و نغمات دلپذیر موسیقی از خود بجا گذاشته اند .

طبیعی وزمه های روحبخش بلبلان در دره ها و کوهپایه ها می باشد .

اصطلاحات موسیقی مندرج در دیوانهای شعر دانشمندان معروف کشور ما نند منو چیری بلخی (که با بیتی جعلی او را دا مغانی قلمداد کرده اند) ، خاقانی ، فردوسی ، نظامی ، سنایی

شعر و موسیقی امروز ما میراث هنر و ادبیات کشور کهنسال ماست .

تاریخ هنر ، فرهنگ و ادبیات کشور کهنسال ما شاهد است که : در افغانستان باستان شاعران بلند پرواز و موسیقی دانان و خنیا گران چیره دستی بمیان آمده که هر کدام در وقت و زمان خویش و بادر نظر داشت شرایط اجتماعی جامعه شان در ابداع شعر و آفرینش نغمه های روح انگیز و دلپسند فرهنگ و هنر کشور باستانی شانرا غنا بخشیده و نامی جاودانه در تاریخ این سر زمین برای خویش گمایی نموده اند .

دره های زیبا ، وادیهای سرسبز منظره هایی در دامان کوهپایه های سر بلک کشیده این مرز بوم و آب و هوای گوارا و فور نعمت ، نغمه سرایان و بلبلان چهستان شعر و موسیقی این دیار را با طبیعت انسی مخصوص داده که دیوانهای شاعران گذشته و امروز پراز نغمه های موزون و گلهای لطیف شعر و هنر است .

سروده های مذهبی گاتبا و عبارات مو جز اوستا این کتاب مذهبی آریای باستان و گروه های آواز خوان جمعی هنرستان آریانای باستان که هر کدام احیا کننده وحدت یکدلی و هم آوازی بوده اند نمایانگر آنست که درخت شعر و موسیقی در کشور ، ریشه دیرینه دارد و هنرمندان وطن این ریشه را آبیاری نموده و بهمرور زمان بهدرخت پر بار و برگی تبدیلش کرده اند که اوج گیری شعر و شاعری بعد از اسلام در این سر زمین و ایجاد نغمات دل انگیز و اختراع آلات متنوع موسیقی که هر یک نمایانگر غنای فرهنگ و هنر کشور دو گذشته بوده و الهام شاعران و رامشگران از زیبایی های



امروز جوانان و نو آموزان ماعلاوه از موسیقی محلی و کلاسیک به آلات موسیقی مدرن آشنایی حاصل میکنند .

باید گفت که : یادداشت خاطرات ما حفظ نمودن يك منظره زیبا ی طبیعی که تغییرات جوی آنرا دگرگون میسازد و نگهداری صحنه ها و سانه ها را وسایل هنری و هنر آفرینی امروز آسان گردانیده است زیرا نقاش یا رسام دیروز برای کشیدن و ترسیم يك منظره زیبا ی طبیعی مجبور بود همه چیز را بخاطر سپارد و ساعت ها روی آن کار کند تا منظره مورد نظر را جابجا حفظ نماید ولی کار عکاس و هنر فلمبرداری در لحظه ای می تواند مناظر دلفریب طبیعی و صحنه های جالب و دیدنی را عکس برداری کند و برای همیشه بیاورد گاردارد.

برای نقاشان و میناتور یستان امروز مانیز مواد و وسایل ارزان و فراوان دستیاب می شود که با حفظ سنت های مینا توری و نقاشی و با گذاشتن بجای پای پیشینان توام بانو آوری آثار زیبایی از خود بیاد کار بگذارند.

شعر و هنر امروز بیشتر از دیروز صیغه مردمی دارد و الهام از زندگی انسانها می گیرد و شاعران مردمگرای معاصر و موسیقی نوازان ، اکنون دست اندرکار اند تا شعر و موسیقی را در خدمت توده ها قرار دهند و زندگی ایشان الهام کار های هنری شان باشد .

اگر اکثر از شاعران و موسیقی نوازان پیشین بیشتر بز م آرای دربار ها بودند و شعر های هنری نابی اندر وصف زورمندان و فرمانروایان خود مختار می سرودند درین میان شاعران مردم گرای و بیزار از خوان رنگین این این و آن نیز با عرصه وجود گذاشته اند که از مردم حرف زده اند ، زندگی محرومان را در شعر و موسیقی شان ترسیم نموده اند و نیز هنرشان در بیداری توده های محروم در جهت رستن از زیر سلطه ستمگران کارگر افتاده که می توان تنها این مصراع را گواه آورد .

زندگی آخر سر باید بندگی در کار نیست ، بندگی مگر شرط باشد زندگی در کار نیست بهر صورت آثار ناب و پدیده های هنری گذشته همه اجزای فرهنگ غنی باستانی درین کشور اند و کار های هنری دیروز و امروز وطن تسلسل حفظ میراث های فرهنگی افغانستان را ادامه میدهد که بر هنرمندان ، شاعران ، موسیقی نوازان است تا رسالت تاریخی شان را درین بخش از تاریخ کشور که مردم مابوسی اعمار يك جامعه نوین و ایجاد زندگی شگوفان روان اند ، فعالانه انجام دهند و این آرزو را مردم کشور از هنر مندان و هنر آفرینان و دانشمندان که چشم و چراغ جامعه خود اند ، داشته و دارند .

همانطوریکه امروز نغمه سرایان و رامشگران بیروچوان را که ازدانش و سواد بهره ای ندارند ولی با استعداد سرشار ذاتی ای که دارند آلات موسیقی محلی شانرا می نوازند و آواز می خوانند ، در کنج و کنار کشور می یابیم در گذشته

هانیز در دهات و روستا های شمال و جنوب هندوکش رامشگرانی وجود داشته اند و به ساز

طبیعت نگاره گریه ترین الهام شاعران و موسیقی نوازان مادر گذشته و امروز بوده است .

با ذکر این سطور دیگر جای تردیدی باقی نمی ماند که شعر و موسیقی امروز ما میراث فرهنگ و هنر کشور کنهسان ماست که ما



در مورد هنر های محلی ما امروز تو چه زیاد میبذول میشود .

آلات موسیقی محلی خود شان در محافل عروسی و مجامع سرور و خوشی گردیم آبی های مردم ، برای اجرای آواز های دسته جمعی ساز می کردند و مردم را به اجرای کار های جمعی عام المنفعه با اجرای نغمات دل انگیز و شور آفرین تشویق

کنون به غنای فرهنگی مان افتخار می کنیم و کار های هنری ایشان بهیچ بهترین آثار ناب در موزیم های ملی و آرشیف ملی به بهترین وجه نگهداری می شود که این هم علاقه مفرط دولت ملی و مردمی ما را در زمینه حفظ میراث های فرهنگی و آثار قیمتمدار باقیمانده از گذشته نشان میدهد .

چار مین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بتا ریخ بیست عقرب ۱۳۵۹ در پیوند باار زیا بی پیا مدهای سفیر تاریخی ببرک کارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، کشا یش ریافته بود از لحاظ ملی و بین المللی اهمیت ویژه بی را حایز میباشند زیرا در این پلینوم ببرک کارمل همزادش مفصل و دقیقی را در ارتباط ارزیابی نتایج سفر خوشی به اتحاد شوروی ارائه کردند که قضایای مهم ملی و بین المللی را با یکسر همبندی خلاق و منطقی منعکس ساخت.

آنچه که در این پلینوم بیشتر از مسایل دیگر مورد توجه قرار گرفته توسعه روابط دوستانه و برادری افغانستان - شوروی میباشد، گرچه روابط افغان - شوروی بر پایه حسن علائق بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و آنگاه که کشور ما به استقلال سیاسی خویش نایل آمد پایه ریزی شده بود که تا قبل از انقلاب ثور بنابر موجودیت حکومت مائت از تجارعی طور یک خواست مر دمان اتحاد شوروی و افغانستان بود بسط و انکشاف نیافت، بانهم اتحاد شوروی، یگانه کشور دوستی که از هیچگونه کمک های مادی و معنوی بمر دمان افغانستان دریغ نکرده و همواره دوست وفا دار و پیگیر زحمتکشان کشور ما بوده است. مگر بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور، روابط دوستانه افغان - شوروی بیش از هر وقت دیگر گسترش یافت و بخصوص بعد از ششمین جلسه آغاز هر جلسه نوین انقلاب این روابط بنحوی عالی ارتقا و توسعه یافت که با سفر تاریخی ببرک کارمل به اتحاد شوروی نیز باز هم توسعه خواهد یافت و به طرز نوین تکامل خواهد نمود.

استقبال گرم حزب مردم و دولت اتحاد شوروی از هیات عالی مرتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و خاصه از ببرک کارمل نشانه نگرانیست که مر دمان حزب و دولت اتحاد شوروی نسبت به افغانستان و مر دمان آزاد و شریف آن نسبت به انقلاب شور علائق نهایت ژرف و پرتوان دارند طوری که ببرک کارمل در گذار شش مفصل خود که در چار مین پلینوم کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. تقدیمدا -

شتمند در زمینه چنین فرمودند: ((در هر جا که هیات ما گام میکند اشته در پیا یتخت پر جلال شوروی به شهر قهرمان مسکو، در تفریس زیبا ویا در مهد انقلاب اکتوبر - لنینگراد، در تا شکند پایتخت بزرگ از پاکستان اتحاد شوروی، در میان کارگران، کسان نوردان، در میان دهقانان کلخوزیان با علمای شخصیت های فرهنگی همه جا و همه جامارا باشور و شور و نشاط دوستانه با دست فشردن انقلابی با درود های گرم و آتشین بمر دمان افغانستان با آرزوی پیروزی و وفایت هادر تکامل بیشتر انقلاب ثور، استقبال می نمودند همه ایشان با حقیقت کامل صریحی را یکبار دیگر

دن

نقش پیامدهای سفر تاریخی ببرک کارمل در ژرفای روابط دوستی افغان - شوروی

به اثبات میرساند که بین مر دمان شوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان روابط طراز عالی و نوین دوستی بی شائبه، خدشه ناپذیر و برادری و مبتنی بر همبستگی انقلابی و اصول انترناسیونالیزم ایجاد شده و بیش از پیش تحکیم مییابد.

استقبال آتشین مر دمان حزب و دولت اتحاد شوروی از ببرک کارمل و هیات معیتی شان، در واقعیت امر ابراز احساسات نیک، دوستانه و بی شائبه شان نسبت به حزب، دولت و مر دمان مابود که باز تا بنده روابط ژرف دوستانه افغان - شوروی بوده و بالاخص در شرایط کنونی این اساسات بیش از هر وقت دیگر افزایش یافته است. بهمین منوال هدف و مضمون مذاکرات و مصاحبات

و اعلامیه مشترک هر دو کشور که متکی بر اراده و خواست مر دمان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی میباشد از لحاظ اهمیت ملی و بین المللی در سراسر تو شمت تمام زحمتکشان جهان تا نیرات خوب و مطلوبی را در راه حل قضایای بغراج مربوط به منطقه و جهان پیا خواهد نهاد. علائق مر دمان، حزب و دولت اتحاد شوروی و بخصوص صلیو نید ایلچ بر یژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسو اتحاد شوروی و صدر هیات ریسه شوروی عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نسبت به پیروزی مر دمان افغانستان و تکامل ظفر مندانه

و تجارعی و تخنیک در پیغ نخواهد کرد و دامنه این کمکها که بخصوص بعد از ششمین جلسه و آغاز دو میسن مرحله تکاملی انقلاب ثور سر یعانه توسعه یافته و تقویت مییابد بعد از سفر تاریخی ببرک کارمل بکشور کبیر شوروا نیز بصورت پیا پیقه و به نحوی عالی بسط و انکشاف خواهد یافت، طوری که ببرک کارمل در بیانیه خویش به چار مین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نستان فرمودند: ((در هنگام مذاکرات هر دو جانب ابراز علاقمندی نمودند که بعد از این نیز همکاری دوستانه میان حزب کمونسو اتحاد شوروی و حزب دموکراتیک خلق افغانستان رشد و توسعه یابد اشکال همکاری های تخنیک، اقتصادی و تجارعی بین کشور های مان بسط و تکامل حاصل کند و روابط اتحاد شوروی و افغانستان در عرصه های فرهنگ، معارف، صحت عامه و سیورت عمیق

تروسیتر گردد.

در فروغ پیا مدهای بیضند سفر تاریخی ببرک کارمل بوضوح کامل درک میگردد که دوستانه افغان - شوروی اکنون در سطح روابط احزاب و دول مر دو کشور، بروق اصول انقلابی و بر پایه بر نسیم های انترناسیونالیزم نیز ژرفش و بسط همه جانبه می یابد، وعده کمک های مختلف و دوام و افزایش آن از جانب اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان که در طی مذاکرات دوستانه ببرک کارمل و لیونید ایلچ بر یژنف بعمل آمده است یکبار دیگر موید آنست که اتحاد شوروی به شکوفا نی افغانستان، پیروزی مر دمان افغانستان و تکامل پیروز مندانه انقلاب شکوهمند ثور علائق بی نهایت دوستانه و بدون هر گونه اغراض سیاسی و سوئیت را حایز می باشد، اینگونه علائق انسانی در حقیقت، بهمین ماهیت انقلابی و انسانی حزب و دولت اتحاد شوروی و ممثل ارا ده نیک و روحیه بشر دوستانه مر دمان قهرمان آن کشور میباشد طریقه لیونید ایلچ بر یژنف در صافتی که بافتخار ببرک کارمل در قصر کریملین تر تیب داده بودند چنین گفتند: ((موقع آنست تا آنها بیکدیگر جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز میکنند بدانند که پلانهای ماجراجویانه آنها محکوم به ناکامی است ورو تسد

بقیه در صفحه ۱۹

د بلغار یا هیواد و پیرنی

ورباندی زیات شول، اونډ ورځ بلغاریا دخپل متری نظام په رڼاکی یوقوی او پرمخ تللی اقتصاد لری چی دواړه شقه یی (زراعتی او صنعتی) پرمخ تللی اونوربه هم پرمخ ولاړ شی *

اوهم دبلغاریا غرنی برخې نسی ورشوگانی (جراگاما) لری مختلف خاړوی لکه غوایی پسونه وزه اوڅوک په زیات شمیر په کیروزل کېږی *

دبلغاریا صنایع اومعادن ددولت په لاس کی اوملی دی کرنه اومالداری د بزمگري اتحادیوپه سیستم اداره کېږی دبلغاریا تجارت دنړی دټولو هیوادو سره صورت نیسی دبلغاریا عمده صادرات تنباکو، شراب، لبنیات، دځلا، بوغطر پوستکی اوځینی ماشین آلات دی *

دبلغاریا وگړی اوتاریخ :
په پخوا نیو پیړیوکی بلغاریا دروم دامبرا آوری یوه برخه وه دهغه وخت داوسیدونکی په باره کی اطلاعات لږدی په دریمه میلادی پیړی کی دسلاوځینی طوایف دغه ځای ته

راغلی وو او داصلی اوسیدونکوسره یوځای شول. په اوومه پیړی کی داوتیگور قبایل چی دبلغار دشعبو څخه وو په دی ځای مسلط شول اوسلطنت یی تاسیس کړ اوتیگوریان د سلاو

یانوسره یوځای شول دهغوژ به اوعادات یی قبول کړل اودبلغاریا اوسنی خلق له هغوی سره دیوځای کیدلو نتیجه ده په نهمه پیړی کی عیسوی مبلغینو داتود کس له کلیسا څخه دمسیح مذهب په بلغاریا کی خپورکړ خوشه لدی جنگ دبلغاریا یی دسلطنت اودختیځ روم دولت چی مرکز یی بیزانس یااوسی استا نبولوپه لایتقطع صورت دوام درلود *

دمسیحی څوار لسمی پیړی په اواخروکی دعثمانی ترکانو بلغاریا ونیوله اوتقریباً پنځه پیړی یی حکمرانی ورباندی وکړه توخوچی په نولسمه پیړی کی دیونان اوبالقان دټولو مناطقو دآزادی خواهی دنهضت په تعقیب بلغار- یاهم دخپلواکی دلاس ته راوپلور لپاره تصمیم ونیوه لمری ځل په کال ۱۸۷۶ دعثمانی دولت په ضددریده اگریچی ددوی دغه قیام مغلوب شو خو یو کال وروسته په ۱۸۷۷ کال کی دروسی دولت دترکانوپه مقابل کی دجگړی اعلان وکړ

اوبالقان ته یی لشکر کشی وکړه او وروسته دعثمانی لښکرو له مغلوبیت څخه دبلغاریایی په یوه برخه کی یونیم خپلواکه حکومت تشکیل شو څو کاله وروسته شرقی رومیلی هم دعثمانی دولت په ضد شورش وکړ اودبلغاریا سره یوځای شو په ۱۹۴۶ کال کی دعامة را دیسو دمرا جمی په اثر په بلغاریا کی دخلکو جمهوردی حکومت تاسیس شو دنوی اساسی قانون له مخی مقننه قوا په یووا دهمجلس پوری اړه لری داو دبلغاریا په باره کی لثم معلومات

پوهنتون لری *

دبلغاریا ټول مهم ښارونه عبارت دی له روشچوک اوپلیون په شمال کی پلودیو په جنوب اودوارنا او بورگاس بندرونه د توری بحیری په ساحل کی ریمتروک گراد دبلغاریا نوی صنعتی ښار دی *

دبلغاریا پیداوار او اقتصاد :

بلغاریا اساساً یوزرا عتی هیواد دی تقریباً دملکت دریمه برخه په ځنگلو پټه ده اوپا ته برخه یی تقریباً کرنه مساعده ده دنوموړی هیواد مهمترین محصول غنمی دی او اوربشی، جوار، تنباکو، پنبه کتان اونوری مختلف میوی او انگور هم ډیرشته چی ډیره شراب جوړولوکی استعمالیږی ددوربینمود جنجی روزنه هم په ډیره پیمانه موجه ده دهیواد په جنوبی برخه کی په حدود دشل زره ایکره مخکه دځلاپ په بوټوپټه ده دبلغاریا بزرگران ددغه گل په روزنه کی خاص مهارت لری اومختلف انواع یی منځ ته را وپی دی اود محصول څخه عطر اودځلاپ عرق استخرا جوی اوتولی نړی ته یی صادروی *

دبلغاریا ډیر مهم پیداوار د ډبرو سکاره دی برسیره په دی مالکه، المونیم، طلا، مس او دهمر مختلف انواع هم استخراجیږی . دنړی تر دوهم جنگ پومیس بلغارا مهم صنایع نه درلودل صنعتی تصدی یی مجموعاً دروزروته رسیدی چی ډیری یی عبارت له کو چنیو موسسو څخه ووی دکارگرو مجموعی تعداد له پنځه اویازروڅخه ډیره ونه شول تقریباً ټول په کرنه بوخت و مگر کله چی دبلغاریا هیواد ددویم نړیوال جنگ په موده کی دهنلری فا شیستی لښکرو څخه په خپل دبلغاریا دخلکو او دشوروی اتحاد دصلحی قواو په واسطه وساتل شو او ترڅو چی نننی متری نظام په بلغاریا کی ټینګ شونو دصنا یعو دایجادو لو لپاره یو وسیع پلان ددرنو صنایعوپه شمول منځ ته راغی اوبه نتیجه کی هغه مصرفی صنایع لکه نساجی، شراب سازی موجود ووتلویو اونور شقوق لکه فلزکاری، انجنیری اوکشتی سازی دموتور جوړول اونور

پیدا کوی د بالقان ختیځه برخه چی ۲۰۰۰ او ۲۵۰۰ متر وترمنځ لوړوالی لری ددانیوب درود ځانی اوده دمرستیا درود ځانی لکه حوضی څخه چی جنوب خواته ازی بحیری ته بهیږی بیلوی اما د بالقان په ختیځه برخه کی د سلون له مقام څخه تر توری بحیری پوری د یوزر مترو څخه لږ لوړوالی لری د بالقان مهم کوتلونه دادی :

ترویان، روز آخرنی کوتل چی عبارت له شیکا څخه دی نږدی یو صومعه چی په شیکا معروفه ده موجوده ده چی ښایی دبیزانتین د صنعت دعالیترینونو څخه وی *

دریم په جنوب کی یوه بله غرنی منطقه مرکبه له هغوسلسله غرونو څخه چی دبالقان داصلی سلسلو څخه بهیږی دجنوب په استقامت د (اژی) تربحیری رسیږی اونومو- پی بحیری متعددی جزیری چی په تاریخ کی دیونان په جزایرو معروفی دی په حقیقت کی دغو غرونو دسلسلو څخه مهمترینه چی درو دوپ په نوم یادیږی دبلغاریایی اویونان په منځ کی واقع ده دریلوداغ څوکه چی ۳۳۰۰ متره لوړوالی لری په دغه غره کی ده برسیره دمریستا په رودځانی چی پخوا موزکر کړه دمستا رودځانی هم دبالقان دغره دجنوبی نشیب څخه نشات کړی دی چی دبلغاریا په جنوبی ساحه کی له عبور څخه وروسته په یونان کی داخلیږی اود (اژی) بحیری ته بهیږی *

دبلغاریا اقلیم د دانیوب په جلگه کی شما لی بادونه لری چی یوی اندازی دغه جلگه سره ده اما په جنوبی نواحیو کی د مد یترانی له بادونو څخه استفاده کوی ډیر معتدل دی همدا رنگه دهیواد اقلیم په ټولو برخو کی سالم اودسوپ والی اوتود والی څخه مصنون دی. دبلغاریا مرکز د صوفی ښاردی چی دبالقان دغرونو په جنوب اود هیواد په لوییدیځی برخه کی پروت اواقع دی دغه ښار (صوفیه) چی په څلورمه میلادی پیړی کی دثرا ژان له خوا ښانوی و دبالقان یو لرغونی ښار اوداو سپنی دپتلیو اوتجارت مهم مرکز دی اوله نیم ملیون څخه ډیر نفوس اویومهم

موقعیت اوجغرافیای اوضاع د بلغاریا دخلکو جمهوریت دبالقان دشبیه جزیری له هیوادو څخه دی چی داروپا په جنوب شرق کی دتوری بحیری په لوییديځه کناره کی واقع دی دجنوب څخه په یونان اوترکیی اودلوییدیځ څخه په یوگوسلاویا محاط دی دشمال په برخه کی ددانیوب او دځانه بلغاریا درومانیی له خاوری څخه بیلوی *

دبلغاریایی هیواد تقریباً یومستطیل شکل لری اوددوالی یی دیوگوسلاویا له سرحداتو څخه د توری بحیری تر شامله پوری تقریباً ۴۵۰ کیلو متره او عرض یی ددانیوب له سیند څخه د یونان د سرحد پوری ۲۵۰ کیلو متره دی مجموعی مساحه یی په حدود دیوسله دولس زره کیلو متره مربع اونغوس یی تخمین اتو ملیو نو نفرونه رسیږی د طبیعی ساختمان له نظره، بلغاریه په څو مشخصو برخو ویشله شوی ده چی له ختیځ څخه لوییدیځ ته په موازی توگه امتداد لری *

لومړی په شمال کی ددنیوب درود ځانی وډای یوه وسیعه اوهواره جلگه ده چی د طبیعی ساختمان له حیثه د رومانیی دجنوبی جلگی امتداد گنل کیږی دغه جلگه دایسکور اواسام درود ځانو په واسطه چی د دانیوب معاونین دی او نوری کوچنی رود ځانی چی

مستقیماً توری بحیری ته بهیږی آبپاری کیږی. دویم په منځنی دبالقان د غره سلسله چی داروپا جنوب شرقی ټوله شبیه جزیره د هغی په نوم موسوم ده د بالقان غرونه چی په حقیقت کی دترانیسیلوانی آلپ اولری کارپات دغرونو دجنوبی امتداد دی ډریو هیوادو بلغاریه، رومانیه او یوگوسلاویه سرحداتو داتصال دنقطی څخه چی یو تاریخی معروف معبرو او داوسپنی په مشهور دی شروع شوی دی چی په اول کی د بلغاریسی او یوگوسلاویا ترمنځه جنوب ته امتداد مومی اما وروسته په ۱۵۰ کیلو متره مسافه دعتماً دختیځ خواته او پی او د بلغاریی له منځه دتوری بحیری د ساحل تر حدود وپوری امتداد

قادر فرخنده‌مند با استعداد که

آرزو دارد در ژیسور شود

بیست سال عمرش را در تئاتر سپری کرده نقش های زیاد و رنگارنگ را مو فغانه بازی کرده همیشه طرز کارش مطلوب و مورد پسند است.



نمایشنامه های (از باب پو نتیلا و نوکرش ناتنی) (خشم خلق) «شب و شلاق» (ضرب به سیم) را خیلی عالی بازی کرده و آرزو دارد در ژیسور خوب شود. در سینما و تلو یزیون نیز حصه گرفته مخصوصا نقش اتللو را خیلی ماهرانه تمثیل کرده است. قادر ازدواج نموده است و پدر دود خترو يك پسر است و در محیط خانه و کار مورد احترام همه است.

ایرینا کوبچینکو هنرمند

با استعداد و خارق العاده



دستارگان

افسانه

ساز

ایرینا کوبچینکو



ایرینا کوبچینکو یکی از موفق ترین و با استعداد ترین ستاره های تیاتر و سینمای اتحاد شوروی است.

ایرینا هنوز محصل آموزشگاه هنری شو کین بود که برای ایفای نقش لیزا از فلم «آشیانه اشرف» دعوت شد این فلم به اسانس داستان تور گنیف ساخته میشد. باوجود اینکه ایرینا در چند فلم محدود حصه گرفته اما مورد استقبال گرم قرار داشته و آینده درخشان در انتظارش است.

ایرینا هنرمند خیلی سخت گیر است یگانه در ژیسوری که میتواند همراهی ایرینا مو فغانه کار کند اندری میخا لکوف کا بنچیسو فسکی است این در ژیسور توانا ایرینا را برای اولین بار بروی پرده کشید و برای تبارز استعدادش کمک کرد. ایرینا به این در ژیسور عقیده دارد و عقیده داشتن هنرمند به در ژیسور کار بزرگی است.

ایرینا در فلم (ما ماوا نیا) «چخوف» در نقش سو نیا درخشید.

در فلم (حما سه يك عشق) ایرینا ابتدا دختر ساد، جلف و هرزه

را خیلی موفق بازی میکند این دختر در مقابل عشق او از قهر مان فلم خیلی عادی جلوه میکند اما بعدا این دختر زندگی واقعی را درک میکند زن قهر مان فلم میشود ایرینا در زمانیکه مادر میشود عواطف مادری را خیلی طبیعی و زیبا بازی میکند زن قهر مان فلم میشود ایرینا زن مقدس را در لحظه ای که کودکی در آغو شش است هنرمندانه بازی میکند او به مریم مقدس که در کلیسا ها وجود دارد شباهت دارد.

چارلز پوکینسکی

چارلز پوکینسکی در سال ۱۹۲۲ برایش کار پیدا کردند و خودش در آمریکا تو لد یافته والدینش از لتوانی بودند که بعدا به امریکا مهاجرت کردند. خانواده اودر کمال فقر زندگی میکرد چارلز طفل نهم بود هنوز دهساله نشده بود که پدرش به مرض سل گرفتار شده و مرد چارلز فقط در روزهای میتوانست مکتب برود که یکی از برادرانش بخانه میبودند ووی لبای سپای آنها را میپوشید.

چارلز در شانزده سالگی در همان معدن که قبلا پدرش کار می کرد شامل کار شد.

بعد به عسکری رفت. بعد از جنگ موبل فروشی میکرد اما باز هم به معدن ذغال رفت دو ست ها پیش بخاطر اینکه پول بدست آورد در یکی از تیاتر های دور افتاده

برایش کار پیدا کردند و خودش توانست رول های درجه سوم را بازی کند و از همان تیاتر کوچک و دور افتاده توانست برای خود در عالم هنر جای پیدا نماید آهسته آهسته او را به سینما دعوت کردند و نقش های فرعی را بازی میکرد و بعد از فلم دوازدهم تخلص خود را برو نسون گذاشت.

چارلز در سال ۱۹۷۱ جایزه اسکار گرفت و در ۱۹۷۲ از طرف زور نالیستان بحیث موفق ترین اکتور انتخاب شد.

چارلز پرونسون حالا لا نه فقط در يك فلم کار میکند تا وقت زیاد برای خانواده بزرگ خود داشته باشد. مرد متین و آرام است و هیچ شباهت به کسانی ندارد که نقش زنان را بازی کرده است.



شبانه اعظمی

از : وافی

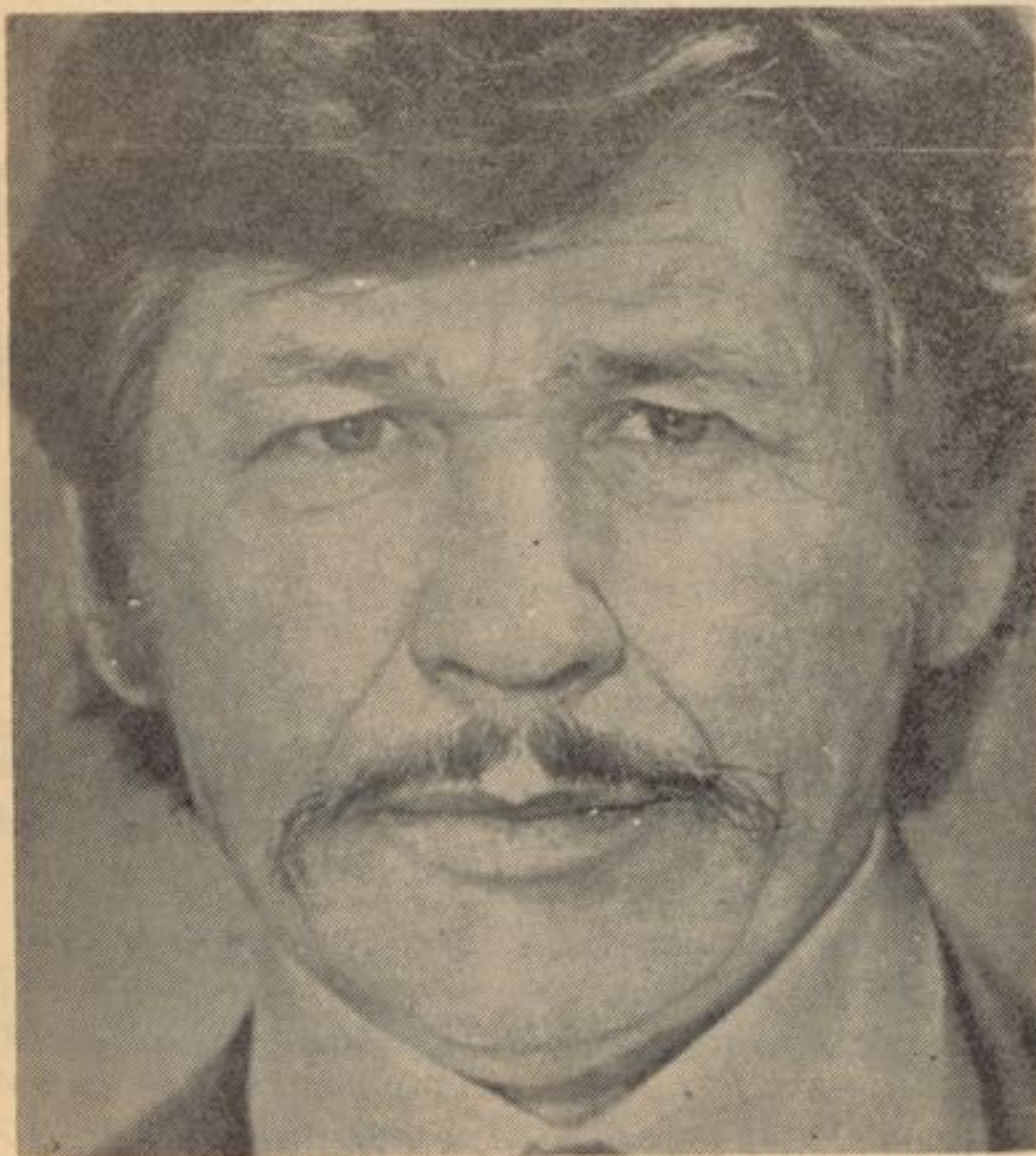
شبانه اعظمی ستاره تحصیل یافته هنرمند جدی سینمای هندوستان

تلو یز یون جمهوری دموکراتیک افغانستان فلم های انکور، سپیده امر، اکبر، انتونی را نمایش داد. شبانه اعظمی در هر سه فلم در تیپ های مختلف ظاهر شد. همیشه زن های بی دفاع و مظلوم را که

شرایط بد اجتماعی آنها را تحت فشار قرار داده توسط این هنر پیشه خیلی مو فخانه بازی می شود. در چهره وی مشا هده می کنیم که با پرابلم های گوناگون زندگی مشکلی را سپری می کند پرابلم عمده حقوق مساوی زن با

مرد است که در جهان مترقی سالهاست حل گردیده است. مگر در مشرق دست نخورده باقی مانده و این پرابلم ها مورد دلچسپی رژ یسوران مترقی سینمای هند است.

شبانه اعظمی اخیرا در يك فستیوال در تاشکند دعوت گردیده و سه فلم شبانه اعظمی بنا مهای (ريك راسته)، (فقیرا) و (همرای شما) به نمایش گذاشته شد که این فلم هامورد علاقه تماشاگران واقع گردید.



چارلز پوکینسکی

شروع شده است. ولی طی قرون بعدی و جدید در موارد مذکور توجه بیشتری در ساحت مذکور معطوف و مبدول گردید و با تاسیس سازمان احصائیوی، نشریات و کتاب احصائیوی نیز رونق گرفت و انتشارات آماری توأم با تحلیل و تجزیه قضایای علمی، بسط و انکشاف یافت، بنحویکه بکثرت مراجع علمی و دانشمندان، به مرور سالهای متعددی در راه تعمیم و ترویج دانش احصائیه، گامهای سنجیده و متداومی برداشتند بطور مثال: کنفرانس کنوالت در سال ۱۷۴۸ میلادی به تدریس احصائیه در پوهنتون گوتینگ پرداخت.

شیرازه های خدمات علمی و آشنایی ابراهیم دیویو (۱۶۶۷-۱۷۵۴) و کارل گاس (۱۷۷۵-۱۸۵۵) در راه تنظیم محتوای احصائیوی و مساعی کویت لت (۱۷۹۶-۱۸۷۴) دانشمند معروف از نظر تشخیص روش های جمع آوری ارقام تثبیت اساسهای نوین آماری، در آثار و کتب احصائیوی ذیدخل شناخته شده و ماحصل آن در پیریزی نشریات آماری بی تاثیر نبوده است.

همچنان در سال ۱۷۷۰ ضمن یکی از کتبیکه توسط (هویس) از لسان آلمانی به انگلیسی ترجمه شده یک فصل محتوای آن راجع به احصائیه بوده است و در سال ۱۷۷۵ ارقام سرشماری چین طور کتبی به امپراتور و قتل چین ارائه شده رساله (قواعد نفوس) رابرت مالتوس دانشمند اقتصاد و کشیش قرن هجده در سال ۱۷۹۸ انتشار یافت (لاگرانژ) در سال ۱۷۹۹ آثار پرارزش خود را تحت عنوان «حل معادلات عددی» انتشار داد.



مطالعه و بررسی نمونه گیریهای متنوع در رشته های مختلف فرا آورده های اقتصادی به شمول چوب و کتله های درختان که در اقتصاد عمرانی و رفیع مواد سوخت برای باشندگان کشورهای جهان خاصا ممالک عقب نگه داشته شده ارزش حیاتی دارد، از نظر موسسات ملی و بین المللی آماری پوشیده نمی ماند و تهیه ارقام کارآمد در آن مورد نیز بنوبه خود دارای اهمیت است.

خبرنار عبدالله «محب حیرت»

از مباحث تحقیقی

عصر طلایی آمار و ارقام

باشد و از حدود معین آن تجاوز نکند، اعتقاد و توافق باهمی داشته است.

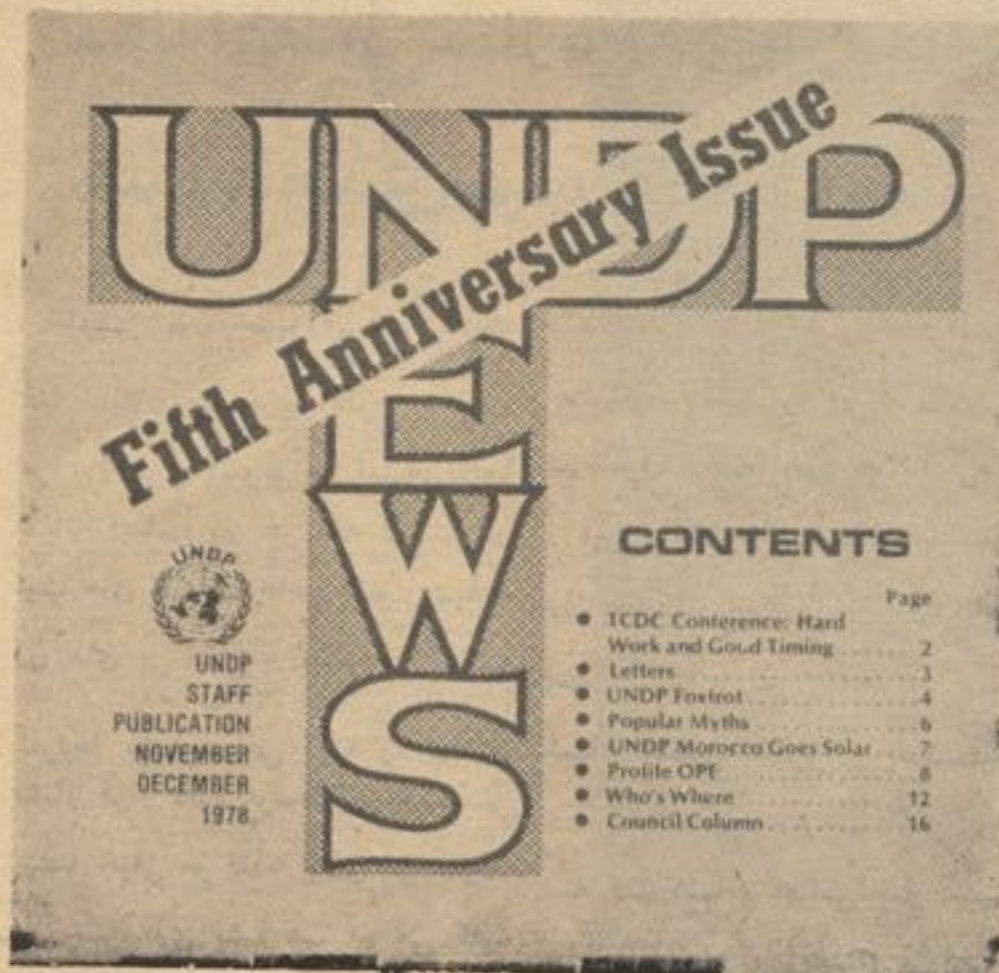
بعدا روی این مساله نظرات و عقاید ارائه شده بشکل مختلف تقریبا غیر منسجم و پراکنده بوده است. ولی بعدا طی قرون بعدی بکثرت زیاد دانشمندان و متفکران اند و خت های علمی

شانرا در موارد ارقام و اعدادی که اساس عام احصائیه را پیریزی می کند بشکل کتب و رسائل تدوین و نشر کردند. مثلا پیر دوی فرانسوی در قرن هفدهم شپکار علمی و اثر ارزنده خود را بنام (تئوری اعداد) تالیف کرد و بدسترس علاقمندان دانش گذارد. اسحق نیوتن بر علاوه کشف قانون جاذبه از سال ۱۶۸۴ تا ۱۶۸۶ کتاب (اصول) را نوشت و روش نوینی را برای «حساب بینهایت کوچکها» ایجاد نمود. لایبنیتس در سال ۱۶۸۴ مقاله مبسوطی را تحت عنوان «حساب عناصر بیتها» بت کوچکها منتشر کرد.

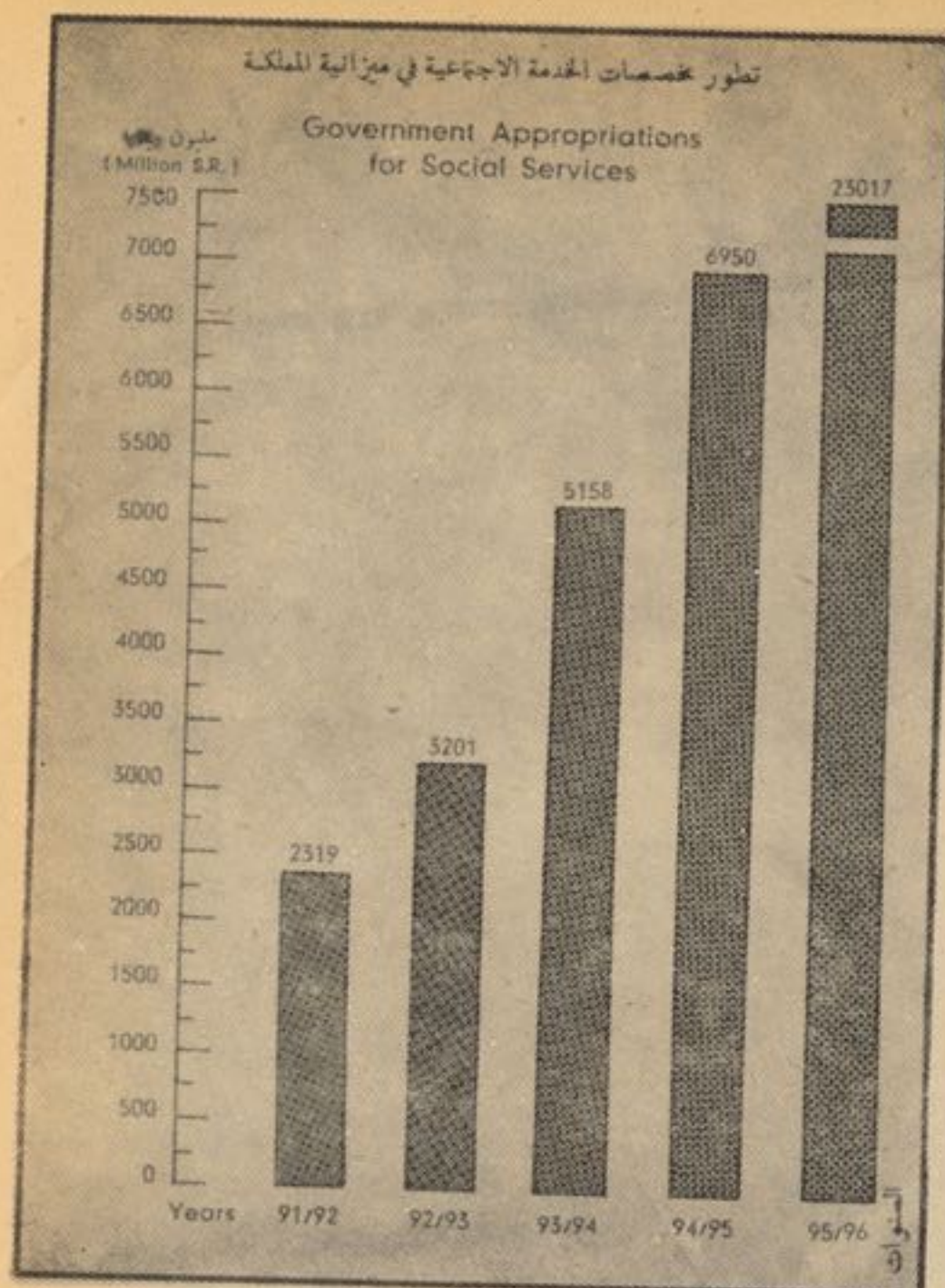
در قرون وسطی که انعطاف و التفات بامور احصائیوی کمتر محسوس و مشهود بود، از یکطرف عدم انکشاف علوم و تکنالوژی و نا برابری های سویه فرهنگی و از جانب دیگر عدم درک و تشخیص سالم ذهنی افراد جوامع به اهمیت احصائیه و ارقام، ساحت انتشارات احصائیوی را محدود و حتی رجوع و تمایل به فعالیت های جمع آوری آمار و احصائیه ها را در حال تذبذب و رکود گذارده بود. اما برخی

اللاتون فیلسوف معروف یونان باستان در کتاب مشهور (جمهوریت) خود (بحدود ۲۳۰۰ سال قبل از ارتباط فزونی نفوس با جنگ و حرب تذکری داده و ارستو در مورد کنترل شدید از دواجبا و تحدید ولادتها و محدودیت اطفال که مسایل مذکور باندازه توان مادی (مالکیت) فرد متناسب و هماهنگ

متفکران عقیده دارند که در حقیقت تحولات واقعی در این موارد از قرن شانزده بدینطرف



از جمله نشریات اقتصادی و آماری ملل متحد بخش اطلاعات مختص از گوشه های مختلف جهان، بخصوص کشور های عضو ملل متحد، در تنظیم پیامدها و ذخایر معلوماتی برای علاقمندان آن همیشه مورد نظر و عمل است. تابلوی فوق نمونه از نشریات اختصاصی بین المللی است که معرف اسم و محتوای آن میباشد.



نمونه دیگری از گراف های آماری در رشته امور خدمات اجتماعی که مورد پذیرش و تطبیق موسسات آماری ملی، منطقه‌ای و بین المللی قرار داد.



گوشه از آرشیف یابانک ارقام که در کشورهای مرفی و روبه انکشاف حتی در موسسات احصائی کشور های مختلف و ارکانهای بین المللی، مرجع استفاده آمارگران، اقتصاد دانان و متخصصان قرار دارد.

موسسه دامسندی بسوك كه سال ۱۸۰۵ میلادی رویکار آمده نشر برخی آثار و معلومات احصائی اقدام کرد. همچنان یکی از دانشمندان و محققان احصائی موسوم به «سانسور وینو» در شهر «وینز» پیرامون شناسایی وقایع اجتماعی از روی ارقام کتابی را انتشار داد.

در سال ۱۸۴۱ میلادی (سوسیج) نتایج تحقیقات خود را در باره جمعیت، بشکل رساله منتشر کرد. همگام با این عصر و زمان مساله آمار بیشتر به پوهنتونها راه پیدا کرد و مورد تدریس قرار گرفت. در سال ۱۸۵۳ رویداد های کانگرس بین المللی احصائیه منعقد شد بروکسل منتشر گردید. با تاسیس انستیتوت بین المللی احصائیه در لندن سال ۱۸۸۵ مفكوره نشرات احصائی تبارز نمود و قوت گرفت، آوانیکه مطالعات احصائی چندان اهمیت نداشت، یکی از انجمن های علمی رساله (جانت گرانث) را در باره مطالعه و بررسی جمعیت انتشار داد و متعاقباً (پتی) یکی از محققان آن زمان موضوع مذکور را در کتاب خود دنبال کرد.

دانشمندی گفته است که: (در ابتدای قرن نوزدهم کشور ها عموماً نتیجه بررسی اوضاع خویش را جز اسرار شمرده و هیچگاه مایل نبودند تا کشور دیگری از میزان نیروی اقتصادی و کجانی آنان مطلع شوند. ولی امروز مفكوره بر عکس در چنین موارد تحقق پذیر است بطوریکه همگان به این عقیده اند که دولت باید خود را بشناسد و بشناساند و آمار و احصائیه را موثرترین وسیله شناخت حقایق بداند. چه تحقیقات و تتبعات علمی در رشته های گوناگون با رقم احصائیه بیشتر مستند و موثق می تواند شد.

در روشنائی تجسّسات علمی وقتی قد می فراتر گذاریم متون ماخذ موثق درواری مطالب مستند که مبین گزارش های مبحث مورد نظر است با چنین عباراتی ما را به اصل حقایق میرساند بطوریکه متذکر شده اند: «در قرن نوزده میلادی احصائیه دانان عهد مذکور، آن دوره را در قرن واقعی آمار، مینامند». چنانچه درین عهد نشراتی چند پیرامون سر شمار یسا انتشار یافت. ولی باور در قرن بیستم محققان و صاحب نظران آماری آنرا در قرن طلایی انتشارات احصائی نامیدند و اکثر دول اروپایی به نشر و بخش نشرات احصائی بیشتر توجه و تمهید شدند و با طبع و نشر مجلات و حتی سالنامه های احصائی دست بکار شدند. «کارل مارکس» فیلسوف دانشمند نامدار که میتودیا و روشهای علمیش، در اواخر قرن نوزده هواخواهانی پیدا کرد و در اوایل قرن بیست ارزش های معنوی آن به پدید آیی تحولات بزرگ اقتصادی منتج گردید در کتاب «کاپیتال» خود پیرامون اهمیت آمار اشاراتی کرده است. همچنان «لنین» فکید که خود دانشمند پرنبوع، فیلسوف مبتکر سیاستمدار احراز می کند.

منسو بین کمیته ملی المپیک و ریاست عالی ورزش به خاطر سهمگیری شان در اولین سالروز تاریخی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور که مرحله نجات انقلاب وطن و مردم محسو بهی شود به افتخار این روز تاریخی مسابقات شکوهمندی برگزار شد.

درین رخداد تاریخی وطن عزیزما تیم های فوتبال پوهنتون کابل قوای مسلح، پامیر، میوند، آمو و کارگر سهم گرفته که روز شنبه ۲۹ قوس تیم های پوهنتون کابل و قوای مسلح آغاز گر این مسابقات بودند.

هر دو تیم جهت جا گیری شان از صدر جدول و کسب این جام افتخار آفرین رخداد تاریخی میهن مان افغانستان قهرمان و انقلابی مسابقه شانرا بایک آمادگی عالی نسبت به دیدار های قبلی شان از سر گرفتند طی هشتاد دقیقه وقت تثبیت شده بدون نتیجه گیری کار شانرا پایان دادند و آنها حسب مقررات برای بیست دقیقه وقت اضافی بازی را ادامه دادند که درین مدت بازی باز هم مساوی خاتمه یافت و حسب قوانین طرح شده این مسابقات، سر نوشت آنها با ضربه آزاد بینالتی تعیین شد که تیم پوهنتون کابل با استفاده ازین شانس پیروز گردید.

روز یکشنبه ۳۰ قوس تیم های فوتبال کارگر و آمو در برابر هم قرار گرفتند که درین مسابقه تیم فوتبال کلب آمو با تلاش بیکی و نتیجه سازشان تیم کلب کارگر را با وارد نمودن سه گول به شکست مواجه ساخت. روز دوشنبه اول جدی تیم پامیر مربوط وزارت ترانسپوت که از جمله نخبه ترین تیم های فوتبال کشور و دارنده لقب قهرمانی چندین ساله تا قبل از مسابقات امسال است در برابر تیم فوتبال کارگر با همه تلاشها و درگیری های شان عاجز مانده نتوانستند درین بازی کاری را به نفع شان پایان دهند و سر انجام تیم کارگر دو بار توپ را به داخل گول تیم پامیر نمود. و شادی کنان میدان مسابقه آنروز را ترك گفتند.

روز سه شنبه دوم جدی تیم پوهنتون کابل و میوند دو مدعی خوب این مسابقات رویا روی هم قرار گرفتند که بازی بعد از تلاشهای اعضای هر دو تیم، بازی سه مقابل صفر به نفع تیم پوهنتون کابل

ژوئنون



Dorothy Hamill

یکی از صحنه های جالب سکی روی یخ

دایور از عبدالکریم «پوبل»

مسابقات فوتبال زیر نام «جام پیروزی» دایر گردید و تیم آمو به گرفتن آن موفق شد

زن و شوهر قهرمان مسابقات سکی روی یخ ، با جهان ورزش وداع نمودند

در طول تاریخ ورزش کشور اولین دسته دختران ورزشکار مابه خارج کشور سفر نمود



حرکات جالب سکی روی یخ واقعا تماشایی است



ورزشکاران سکی روی یخ از مهارت های خاصی برخوردار اند .

خاتمه یافت و به این رقم تیم پوهنتون کابل در جریان این مسابقات به دو مین پیروزی شان دست یافتند . روز چهارشنبه سوم جدی تیم پامیر ۱/۲ جوان و پر تلاش با طرح يك پلان عوض نموده نسبت به مسابقه قبلی شان که در برابر تیم کارگر شکست خورده بودند موفق شدند در دیداری تیم آموزا با وارد نمودن يك گول به شکست مواجه سازد . که با ختم مسابقه تیم های پامیر و آموزا دور اول مسابقات پایان یافت و نتایج عمو می ارزش یابی شد تا تیم صدر نشین جدول هردو گروپ را به دور دوم معرفی سازند که بعد از ارزیابی نتایج عمو می تیم های پوهنتون و آموزا به حیث تیم کاندید دور فاینل در هردو تیم شناخته شدند که آنها روز شنبه ششم جدی مسابقه نهایی جام پیروزی قیام ظفر مند ششس جدی را از سر گرفتند که در نتیجه این دیدار تیم فوتبال کلب آموزا موفق گردید حریف خوبی خود را که در مسابقات پیشین ازین رویداد نیز حریف دور فاینل آنها بود شکست بدهد و به دست یابی جام پیروزی ششم جدی توفیق یافتند .

ورزشکاران شرکت کننده حرکات موزون و دیدنی را با آهنگ های مست و دلنشین طرف نظرشان که برای تماشا چنان هم خالی از کیف نبود دنبال می نمودند که در هر قسمت از نمایشات تماشاچیان با شور و شعف خاصی ورزشکاران را با گرمی استقبال می نمودند . حرکات آنها چنان گیرا و دلپسند بود که تماشاگران لحظه از دیدن آن بدور نبودند و هر حرکت آنها را با علاقمندی زیاد تماشا میکردند .

طوری که چهره های اشتیاق کننده گان این ورزش از طریق پرده تلو یز یون نمایان میگردد در بین شان تفاوت سن زیاد دیده میشود به این معنی که خورد ترین ورزشکار در سنین ۱۴ و ۱۳ در بین دختران بود و بزرگترین آنها در حدود بیست و چهار سال داشتند که با وجود تفاوت سن ، آنها با چنان درخشش و مهارت نمایا شگری می نمودند که نمیتوان در مورد تمرینات آنها چیزی گفت ؛ و فکر میشود که آنها سالهای زیادی را در فرا گیری مهارت های این ورزش پشت سر

ورزش دو ستان گرامی مابه خاطر خواهند داشت که از چندی بدین سو مسابقات بین المللی ۱۹۸۰ سکی روی یخ در یکی از جمنازیوم های سر پوشیده مسکو با اشتراك تعداد زیاد کشور های مترقی و صلحدوست و کشور های انگلستان و ایتالیه تحت نظر نمایندگان کمیته بین المللی المپیک و مقامات

نهاده اند و موفق گردیده اند مشکل ترین حرکات را به تمایش بگذارند که این حقیقت آنها نشان دهنده پشت کار متداوم و موجودیست نهاده اند و موفق گردیده اند مشکل ترین حرکات را به تمایش بگذارند که این حقیقت آنها نشان دهنده پشت کار متداوم و موجودیست

بقیه در صفحه ۵۰

- آخر یکبار گفتم که او نیست.
پس برو ید کار تا ن .
میگو بی اصلا تزار ی و جود
ندارد .
سر گرو هبا ن توقف کس د
دستش را بالا آورد و گفت :
- درگفتن چنین حر فها دقت
کن . آن وقت با لحن دیگری
تو ضیح داد .
- او در شهر نیست .
ا زهیا ن جمعیت کسی باوجواب
داد .
- خیال میکنم هیچ جانباشد .
- مرده ...
- شیطانها نکند او را تیرباران
کرده باشید ؟
- خیال داشتید ملت را نابود
کنید ؟
- ملت را نمیکشند، از او استفاده
میکنند .
- شما تزار را کشته اید می
فهمید ؟
- تو کیستی . سر باز . میدانی
سر باز یعنی چه ؟
در جای دیگر پیر مردی که
ریش باریک داشت به حرارت با
سر باز ن حرف میزد و می گفت:
- شما آدمید ما هم آدمیم !
امروز لباس نظامی تن شما -
ست فردا لباس شخصی ، آنوقت
میخوا هید کار ، کنید نان لازم
دارید نه کار پیدا می شود نه نان .
بچه ها آنوقت تازه شما هم بهمان
درد گرفتار میشو ید که حالا ما
دچار آن هستیم ... خوب ! اگر
شما آنوقت نان و کار بخوا هید
باید به شما تیر اندازی کرد ؟
و برای اینکه شکمتان گرسنه
است باید شمارا کشت ؟ ها ؟
سر بازان از سرما می لرزیدند
پایا میکردند بوت ها را به زمین
میزدند گوشها را میمالیدند تفتنگ
ها را از یک دست بدست دیگر می
دادند ، چشمها نشان با طراف
حرکت می کرد لبهای یخ زده خود
را بهم میفشردند بر صورت آنان
که از سرما کبود شده بود آثاریاس
و نو میدی پریشانی و حماقت
خوانده میشد بلکه روی هم می -
افتاد ، چشمها مخفی میشد ، فقط
چند نفر آنها که گوی بی چیز می
نگریستند چشمها را تنگ کرده
بودند و دندانها را بشدت برهم
میفشردند . چنین به نظر میرسید
که بزحمت میخواهند آتش کینه
و دشمنی خود را نسبت باین توده



نغمه زانو
اثر ماکسیم گورکی

پیوسته گذشته

که برای خاطر آنها سرما می‌خورند فرو نشانند از چهره های افسرده و رقت بار آنها آثار خستگی و انده میبارید. مردم سینه بسینه برابر آنها ایستاده بودند و گاهی در اثر فشاری که از عقب پانها وارد می آمد کمی پیش رفته بسر بازار تنه می زدند.

مردی با چهره رنگ پریده آهسته گفت:

— آرام!

دیگران دست سر بازار را گرفته بودند و با حرارت با آنها سخن میگفتند سر بازار همچنانکه چشمک میزدند گوش میدادند صورتنها یشان تر کیم نا معینی بخود میگریخت و آثار ترس و خجالت در چهره آنها پدیدار میشد یکی از آنها بجوانکی که کلاه پوستی بسر داشت گفت:

— دست بتفنگ نزن.

اما جوانک آهسته با انگشت بسینه او زد و گفت:

— تو سر بازی یا جلاد... ترا احضار کرده اند که از روسیه در برابر دشمن دفاع کنی اما حالا وادارت کرده اند که بسمت ملت تیر اندازی کنی میفهمی؟ ملت یعنی روسیه.

سر باز جواب داد:

— ما تیر اندازی نمیکنیم.

— نگاه کن! روسیه، ملت روس آنجا ایستاده است و میخواهد تزار را به بند... کسی حرف او را برید و فریاد زد:

خیر! نمی خواهند!

— اگر ملت بخواهد را جمع بکار هایش با تزار صحبت کند چه خلا فی کرده است؟ خوب بگو به بینم ها!

سر باز خیر، خیر، تگریست. من نمیدانم.

نفری که در کنار او بود گفت: — بسا دستور داده اند حرف نزنیم.

آنوقت با یانس و نو میدی آهی کشید و چشمانش را بزیست

انداخت.

ناگهان یکی از سر بازار از شخصی که مقابلش ایستاده بود با مهربانی پرسید:

— همشهری! اهل (ریا زان) هستی.

— نه اهل «پاسگو فسکی»... تو اهل کجایی؟ من اهل «ریازان»

آنوقت خنده بلند ی سر داد و مثل آدمهای یخ کرده شانه هایش را بالا انداخت.

مردم در برابر صف تیر رنگ و مستقیم سر بازار میجنبیدند و چون امواج رودخانه ای کسه بسنگها میخورد خود را به آن می زدند دور میشدند دوباره بر می گشتند. بسیاری بزحمت درک میکردند چرا باینجا آمده اند و چه می خواهند و در انتظار چه چیزی هستند. نه مقصود معینی داشتند و نه هدف آشکار که بر آن آگاه باشد فقط حسن رنجش شدید و پریشانی و اضطرابی بر آنها چیره شده بود بسیاری تشنه انتقام بودند و این اشتیاق آنها را بهم پیوسته درجاده نگه داشته بود اما کسی نبود که عقیده دل خود را بر او خالی کنند و از وی انتقام بگیرند... سر بازار کینه آنها را بر نمی انگیختند و آنها را تحریک نمی نمودند، آنها مردمان کند ذهن و



بدبختی بودند سرما آنها را از پای در آورد بود و بسیاری حتی قادر نبودند از لوزه که بر اندامشان مستولی شده بود جلو گیری نمایند، مثل بید میبار زیدند و دندانهایشان بهم میخورد.

آنها میگفتند:

— ما از ساعت چهار صبح تا بحال اینجا ایستاده ایم.

مصیبت بزرگی است.

دراز بکش و بمیر....

— اگر شما پراکنده شوید ما هم بسر باز خانه بجای گرمی خواهیم رفت.

— ساعت چند است؟

تقریباً ساعت دو بعد از ظهر بود.

سر گروه بان گفت:

— برای چه نگران شده اید منتظر چه هستید؟

کلمات او صورت جدی و بسا وقار و لحن اطمینان بخش صدایش خشم و غضب مردم را فرو مینشانید مثل اینکه تمام سخنانیکه اکنون او میگفت از روی عقل و فهم و عمیق تر از کلمات عادی و ساده اش بود.

چیزی نیست که انتظار بکشید... فقط قشون برای خاطر شما رنج میبرد.

مرد جوانی آنوقت پرسید: — بسمت ما تیر اندازی خواهید کرد.

سر گروه بان اندکی خاموش شد و با آرامش جواب داد:

— اگر امر کنند تیر اندازی می کنیم.

بشنیدن این حرف سیل سرزنش و ملامت و دشنام و استهزا از میان جمعیت برخاست مرد سرخ رو و دراز اندامی با صدای رسا تر از



دیگران پرسید:

برای چه برای چه تیر اندازی میکنید.

سر گروه بان پشت گوشش را خارید و توضیح داد.

— پس میگوئید دستور فرمانده را اطاعت نکنیم.

سر بازار حرف مردم را می شنیدند و باد لنگی و افسردگی خاطر چشمها را برهم میبردند.

یکی از آنها آهسته گفت:

— خوب بود یک جیر گرم و داغی اینجا بود!...

صدای کینه جو و غمناکی — پرسید.

— خون مرا میخواهی.

سر باز دلتنگ شد و با ترش رویی گفت:

— من حیوان نیستم.

چشمهای بسیاری بصورتهای بزرگ و تخت سر بازار که در خط زنجیر طولانی ایستاده بودند با خاموشی و کنجکاوی تحقیر و تنفر مینگریست اما اکثریست گوشش داشت با آتش هیجان خود آنها را گرم کند، در قلبهای شان که چون سر باز خانه ای محکم بسته شده و حسن انسانی را برا نگیزد.

اکثریت، مردم میخواستند کاری انجام دهند و بطریق احساسات و افکار خویش را بصورت موجود زنده و جان داری مجسم نمایند و خود را لجو جان نه باین مجسمه های سرد و خاموش میزدند که تنها یک ارزو داشتند و آن اینکه هر چه زود تر به جای گرمی بروند و اعضای یخ زده و گوفته خود را گرم کنند.

حرفها پیوسته گرمتر و واضح تر میشد.

مرد فریبی باریش بلند و چشمان کبود گفت:

— سر بازار! آخر شما کیستید؟ شما فرزندان ملت روس هستید! ملت از فقر و گرسنگی رنج میکشد به کلی فراموش شده است، پناهی ندارد، کار ندارد، نان ندارد، و امروز آمده است از تزار طلب یاری و کمک کند. اما تزار بشما دستور داده است بجانب ما تیر اندازی کنید سر بازار! ملت از پدران و برادران شما تشکیل شده است تلاش و تکان بوی او تنها برای خودش نیست بلکه برای اسایش شما هم هست. شما را بضد ملت بر می انگیزند بیدرکشی و برادر کشی و امیدارند آخر کمی فکر کنید راستی نمی فهمید که بضرر خودتان اقدام میکنید.

بنظر میرسید که صدای آرام و یکنواخت چهره رووف وریش سپید و ظاهراً آراسته این مرد و کلمات ساده و بی ریای او سر بازار را بهیجان آورد است.

آنها در برابر نگاه او چشمها را بزیب انداخته بودند و بدقت گوش میدادند. برخی در حالیکه سر تکان میدادند آه میکشیدند. عده دیگر ابروها را درهم کشیده بودند و به اطراف نگاه میکردند. کسی با صدای آهسته به پیر مرد نصیحت کرد.

بقیه در صفحه ۴۲

خوشحال او پو شكين

سنگر

اقلان

اقلان نه مری

هغوی همیشنی او ژوندی دی.

هغوی دژوند لادخو نې یوگي نگو له څنگه دمر کی دکو می به خواکی تیره شوی ده. له داراو ناهیلیو سره یی د تل له پاره مخه ښه کي یده.

به قول ژوندانه کی درون او انسانی هدف په سره واپ کی مخ په وړاندی درومی او هیڅکله نه تر شا کیږی.

دنوم وړ کو سر تیرو په شان دنوم او نښان دکېلو له پاره نه جنګیږی بلکه دانسان د نیک مرغی او همیشنی خلاصون په لار کی سر، مال او شتمنی ښیندی.

دانسانی لوړ و هیلو د بــری او سر ته رسیدو په کړ لیچنه لار او د قربانی په وخت کی د ټولو په مخکی اود امتیازونو په وخت کی تر ټو لو ورو سته او په ورو ستنی کړنښه کی ځای لری اود هیچ امتیاز د تر لاسه کو لو لیوال نه وی، ځکه چی د امتیازو، نولیوا لیا یی اقلان ته کلک گوزار ورکوی او له تورو خاورو سره یی برابر وی.

هغوی د باتورانو په شان هدفمند ژوند کوی، خپله ژمنه تر سره کوی او هن دا چی مې ینه یی هم د ژوند یوله پاره ستر ویاړنه او ویر نه پرېږدی.

هغوی د تورتیم درنا کولو او دورخی د بری په خاطر ځان لکه د یوه ویلی کوی اود هدفوال ژوند لاری کیږی. لیچو نو په روښانه کو لــوسره خپل خو ږ عمر پای ته رسوی. هغوی باوری دی چی دخپل اولس او زیار ایستو نکو پر گڼو دسو کا لی او خلاصون دبسیا کیدوله پاره باید له ځانه تیر شی او خپل هوډجن سر وښندی.

هغوی پر ننگ سرو نه ږدی اود خپلو سر ښیندو نو په اغکا زو خپل خوبوږی او دبیر یو بیږیو په درانده خوب و یده شو ی خلک را وینښوی چی د خپلی آزا دی د ښمن منگلی ماتی کړی.

هوا

هغوی له خلکو سره د یو ستون پت پټا نی او راز مو ندای وی او په دی بو هیری چی دمر کی خونـسری منگلی هم ددغه پیو ستون مرغلین پری شلو لای نه شی یوازی او یوازی له خلکو سره به نه شلیدونکی پیوستون کی پت او ننگ، هوډاو تکل، بری او پایښت نغښتی دی چی پرته له همدی اړیکی نه ډیر غښتلی قو تو نه پر ږیږی او له مینځه ځی.

۱۳۵۹ ر ۷ ۲۰ تلو یز یون

خو شحال ځان خټک زموږ دویاړلی هیواد افغا نستان لوی شا عر اود ښتو ژبی پلار اود شو روی اتحاد درو س ستر شا عر پو شکین یو له بل سره ډیر گټه اړ خو نه لری چی د افغانی او روس دنوروشاعرانو په پرته یی د ادب په لوړ ځای کی ځای تر لاسه کړیدی.

خوشحال او پو شکین دواړه په بلما یو او مخورو کور نیوکی ږیږیدی.

اود خپلو ژبو دغو ږیدونکی ادب سر غندو یان وو چی د ادب او فر هنگ دغو ږیدو او بشپړ تا به له پاړه یی دخندوو نو او بندیزونو لاره هواره کړله خوشحال او پو شکین د خپلــو لرغونو ژبو دشعر او ادب د هغو ما هرو خټکرا نو حیثیت لری چی د ادب دنو وښوونځیو ډیر تمینو مایمو ښستو نه یی ایښی اود هستوونکی فر هنگ درا تلو نکو سر غندویانو

پرمخ یی دمزله وهلولوی ورپـرا - نیستلی دی.

دپو شکین تر ږیږید نی یو سلو لس کا له پخوا کله چی خوشحال دخپل وخت له ږه بو گڼوونکی چا پیریال سره آشنا شو اود پښتو دشعر او ادب چټکه یی ورپو لــه په پښتو ژبه له در بارو نو څخه یی بهر او ډیر لیری به او لس کی شته والی در لود، خو شحال خټک په همدغه خپل شوی او تر ټـل شوی ژبه کی د هماغه وخت د نا خوالو سر بیره داسی مړ غلری وینی چی ساری یی لږ پیدا کیدای اوستری ادبی بانکی بلل کیدای شی چی راتلو نکو ته دستر فر هنگی میراث به تو گه پاتی شوی او پیری پیری به خپل برلاستوب او اصالت خوندي وساتی.

همدا شان دخو شحال تر مړینی یو سلو لس کا له ورو سته چی د روس ستر شاعر داد خپل او لس رښتیا نی تر جمان خپلی ستر گی برا نیستلی درو س د تزارانو په اشرا فی دربارونو کی فرا نسوی ژبی دومی برلاستوب مو ندلی و چی درسمی ژبی په تو گه کارول کیده.

پو شکین په پور تنیو شرا یطو کی ا د ادب او شعر دیوه ما هر خټک په تو گه دروسی ژبی بنسټ کښیښوداود دخپلورا تلو نکو له پاره یی اغز نه لار هواره کړله اود اشرا فی دربارد ستاینو پر ځای یی دخپل او لس ویاړونو او ویرنو بوللی و بللی

خو شحال او پو شکین دواړو دخپلو لرغونو او قهر ما نو او لسو نو اود خلکو د ژغورن ډگرتورو دانگل اود ښکیلاک گرو او ژبیښاک گرو د لوټ او تالان پر ضد یی خپل انسانی غږ او چت کړا و دخلکو په راو یښولو سره یی د هغوی دښمنانو ته د سر خوږ پیدا کړ اود را تلو نکو بر یالیتو بو نو دیوه یی ولکوله. خو شحال خټک دهند دگور گیا نو د ښکیلاک گری امپرا طوری د غیر انسانی چلند پر ضد دژوندا نه تر با یه پوری دخپلو باتورو ملگرو ایل خان اودریا خان په ننگه او ملاتړ د آزادی بیرغ ربانده وساته اود ننگ لو ست یی دگور گا نی رنښور له خو نـسری زندان نه تر لاسه کړ.

پو شکین هم د خپل او لس دېز گرا نو او زیار ایستونکو پر گڼـو اودروس د ستری امپراتوری تر ښکیلاک لاندی مظلومو او لسو نو له ترخه ژوندانه اوزړه بو گڼونکی چا پیر یال نه انقلابی زده کړه وکړه اود خلکو د خلاصون له ژغو رنده غور څنگ دیکا بر یستا نو، سره ملگری شو چی دگر پیا یدیف او چا یدایف په ملگر تیا یی د زر غونځرا غ ادبی ټولنه لاپیاوړی کړی له او داو لسی سندر و په را مینځ ته کولو سره یی د خلکو په راو یښو لو کی لو یـه ونډه وا خپستله.

پو شکین لکه خوشحال دخپل او لس ویر نو او ویاړ نو تو دی او سړی ترانی و بللی چی له همدی کبله یی د هماغه رخت د تزاری واکمن کړ که وگټله او په سا پیر یا اویا سلو یخکی معبد یعنی سپیڅورو ځایو نو کړی ږ دیندی کیدو پر یکه وشوه مگر د هغه دځینو مخـسو رو خپلو انو په شقا عت و ښـر شو او دروسی جنو بی بر خوته دلپه کونکی په تو گه وشړل شو.

لکه څنگه چی خوشحال خټک خپل دشعر او ادب درنکینو مرغلرو ږیږ برخه تنبور جیل کی وپیښله، پو شکن هم دتزار ی روسی د امپرا - طوری په جنو بی سیمو کی چی تبعید شو ولیکلو چی په رو سی اد بیاتو کی یی د قفقاز اسیر، جگړه مار ورو نه، دباغچه سرای فواری اونور ډیر نا متو دی.

خوشحال او پو شکین دواړه تکره نثر لیکو نکی وو چی دشعر اونثر دښکلو مرغلرو په پیښلو سره یی پښتو اوروسی ژبی له غږ ند والی او مړینی نه وژغور لی اود مړ ژوند توب له منکلو نه یی له ژغورلو وروسته دغوړ یدو او بشپړ له تابه خواته بوتللی.

لکه څنگه چی خوشحال خان خټک په خپلو ادبی مر غلو کی دخپل کام او او لس دژوندا نه تیاره گوتونه دادبی نقد بوا سطره غند لی دی.

پو شکین هم دخپل او لس دژړه بو گڼوونکی ژوند په بیلا بیلــو اړ خو نو رڼا اچولی او ناوړه څیزونه یی غندلی دی.

پاتی به ۵۱ مخکی

علل کمبود و گران‌ی

ندارد باز هم اگر وزارت دفاع ملی اقداماتی برای بی‌امنی‌های احتمالی در دست اجرا گیرد موثرتر داران با کمالات و سایل خود را در کار انتقال چوب می‌گذارند و از این اقدام دولت بسیار شادهم می‌گردند چرا که این وسیله زندگی‌شان است و با توقف موثرها عایدشان کاهش می‌یابد. ((چنانکه همین‌شبهه به کار گرفته شد)) در مورد اینکه راه حل عملی و همیشه‌گی معضله چه می‌باشد، به نظر من باید ارگان‌هایی مانند وزارت معادن و صنایع ریاست عمومی ترانسپورت زمینی وزارت ترانسپورت و توریسم، وزارت آب و برق و شاروالی کابل همه با هم تمام مشکلات محروقاتی

و اینکه عدم امنیت شاهراه‌ها یکی از علل اساسی نرسیدن چوب بکابل و کمبود و گران‌ی آن در اوایل زمستان محسوب می‌گردد.

رئیس امور سیاسی در پاسخ به این مسئله چنین ابراز نظر کرد که تاکنون شاروالی کابل تقاضایی در این زمینه به عمل نیاورده و در صورتیکه ضرورتی محسوس باشد و پیشنهادی به وزارت دفاع صورت گیرد این وزارت حاضر است هم چنانکه تاکنون بوده هر گونه شرایط تامین امنیت را برای کاروان‌های حامل چوب در نظر گیرد.

این یادآوری از آن جهت شد که شاروالی کابل در جریان آن قرار داشته باشد.

که در کار انتقال چوب وظایفی به عهده دارند با آرامش خاطر به ایفای وظایف خود بپردازند و از جهت تامین امنیت کاملاً اطمینان داشته باشند.

نماینده وزارت دفاع ملی :

باتوجه به اینکه در این گردهم‌آیی تاکنون به وسیله چند گوینده محترم اشاراتی شد به مشکلی که برای چند هفته محدود از نظر تامین امنیت انتقال چوب به مرکز به وجود آمده بود چند نکته را برای روشن شدن بیشتر موضوع یادآوری می‌کنم :

همانگونه که محترم اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل در بخشی از سخنان خود اشاره کردند بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب ثور مرحله نجات انقلاب و مردم و مرحله بی‌که تمام منافع استثماری محافل ارتجاعی به خطر جدی از میان برداشته شدن همیشگی قرار گرفت، این محافل با تمام قدرت کوشیدند و تلاش به خرج دادند که به زعم

گروپ هاو گروه‌ها خاتمه دهد و تامین امنیت را در تمام شاهراه‌ها تضمین کند.

باند‌های خرابکار که قدرت مقابله رو در روی رابا قوای مسلح بیدار و انقلابی کشور مابه هیچ‌وجه در خود نمی‌دیدند تکتیک مبارزه سیاه خود را عوض کردند و دست به دزدی غارت، چپاول و یرانگری، تخریب حریق و راهگیری و اذیت مردم به اشکال گوناگون شدند که ایجاد مانع در انتقال چوب به مرکز در یک مدت کوتاه شیوه‌ی از این گونه اعمال ضد انسانی محسوب می‌گردد و در جریان اقدامات آنان در همین مدت کوتاه بود که شهریان کابل کم و بیش با مشکلاتی در تهیه و خرید مواد محروقاتی و खा صتاچوب مواجه گردیدند، اما موضوع عدم امنیت در شاهراه‌ها کاملاً دروغ و بی اساس است و این شایعات بیشتر مانع بی بود که عمال این باندها و گروه‌ها برای مشوش ساختن



لطفاً لحظه‌ای باما درمیز گرد و نوندون بنشینید

را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و برای آن یک طرح عملیاتی علمی را پیشنهاد کنند که وظایف هر یک از ارگان‌ها را مشخص سازد و گام‌های موثر نیز در جهت تعویض انرژی برداشته شود.

رووف راصع :

به ارتباط و تایید گفته‌های محترم معاون کمیته ولایتی کابل یادآور می‌گردد که چند روز پیش به ارتباط یک موضوع به همراهی مدیر ژوندون ملاقاتی داشتم با برید جنرال گل آقا رئیس عمومی سیاسی وزارت دفاع ملی، و در جریان همین ملاقات بود که در خلال صحبت اشاره بی رفت به موضوع مورد بحث کنونی

معاون کمیته ولایتی کابل :

من باید یک نکته را به گفته‌های قبلی ام بیفزایم و آن اینکه عدم تامین امنیت شاهراه‌ها که قبلاً به آن اشاره کردم و مدت کمی وجود داشت اکنون به صورت قطع از میان رفته و وسایل نقلیه حامل چوب با هیچ مشکلی در این مورد روبرو نمی‌باشند حزب با در نظر گیری مشکلاتی که به وجود آمده بود تصمیم قاطع را به مرحله اجرا قرار داد و اکنون تعدادی از اعضای آن در شاهراه‌ها و نقاطی که پیش از این مواجه با خطر بود موضع گرفته اند.

با این توضیح امیدوارم شاروالی کابل و مقامات وارگان‌های دیگری

خودشان در راه پیروزی قطعی ماسد ایجاد کنند و مشکلاتی را به وجود آورند و به همین اساس بود که آنها دست به ایجاد گروه‌ها و باند‌های خرابکار زدند و مقاومت‌های بزرگ را ترتیب دادند اما خوش بختانه همانگونه که قوای مسلح با حمایت قاطعانه مردم افغانستان توانست که انقلاب را به پیروزی رساند در این مرحله نیز با برخورداری از حمایت تمام طبقات و اقشار زحمت کش و رنجبر و روشنفکران کشور و پشتیبانی فرد فرد مردم نجیب و شریف افغانستان موفق گردید که به تمام اشکال مقاومت ضد ملی و ضد انقلابی این باندها

اذهان مردم شریف مایخس می‌کردند.

راخله راسخ :

برای رفع اساسی و یکباره دشواری و مشکل محروقات من فکر می‌کنم در قدم نخستین باید احصائیه‌های دقیقی از میزان نیازمندی کنونی شهر کابل به مقدار انرژی سوختن تهیه گردد و بعد امکانات تعویض انرژی به میان آید چه در شرایط کنونی که شاروالی کابل همانگونه که محترم معاون شاروال در جریان صحبت خود اشاره کردند هیچ احصائیه‌ی در این مورد ندارد طرح هرگونه پلان اقدامی شتابزده است که موثریت در حد توقع نخواهد داشت.

ناتمام



هیروئین سینمای اتحاد شوروی
تصویر راستین وزنده ای از مردم
وروداد های زمان های گذشته را به
خوبی روی پرده سینما نمایش میدهند

ملی و نظامی خلق های اتحاد جماهیر
شوروی سو سیالیستی را تصویر
می کنند در سال های اخیر
نیز فیلم های در باره تاریخ
ملی جنگ جهانی دوم تهیه شده
است این رده بندی مانند هر
مبحثی در تاریخی هنر قابل
بحث و بررسی است رده های
گوناگون نقاط مشترک بسیار
دارند و گاه بر هم منطبق می شوند
اما پذیرفتن آن، برخورد با فیلم
های تاریخی شوروی را آسان
نمی سازد.

در کشور شوروی در تمام مرا-
حل تکامل سینما و حتی در خلال
دوران پیش از انقلاب فیلم های
بر پایه سوژه های تاریخی
تهیه شده است نخستین فیلم
عمده سینمای روس ما نند
(ستگار ازین) «پوریس گودونف»
«یک عروسی روسی قرن شانزدهم»
(او از کلاشنیکوف بارزگان)
که در سال های (۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹)
ساخته شده اند به گذشته
دور می پردازند. اما این فیلم
ها به جای آن که روح زمان
های گذشته را منتقل کنند در
حقیقت تنها نمایش های بورژوا-
وایی بودند که در لباس های
تاریخی بازی می شدند
نخستین تلاش اصیل برای

ترسیم سوشل پیک حاد تاریخی
در فیلم دفاع از سواستوپول
(۱۹۱۱) دیده می شد این فیلم
که محور آن میدان نبرد بود تر-
کیب پیچیده ای از ویژگی های
سلطنت طلبان ارتجاعی و احسا-
سات دموکراتیک میهن پرستانه
را نشان می داد. فیلم های بعدی
مانند (۱۸۱۲ تا ۱۹۱۲) (و سیصد



نگوشتی به سینمای شوروی این سینمای انسانی

های تاریخی سینمای شوروی در
چندین رده مجزا قابل بررسی
است فیلم های تاریخی انقلابی در
را بطنه با جنبش انقلابی تاریخ
حزب کمونیست، انقلاب کبیر
سو سیالیستی اکتبر و جنگ دا-
خلی فیلم های پیرامون دوره
های اخیر زندگی خلق روس
و سایر پر خلق های اتحاد شوروی فیلم
های زندگی نامهای که زندگی
نمایندگان بلند پایه دانش، فر-
هنگ و چهره های درخشان تاریخ



صحنه‌ی از فیلم «چهل و یکم»

سال سلسله روما نو ف (۱۹۱۳))
گرچه مدعی نمایش حوادث تاریخی عظیم بود و در واقع کیفیت پایین تری داشتند. فیلم را می‌توان تا ریکی شمرد. بیشتر این فیلم‌ها از آثار ادبیات کلاسیک روس اقتباس شده بودند (بی‌بی بیک از یو شکینبویار و رشا از لرمونتوف جنگ و صلح از تولستوی و غیره). تمام این فیلم‌ها عمدتاً برپایه مناسبات روسیه قهرمان داستان‌ها استوار بودند.

انقلاب و سینما - دوره سینمای صامت :

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر وظایف و سرشت سوژه‌ها و سبک سینمای تاریخی را از بنیاد دیگرگون ساخت. برجسته‌ترین و هوشمندترین فیلم‌سازان و طیفه‌دشوار بزرگداشت‌های انقلابی مردم

و ثبت مبارزه انقلابی را به عهده گرفتند. سرگی ایزنشتین و سه و لود بو دو فکین الکساندر داوژنکو و معا صرین‌شان نخستین فیلم‌های انقلابی تاریخی شوروی را عرضه کردند.

یکی از اولین آثار این مجموعه فیلم (اعتصاب) (۱۹۲۴) اثر سرگی ایزنشتین بود اثری که بر تافته از شور سوسیالیستی تصویری از نبرد انقلابی پروتاریای روس علیه رژیم

تزاری ارا نه می‌کرد قهرمانان فیلم برای نخستین بار در تاریخ سینما کارگران انقلابی بودند که به عنوان سازندگان تاریخ به نمایش درآمدند.

رژمنابو تیو مکین و اکبر :

اصول تازه‌ای که در فیلم (اعتصاب) ابداع شده بود در فیلم بعدی ایزنشتین به نام (رژمنابو تیو مکین) (۱۹۲۵) به طرز درخشانی تکامل یافت. مقصود اصلی ایزنشتین آگادژانو (فیلم نامه‌نویس) و ادوار - دتیس (فیلم بردار) در این فیلم نشان دادن مهم‌ترین رویدادهای سال (۱۹۰۵) بود یک شنبه خونین، اعتصابات با کوه‌های انوو و آشوب‌های مادسا میر در مسکو اما وقتی کار بر روی فیلم آغاز شد در یافتند که گنجاندن آن همه رویداد در یک فیلم ناممکن است (ناتمام)



صحنه‌ی از فیلم «آسمان صاف»

وظایف سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان

جدایی پدر و مادر

و سر نوشت اطفال

بعضی زنان و شوهران که دارای خاصیت و وجه مشترک نیستند و اخلاقشان سازگار نیست خود را خوشبخت احساس نکرده تصور می کنند که جدایی و طلاق بهترین راه حل مشکل آنهاست در حالیکه چند طفل قد و نیم قد هم دارند اقدام به طلاق و جدایی می کنند که به یقین با انجام این کار اشتباه بزرگی را مرتکب می شوند.

این چنین زن و شوهرها بعد از تب و تلاش زیاد و گرفتن یک وکیل و با مصرف یک مقدار پول و وقتی به هدف خویش نایل شدند و با رضایت خاطر محکمه را ترک نمودند تازه متوجه می گردند که واقعا دست به جرم و جنايت زده اند جنايتی که اصلا قابل عفو و بخشش نیست و با دیدن نمره های نامیون از دواج این نا را حتی ها بیشتر شده که به یقین این عذاب و جدان تا ابد با این پدران و مادران خواهد بود.

معمولا درین نوع جدایی ها طبق توافق یکی از طرفین از گرفتن اطفال محروم می شود و سرپرستی اطفال را یکی از آنها قبول می کند و طرف مقابل هر هفته و یا هر ماه بدین اطفال بر عهده و نگهداری می رود و اطفال معصوم و بی گناه به بدن پدر و یا مادر چشمش روشن می شود مثلا اگر پدر است اطفال میدانند که سرخورد این پدر مانند پدران دیگر گرم و محبت آمیز نیست و سوالاتی نزد ایشان خلق می شود، مثلا اگر آن مرد پدرشان است چرا به خانۀ آنها بود و یا شنیدارد؟ و با آنها و مادرشان زندگی نمی کند؟ چرا مانند پدران دیگر به آنها شربنی، لباس و غیره سازمان و

لوازم زندگی را تهیه نمی کند؟ بالاخره این چراها در ذهن اطفال تراکم نموده گذشته از آنکه روح طفل را متاثر می سازد و مانند مور یا نه او را میخورد عهده های را نیز برای اطفال خلق می کند که يك عمر با آنها خواهد بود که به یقین عواقب آن ناگوار و دردناک است. اگر پدر و مادری با يك احساس انسانی در برابر اطفال خویش، این غنچه های باز نشده و این موجودات که دست های ضعیف و کوچک شان آینده ساز است آینده که به یقین شکوفان است و فارغ از همه ستم ها و مظالم حیوانی، پر خوردرست نمایند و بگو و مگوی های فامیلی را نادیده بگیرند و حتی بخاطر داشتن فرزند خود را وقف نمایند جا دارد تا بنام يك پدر و مادر مهربان و با وفا بخود ببالند و افتخار نمایند.

قبلا متذکر شدیم که وقتی زن و شوهر از هم فاصله می گیرند معمولا اطفال نزده یکی از آنها مخصوصا مادر می ماند که همه مسئولیت آن ها را بر عهده می گیرد و پدر گاه گاهی بسراغ آنها می آید که متاسفانه با آمدن خود مشکلی را بر مشکلات قبلی می افزاید مثلا وقتی اطفال چند ساعتی را با پدر سپری می کنند از او حرف های نو و وعده ای چوب و نرم می شنوند آنها با تمام وجود و با احساس طفلانۀ شان تسلیم خواهند شد و از مادر شکوه و شکایت می نمایند وقتی دوباره نزد مادر بر می گردند بهانه گیری و پر خاشاکری را شعار ساخته و طرز معاشرت و برخورد آنها بکلی عوض می شود مثلا غذا های را که قبلا

به اشتها و میل صرف می نمودند با کمال بی میلی و بی اشتها می خورند و از بی مزه بودن آن شکایت می نمایند و غذای را تعریف می نمایند که با پدرشان در یکی از رستوران ها صرف نموده اند و از مادر میخواهند که همان غذا را با همان لذت و طمع طبخ نماید از اینکه اطفال بیشتر از بزرگان زیرک و کنجکا و اندپیوسته از پدر می پرسند که چرا روا بط شما با مادر ما بر هم خورد؟ چرا به منزل نمی آید و چرا از مادر جدا شده اید؟

که پدر برای اینکه خودش را بی گناه نشان دهد و برائت حاصل نماید همه گناه را بدوش مادر می اندازد و برای اینکه در ذهن اطفال کو بید نشود خودش را شخص مهربان و پدر روف جلو میدهد.

بدین ترتیب با صحبت های میان تپی میخواند ذهن اطفال را که چون آئینه صفا و روشن است غبار آلود و مکدر سازد. گاهی اتفاق می افتد که اولاد

ها در بازگشت خیلی عصبانی و خورده گیرد می شوند و زمانی هم تب و شدیددا منگیرشان می گردد. روی این ملحوظ گاه می گاه می تصمیم می گیرد که از رفتن آنها نزد پدرشان جلو گیری کند و نگذارد بیشتر ازین برای اطفال، برای جگر گوشه هایش عهده تو لید شود و سوال های گنگ و طفلانۀ ذهن شان را مور یا نه وار بخورد.

اما وقتی متوجه می شود که اطفال به پدرشان به آن مرد قصیرا لقلب علاقه و محبت فراوان دارند و نشود با این عمل بیشتر از بیشتر به عقیده های روحی شان افزوده گردد پسند با قبول همه دشواری ها و مشکلات زانوی غم را در بغل گرفته و با همه ناراحتی مادر فکر آینده می افکند آینده که جگر گوشه هایش دارای تربیت سالم دارای روحیه وطن دوستی و وطن پرستی و غیره شجاری ای انسانیه بار آیند تا بتواند از داشتن نام مادر بخود بیالده و افتخار کند.



چه بهتر که زن و شوهر رفیق زندگی هم باشند تا قریب زندگی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

در سوختن این چو دارم این پند از
بند این دارم این پند از
در سوختن این چو دارم این پند از
بند این دارم این پند از

گراڻه زه ځي ته را نين دى آشنا
 زمونڊلاري عقيدى آشنا
 له تاسره يو څو خبرى لرم
 سړى ، قودى ، خوږى ، ترڅي آشنا

زه به دی شا پو ته او به سیمخوم
چی را زرغو ن شی به کی سره گلو نه

لاره او زده ده کن لیچو نه لری
شاعره واوره چی ستو مان نه شی
داخو لاپیل دی تر پای دیر واین شته
په وړاندی څه چی پښیمان نه شی

د خو نړۍ لار هر یو گام و تپه
د هر کڼ لیچ لندول زغم غواړی
د هر گۍ کو می کی دلاری منزل
پهلوان زړه غواړی لوی غم غواړی
وا وړه زما د ننک خبره واوره
پردغی لارچی خوو ټول عمر به خوو
که په لیمو او په خاپوړو تک شۍ
خان په منزل تهرسو و رسو و

په وړا ندي درو مه چي راستون نه شي
خه د هد ف په لور مخه گر خوه
دسر بشنه ني وخت كي جگي جگي
داپه تا پوردي چي ما مه هپرو
دلړم ۱۹-۱۳۵۶ کال
کابل - سمنن خانه

ته دغمو نو او وپرو نو شاعر
زه دپیو زلو در نخو نو شاعر
ته دزیار کښو در پرو نو شاعر
زه یی دکر یکوفریادو نو شاعر
ته داوولس دسرو ننگو نو شاعر
زه یی دشخړو اورزمو نو شاعر
ته یی دमतو او بر یو شاعر
زه یی دبرم او پرتمو نو شاعر
زه او ته دواړه بید یا نی بوتی یو
اغزی پرست یو، گل لمانځوونکی
نه یو

له هر يو خلى نه بټ مه جوړ وه
موږ بټ شكن، بټ جوړوونكى نه يوو

ته دسپری خمکی په زپه کی کره
دراوان ژوند ون تاوده تخمونه

بین حقیقت مردن را ، بین
فسردن و پژمردن را ، در گسل
بین شکوه شگفتن را ، در غنچه
وازدیاری گداین تبار میایی
بخوان ترانه گفتن را !

پیریز دہ چہ دیاہ نو دہ غیزہ کی
داد مرگی دور کی شپہ سببا کہ
پیریز دہ چہ دیننی پہ مسیتو کی
داد غور و نور کہ اپید اکمہ

پرسیدم از سرشك، كه سرچشمه
 ات كجاست ؟
 نالید و گفت: «سر» زكجا «چشمه»
 از كجاست
 لبخند لب ندیده‌ی قلبم كه پیش
 عشق:
 هروقت دم زخنده زدم، گفت:
 نابجاست !

(قصص)

اثرات خسونت خانواده بر کودکان



امروز کلیه دانشمندان و محققان متفق القولند که خانواده یکی از موثر ترین محیطی است که بخوبی قادرست بالای اعضای خود اثرات

مطلوب یا نا مطلوب را بگذارد و رفتار و کردار آنها را پایه گذاری نماید و در نتیجه از آنها انسانهایی خوب یا با لکس منحرف و تباه شده بیافریند و تحویل اجتماع دهد .

جامعه شناسان خانواده را یکی از شالوده های اساسی حیات اجتماعی بشمار میاورند و آنرا آئینه تمام نمای اجتماع میدانند بهمین جهت و تقابلی را که بهمه دارند بسیار سنگین و در خور اهمیت فراوان میدانند .

یکی از روانشناسان نیز در تعقیب همین نظریات مینویسد که اثرات بد و نا مطلوب شرایط

نادرست و زیان آور خانواده می بر روی اعضای خانواده حتی و مسلم میباشد خانواده نقش بسیار اساسی و با اهمیتی را در نحوه رفتار و اعمال خود ایفا میکنند و مخصوصا اثرات بسیار

فطری بر روی اطفال دارد خانواده تشنه محیطی است .

که به طفل تعلیم شده است . او درینجا متولد شده است و بادامه زندگی در همین محیط مجبور میباشد یا لااقل میتوان گفت که اولین سالیهای عمرش را باید در اینجا بگذراند بهمین جهت به آن نام (محیط بی چون و چرا) یا (اجتناب ناپذیر) داده اند . یک طفل از اولین سالیهای زندگی باید تمام شرایطی که باو اجازه دخول در اجتماع را میدهد از این محیط کسب نماید .

باتوجه بآنچه که گفته شد میتوان با اهمیت خارق العاده خانواده پی برد بالاخص که مساله انعطاف پذیری اطفال و شکل گیری آنان مطرح است . با در نظر گرفتن این موضوع مسوولیتی که متوجه خانواده است بزرگتر و بیشتر جلوه گر میشود . بدلیل همین قدرت و اهمیت است .

بنابر این کودک در اجتماع دارای همان رفتار و کرداری خواهد بود که آنها را در خانواده خود مشاهده می کند .

بهر حال در محیط خانوادگی است که باید اصول اخلاقی کودکان را جستجو نمود . خانواده است که روی شخصیت اعضا تاثیر می گذارد و بالاخره روی رشد طبیعی شان اثر میگذارد .

یک محیط زیان آور، استعداد های اخلاقی جرم را پرورش میدهد و بر شدت گسترش آنها می افزاید در حالیکه محیطی که از تربیت خوب و کامل بر خورنداری دارد آنها را از میان میبرد و خصوصیات صحیح و رفتار های عالمانه را

جانشین میسازد . روی این اصل بقول شازال (یک محیط پر مهر و صفا و سرشار از محبت خانوادگی، آرامش میدهد و راحت ایجاد میکند مشوق است و اعتماد بوجو دمیآورد) تربیت

قدیم که نیاکان و اجداد و پدران ماسخت بیان اعتقاد داشتند و آنرا رکن اصلی نظم و تربیت و پرورش بشمار میاورند متأسفانه مجازات بوده

است . بدین طریق که اگر کودکی مرتکب ناهنجاری یا عملی زشت میشد که طرف علاقه پدر و مادر قرار نمیگرفت رفتار خسونت آمیز و تنبیهات بدنی را مهمترین و بهترین روش تربیت

میدانستند و باین وسیله ، عمل زیان بخش متوسل میشدند تا کودک را که برخلاف خواسته آنان یا معاییر ادب و نزاکت رفتار کرده مرتکب

عملی نادرست و ناشایست شده است براه راست هدایت کنند و بدین طریق بزشتی عمل ارتکابیش و لطف سازند . این روش ناهنجار

و تربیت که گزند ها یش بشمار است متأسفانه علیرغم پیشرفتهای فراوانی که در زمینه و آفاق

بر زبان بخشی و آسیب رسانی آن بدست آمده هنوز هم در برخی از خانواده ها بالاخص خانواده های سنت طلب و معتقد بر رسوم و آداب گذشتگان

متداول است و هنوز هم اقدام با اعمال خسونت



زیرا اوبخود این سوال را مطرح میسازد که چرا بدون آنکه از علت ارتکاب ناهنجاری سوال شود و یا تنبیه کننده باصل والعت اکاهی حاصل کند باید او را مورد مجازات سختی قرار دهد .

این حالت زمانی بیشتر شکل میگیرد که طفل اشتباه کننده واقعا زیر فشار های مختلف و یا در اثر شرایطی و بر خورد های لحظه ای و یا با لخره بعلت تسامح ناشی از برخی موقعیت ها و مقتضیات مرتکب اشتباهی شده باشد .

لذت و کوب کودکان و خشونت نسبت بانها روح امر دوید کاری را بیشتر در آنان تشدید میکند آنان را در اعمال و رفتار انحرافی بیشتر و راسخ میسازد . زیرا همه خود را بیگناه میدانند و کمتر کودکی ممکنست زشتی عمل خود را درک نماید تا بوسیله مجازاتی که نسبت باو اعمال میشود از دست زدن مجدد بان عمل خود داری و رزد بنابر این تنبیه را نوعی بیعدالتی محض بشمار میاورد و در نتیجه حالت عصیانگری بیشتر در او شکل و قوت میگیرد .

یکی دیگر از بزرگترین صدمات و آسیبهای که خشونت و تنبیهات بدنی بطفل وارد میسازد تضعیف قدرت اخلاقی اوست که بخوبی در همه احوال قادرست سد بسیار بزرگی در راه خطاهای لغزشهای او شود .

امروز روان شناسان در اثر بررسی های باتیان رسانده اند که مجازات حتی در بزرگ سالان قدرت اخلاقی را تضعیف و بسادگی نابود میسازد بدیهیست که این امر در کودکان بیشتر صادق است زیرا این قدرت هنوز در آنها شکل واقعی خود را نگرفته و بخشی لازم را بدست نیاورده است .

بنابر این توسل به مجازات مستقیما میتواند ایمن قدرت را که در حال شکل گیری است بکلی از بین ببرد یا لاقط جلوی گسترش آنها بگیرد و بدینوسیله طفل را از داشتن یک پدیده نیرومند بازدارد و از ارتکاب اعمال زشت محروم سازد .

معمولا هر عملی ترسناک که نسبت بانسان صورت میگیرد ترس و واهمه بوجود میآورد .

چون انسان در ذهن و تصور خود از آن عمل ترسیمی ایجاد میکند که بر مراتب بزرگتر و غول بیکر تر از خود آنست مثلا اگر بکسی گفته شود که اگر فلان عمل را مرتکب شوی بزندان محکوم خواهی شد اثرش بر مراتب شدید تر از خود زندان میباشد زیرا به بعضی آنکه روانه زندان شد غولی را که از زندان در ذهن خود ساخته است بکلی تصنیف و شکننده و بی مقدار مییابد و ناگهان احساس آرامش میکند . بهمین جهت غالبا مشاهده شده است که زندانی پس از خروج از زندان آن ترس و اضطراب و رعب سابق را که در نهاد خود از زندانی شدن پرورش میداد دیگر ندارد و تهدید زندان هیچگونه نگرانی در او بوجود نمیآورد .

این امر در مورد اطفال بیشتر صادق است زیرا تا هنگامیکه کودکی مورد خشونت و تنبیه

آمیز بهترین وسیله آگاه ساختن کودک با اعمال زشت در رفتار های نا هنجار ارتکابی میماند .

در باره اثرات شوم و منحوس اینطریقه عملکرد و اعمال خشونت بار کتابها و نوشته های فراوان وجود دارد و دانشمندان مختلف در اطراف این روش نا پسند و نا هنجار بحث های بسیار کرده و صدمات آنرا که گاهی به صورت جبران ناپذیری تظاهر پیدا میکند بوجه گسترده ای باز گو کرده اند .

از دید روان شناسی اثرات نامطلوب این رفتار ها را میتوان بطریق ذیل خلاصه کرد و بدینوسیله هشدار ی بوالدین سنت گرا داد تا در رفتار خود تجدید نظر بعمل آورند و تربیت را بر اصول عاطفی بنا نهند نه بر خشونت و سختگیریهای نادرست و نفرت افروز .

معمولا هر خطا کاری که مرتکب عمل ناهنجاری شود چنانچه بطریقه صحیحی باو فهمانده شود که دست بعمل اشتباه آمیزی زده که بخود و جامعه زیان و آسیب وارد کرده است بدون شک از کرده خود پشیمان میشود و احساس شدیدا ند امت و ناراحتی میکند زیرا خود را گناهکار میدانند . در حالیکه تنبیه و ستیزه گری و مجازات بکلی این روح و این اندیشه سازنده را از وجود خطا کار زایل میسازد زیرا بخوبی مشاعده میکند بهمین جهت دیگر دلیلی وجود ندارد که از رفتار ناشایسته خود احساس گناه و پشیمانی کند .

این امر در نزد کودکان بر مراتب قویتر از بزرگسالان است . چون اگر بزرگسالان مجازات را قبول کنند وان رعاقت نافرجام ارتکاب عمل زشت محسوب کنند که لازم است هر خطا کاری طعم آنرا بچشد تا دیگر کرد اعمال ناپسند نگردد و از کرده خویش پشیمان شود در نزد کودکان بهیچوجه قابل قبول نیست زیرا بعلت عدم گسترش ذهنی و شکل گیری لازم آموزشی تنبیه را یاداش عمل محسوب میکنند و بخوبی بی میبوند که گناهکار نیستند بنا بر این ندامت مفهومی ندارد .

در نزد کودکانیکه بر سر جزئی ترین اشتباهات و یا حتی خطاهای بزرگ مورد خشونت تنبیه بدنی وید رفتاری تند قرار میگیرند بخوبی میتوان فقدان احساس گناه و تکرار عمل ناهنجار را مشاهده نمود که بدون هیچگونه شرمساری و احساس ناراحتی مرتکب میشوند .

یکی دیگر از معایب بد رفتار و مخصوصا خشونت و تنبیهات بدنی تحکیم روش ناهنجاری است .

بدینصورت که در خطا کار اعتقاد بعمل ارتکابی را راسخ تر و استوار تر میسازد و نوعی حالت لجبازی و واکنش شدید در او بوجود میآورد .

فراتر گرفته است تهدید به آنها دچار هراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت بوسیله آن از بین میرود .

یعنی چه؟ و این غول بزرگی که او در ذهن خود ساخته است تاجه حد میتواند باو صدمه و زیان وارد سازد . ولی بعضی آنکه بکده تنبیه ناکهان متوجه میشود که عمل کرد علیه او بر مراتب کوچکتر از آن چیزی است که او در ذهن و تصور خود شکل داده است بهمین جهت دیگر ترس و رعبی از اینکه مجددا مورد مجازات قرار گیرد

فراتر گرفته است تهدید به آنها دچار هراس میشود . چون هنوز او نمیداند که خشونت بوسیله آن از بین میرود .
یعنی چه؟ و این غول بزرگی که او در ذهن خود ساخته است تاجه حد میتواند باو صدمه و زیان وارد سازد . ولی بعضی آنکه بکده تنبیه ناکهان متوجه میشود که عمل کرد علیه او بر مراتب کوچکتر از آن چیزی است که او در ذهن و تصور خود شکل داده است بهمین جهت دیگر ترس و رعبی از اینکه مجددا مورد مجازات قرار گیرد

آی خانم «یکی از شهرهای بی نظیر باستانی

پیوسته گذشته

نگار ش: نظر محمد عزیزی

باشندگان قدیم شهر معروفاً آی خانم

بعد مبادیه نشینان در ایسین
تنگنای مهم استرا تیزیکی بین امیر-
اتوری چین و آسیای میانه زنده گی
مینمودند به گمان اغلب همانا بو می
هاوشاید هم سناکه هایاوسون های شمال
آمودریا و سر زمین وسیعی و خوش
بوده باشند. بهر صورت آی خانم
در واقع مرکزیت عمو می ساحت
قدیم شهر های یونانی ویا هزارشهر
بوده و اکنون مردمان این منطقه همان
نظور از میراث های فر هنگی
و کلتوری آنز مان مباحثات زیادی دارند.
ساختمانهای مهم دیگری که در
واقع ضرر حکمروای سلسله یونان باختری
را تشکیل میدهد همان قسمت مرکزی
یا وسطی شهر است که در حدود

پنجاه الی یکصد و سی قبل از میلاد
در باختر و بخصوص در آی خانم
مستقر شدند و به نحو یکی یونانیان
زندگی خود را پیش میبردند آنها
نیز ادامه حیات میدادند و دیگر
باشندگان قدیم باختر و بخصوص
آی خانم با یونانیانی که با سکنند
یکجا در این جا معتر گز شدند.

طور یکی در اسناد ملاحظه نمودیم
آوانیکه سکنند مقدونی حملات نظامی
اش را در باختر به انجام میرساند
اعمار ساختمانهای تیب یونانی را
آغاز مینماید.
از باشندگان این شهر میتوان دو
طایفه را مورد تذکر قرار داد یکی کو-
چی هاویا باد به نشینان که در



قالب رب النوع سیل مکشوفه ای خانم



پای چپ یکی از الهه های شهر ای خانم که در آن صاعقه زوس تمثیل شده است.

در ساختمانهای مدخل ها و دروازه
های تالار های این ساختمان عمو ما
چوب و عاج بکار رفته بود. اکثر
قسمت های ساختمان بشمول دهن
ها و بعضاً لبه های برنده هاشیا مت
بسا ختمانهای جزیره رودی بسا
رود و س یونانی داشته و در ضمن
میتوان گفت که تا یک قسمتی از این
ساختمانها بصورت سجه یونانی
میشد.

رو بهمر فته ساختمانها و معماری
این دوره آی خانم کمتر از قصر تخت
جمشید نبوده و میتوان بعضی پلان
های آنرا با تخت جمشید مقایسه
کرد. دانشمندان نظریه دارند که

قرار استاد دست داشته بسا
سکنند مقدونی در حدود پیش از
سیزده هزار و پنجاه سرباز و مردمان
دیگر یونانی سفر نمودند که عده در
آی خانم در ساحت دیگر باختر
مستقر شدند و با مردم بو می منطقه
بعد از رفتن سکنند در باختر باقی
ماندند و دیگری همراه با سکنند سفر
جنوب را در پیش گرفتند و لی سلو-
سی ها مخصوصا سلو کوس اول
وانتیمو کوس اول وقتی باختر را
متصرف میشوند، اساس و بنیاد
ساختمانهای تیب معماری یونانی
را در باختر مروج میسازند.
سیصد در سیصد متر مساحت دارد

خاتم بدست آمد و میتوان گفت که مهمترین دوره آبا دی شکوه و جلال آن در دوره یونانیان بخصوص ایوا-کراتیدو س و همچنان سایر حکمرانان دیگر است.

تأجاییکه از کتیبه ها و رو شس مهندسی این شهر بر میاید واقعا در وقت وزما نشن خیلی عالی بوده و نظیر آنرا کم میتوان دریافت. از مطالعات ارکیا لوجی با ستا-نشاسان چنین نتیجه بدست میاید که بعد از بین رفتن یونانیان، پادیه نشینان و کوچیانیکه در اثر حمله و هجوم سلسله باختری هارا منقرض میسازند، در این محل زیست نموده اند این هادر اول کوچی های بودند که بناهای مختلف چون یوچی ها و تایوچی ها، تخاری ها، سا که روکا-ها و باطایفه مختلط و سون های بقیه در صفحه ۵۱

ها و محل نصب آن میباشد. چه بنی مجسمه هادر این شهر بصورت علیحده ساخته شده و بعدا در جای معین شده آن نصب میگردد.

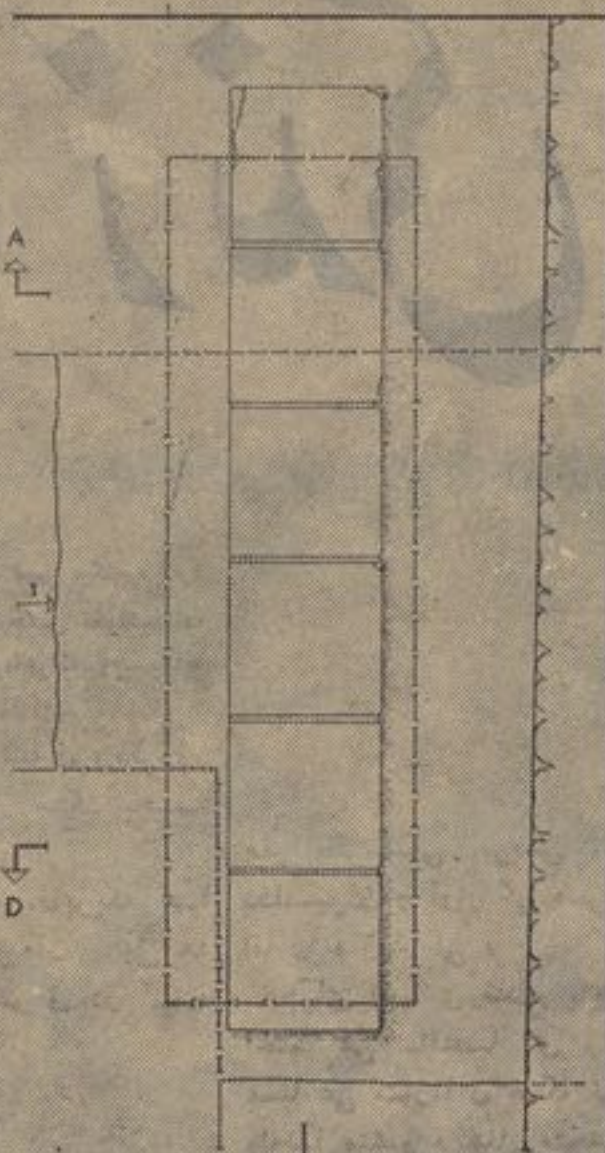
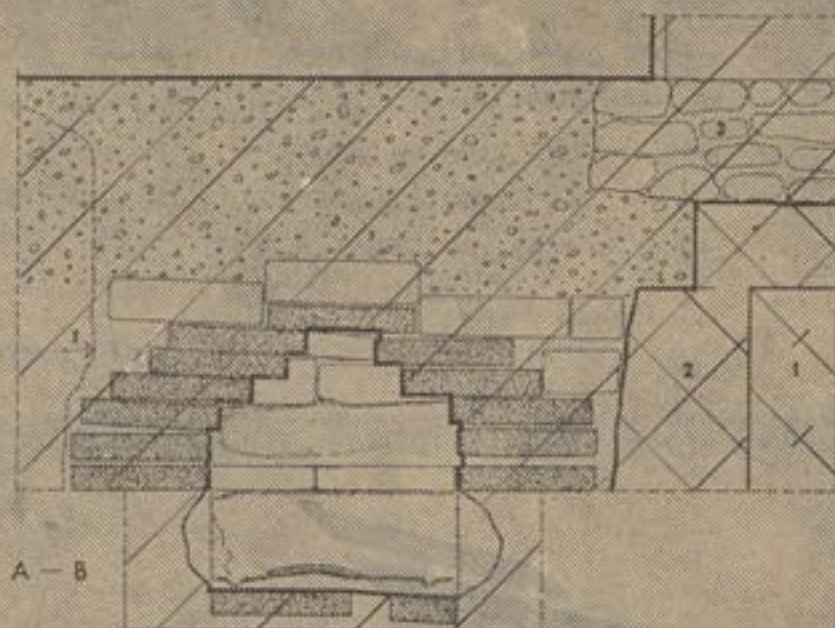
در نتیجه طوریکه قبلا گفتیم آی خانم از چندین دوره مدنی قبایل واقوام مختلف داخل باختر و خا رج آن منظور از سرحدات متناهی شده و از نظر شواهد و مدار کسی از دوره های اخیر حفريات شهر آی-

بعضی ساختها نها از قبیل دیوارها، سیستم و تاکتیک چوبکاری و عا ج کاری مشابه دوره هخامنشی های فارس و پارت ها بوده و نزدیکی زیاد با معابد ارتیسس، اتر کاتیسس، و او-ینیسس دارد.

اعمار معابد نیز یکی از دساتیر عمده یونانیان بوده چنانچه در یکی از معابد یک شکل کنگره یی زادارا-ست، از آن بعضی پارچه های وجود الهه با پنجه های پای رب النوع یونا-نی و علاماتی بگمان اغلب مربوط به یکی از ارباب الانواع مانند ز و س بوده باشد که تا کنون بصورت مشخص فهمیده نشده که آیا مربوط بکدام الهه شهر بوده و یا کدام رب النوع یونا نی ولی در هر صورت تسمه پای چپ که با گلپای مقدس معمولا آنرا صاعقه زوس گفته اند، کاریست هنر-مندانه و خیلی ظریف.

در هنر مجسمه سازی آی خانم می توان بر جستکی های مهم و طرازیت هنر مندان یونانی و یونانو باختری را ملاحظه کرد. بخصوص تراش مجسمه مردی که پن سال ای که قسمتی از سر آن توسط فیته احتوا گردیده و یلان آن تمام وجود آنرا پوشانیده است، همین طور مجسمه دیگر یک درواقع مربوط بیک مرد جوان برهنه است «غالبا یکی از قهرمانان اولمپیک باید باشد» بصورت نامکمل بدست آمده است این شیوه مجسمه سازی مشابیه تام به قواین مجسمه سازی یونانی دارد. درحالیکه تجسم هراکلس روی تختی با موجودیت گزگری به آن زیبایی که سایر مجسمه های هراکلس از آن برخوردار است در آن ملاحظه نمیشود، مجسمه هاعموما از سنگ نرم بعضا سنگ چونه بوده و معمولا از قسمت های جناز یوم بدست آمده، جایکه در آن تربیت و تنظیم فکری و جسمی شدنند.

چهره خلیم جوانیکه تو نیک موی بکلی بامجسمه های خا دمن دربار امپراتوران یونان را تمثیل میکنند و اینکه معمولا در صحنه های ودا عیه های سر بازان به شکل فرشتگان و یا به شکل ندیمه ها ظاهر میشوند مهارت آرتیست راتو جیه میکند این مجسمه ها و بعضا به رسم الهه ها مربوط بکار قالبگری ایست که در آن میتوان خطوط اولیه چهره انسان را توسط همین قالب هاشما هده کرد، گذشته از همه طرح و دیزاین مجسمه



0 1 2 M.

Planché 17
Herbon de Kineas : tombe 4.

و این همه دفاع از راه زندگی یا سطر بود و یا
ریاکارانه و یا بنا بر عدم شرایط نامساعد بنا کامی
گرایید .

با استفاده از این شرایط ، دیومنجوس دیگر
بالای زندگی جهان سایه ناگوار انداخت . (به
قدرت رسیدن هیتلر و موسولینی) .
و آن یکی (موسولینی) پیپوده خرافاتی میکرد

که :
« بیرون از دولت ارزش های انسانی و معنوی
دیگر وجود ندارد » .

و عده هم پیشروانه بدون داشتن ماهیت دمو-
کراتیک ، القاب دموکراتیک بخود زدند (امریکا ،
انگلیس ، فرانسه) .

زمانی قریب شد زندگی جهان در حلقوم نپتک
نازی فرو رود

لاجرم عقب نشینی کرد ،
با جشن خون بار در کنار معشوقه زیبایش

شکستش طنین انداخت ،

زندگی جهان را غریو آمیخته از شور و شغف
پیچاند .

فریاد انسانی فضای ملکوتی رادخشید
زندگی بی (۲۰) میلیون انسان گشته داد .
... زندگی بی (۸) میلیون و یا بعضی بیشتر
از آن و یا کمتر از آن داد .

انسان زحمتکش شادی زهزده میکرد ، جهان
غار تگر را می لرزاند

دورا دور حلقه زندگی بعدا در آمد ،

سرك و خطوط آهن مقطوع ...
و ، زندگی هیرو شیمادر (۱۹۴۵)
تحت ضربت انفجار (بیست)
هزار تن قوه واقع شد ...

(شصت و شش) هزار انسان
کشته داد و (هفتاد) هزار انسان
دیگر مجروح ، (۵) حصه مردم خانه
بدوش شدند و (چهار) میل مربع
سر زمین خاکدان ، مر تکب جرم
« ترو من » شد .
همچنان :

را ، زندگی باشش مقصد ، هفت
قاعده و شش دفتر اساسی دفاع
میکند .
اهداف دفاعی از راه زندگی :

« بر قرار ی امنیت و صلح
بین المللی توسعه روابط دوستانه بین
ملل جهان اشتراک مساعی و روحیه تسانند
برای محو هر چه بیشتر فقر ، مرض
جهل ، بیسوادی بسوی جهان
و تشویق با احترام حقوق و آزادی
های همه یگر ، داشتن مرکزیت
برای رسیدن به مقاصد » .

راه زندگی

نظاره عریضه

پیوسته بگذشته

از گان های دفاعی از راه
زندگی :

« اساسا مباه عمومی ، مجلس
امنیت ، مجلس اقتصادی و
اجتماعی ، مجلس قیمومیت ،
دارالانشا دیوان بین المللی عدالت »
قواعد دفاع از راه زندگی :

« تساوی ملل عضو ، بجای
آوردن تعهدات و عملی کردن آن
حل منازعات بشیوه مسالمت
آمیز ، عدم استعمال قوه ، معاونت
به موسسه در هراقدام آن ، رهبری
ملل غیر عضو مطابق قواعد ،
عدم مداخلت در امور داخلی يك
دیگر » .

و تصاویر اساسا مباه عمومی
عمده تر :

اعلامیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸
خلع سلاح عمومی و کامل سال

ماهیه هستی و احتیاج را تهیه میکنیم ، آنرا
هیچ گاه - هیچگونه به هیچکس نخواهیم داد .
انسان شور آفرین ، ناچار ماهرانه و جسورانه
برای زندگی جنگیده
ولی متأسفانه شش سال و یکروز ،
خسارات ناشی از جنگ بجای
ماند .

شهر ها ویرانه ، فابریکه ها
بر باد ، معدن ها بر آب ، پل ها
ریخته ، کشتی ها غرق در آب ،

انتحار کرد (هیتلر) .

زندگی زحمتکشان جهان نامش را نازیسم
گذاشت و به فاشیسم مشهور شد .

غول عشرت طلب (هیتلر) همه چیز را به خاطر
نجات خود باخطر جدی تیج داد ولی انسان
از عرق و خون خود بخاطر زندگی آفرینی
مقابله کرد .

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) زندگی
را آتش زد .

گاهی هم بر این حماقت او خندیدند که پیپوده
خیال تباهی در سر می پروزانید ، آنگاه که

فقر ، گرسنگی ، مرض ، بدبختی
دفلسیون و آوارگی همراه داشت .
اما راه زندگی ،

برای احیای صلح پایدار ، ترقی
اجتماعی - اقتصادی ، باتشریک
مساعی سازمان همگانی ساخت
(امضا منشور ملل متحد بیست و
شش جون سال ۱۳۴۵ ، کنفرانس
سانفرا نسکو) و از جمله اعلامیه
حقوق بشر :

روح زندگی را تازگی بخشید ،
زندگی آفت زده پر از صدمات و
تلفات را موسسه ملل متحد از

و امریکای لاتین عامل عمده جنگ و خونریزی بین ملت‌ها ، بدنام کردن خانه ملل روا داری آنها مـات بـا سـاس علـیه اند یـشه های رهایـی بـخش عـصر ماو بلاک سوسـیا لیـسم . خلاصه اینکه :

در گوشه از جهان زندگی انسان دستخوش اشکال وحشیانه تا برابری و تبعیض شده و جبراً انسان به زور سر نیزه از کلیه حقوق سیاسی و داشتن حق تحصیل و کسب دانش و سایر پیشرفت‌های جامعه بشری محرومیت حاصل میکند .

در آفریقای جنوبی «سیاهپوستان بومی و هندیان»

در جای دیگر ،

محافل و گروه‌های راست‌گرا و ارتجاعی بر تری نژادی را پیشه میکنند ، با نشخار این کلمه که میان انسان‌ها با در نظر داشت خصوصیت نژادی از لحاظ استعداد قدرت فکری ، عدم تساوی کامل موجود است . باتکیه روی این

مطلب که میان انسان‌ها از مبداء زندگی طبیعت یکی را عالی مقام صاحب همه امتیازات ، دیگری را پاسبان عالی مقام فداپذیری ترین حقوق انسانی خلق کرده است و بدین شکل مرتکب صدها فجایع و اعمال ضدگرا مت‌انسانی در سرزمین‌های مستعمره می‌شوند .

در امریکا «علیه سیاهپوستان و بومیان سرخ‌پوست» اعمال جانتفسو تر علیه خلق‌های زحمتکش (رودیشیا) و صدها شاهد زنده دیگر . (ناتمام)

دمو گرا تیک اند ، نقص میشود . همچنان :

در ارتباط به تصاویر خانه‌ملل ابتکار صدر اعظم‌ان ملل آسیای و آفریقای بخاطر تا مین مشترک و احترام بعدالت و مکلفیت‌های بین‌المللی با طرح‌ها و تصاویر ده‌گانه در راه زندگی نقش اساسی ایفا کرد .

«کنفرانس بانکو نک ماه اپریل سال ۱۹۵۵»

و باز هم منافع خلق‌های زحمتکش جهان ، خواست توده‌های تحت‌اسارت و ستم ، تقاضای مردمان ستمدیده و در حال رشد یکبار دیگر توجه جدی جهان مترقی را بخود جلب کرد .

راه رسیدن به خوشبختی ، سعادت ، رفاه عدالت ، برابری واقعی حقوق را غلبه بر تجاوزات غارتگری ، راه نجات بشر از تسلط استعمار کهن ، جلوگیری از راه نفوذ استعمار نوین ، طرح شد .

«همزیستی مساومت آمیز» و راه زندگی دیگر :

زندگی جهانی ، زیست با همی و صلح جهانی را مجدداً با خطر روبرو میکنند . «جنگ سرد»

اهداف و نیات شوم (جنگ سرد) : ایجاد پایگاه‌ها و موسسات ارتجاعی ، عقد پیمان‌های نظامی و تجاوز کار بخاطر خفقان روحیه آزادی خواهی و منافع استقلال طلبانه ، تشدید فعالیت استعماری بخاطر نرسیدن ملل عقب نگه‌داشته شده و به جامعه سعادت و خوشبختی سازمان‌دادن و وسیع شبکه‌های مجزب‌جاسوسی ، ایجاد مواضع برای رشد سریع کشور های کمر شده آسیا ، آفریقا

موسسه بین‌المللی نیروی اتمی بتاریخ (بیست و نه) جولای (۱۹۷۵) جهت تسریع و تحریک جهشی - اشتراک و سهمگیری نیروی اتمی برای صلح ، صحت رفاه همگانی و تأمین ایمنی معاونت بخاطر جلوگیری از استفاده نیروی اتمی در مقاصد نظامی ، تأسیس شد .

همچنان در چوکات فعالیت‌خانه ملل موسسات زیر همه منحصراً مدافع راستین راه زندگی تأسیس گردیدند :

«موسسه بین‌المللی گوار» ، موسسه غذا وزارت ، موسسه عرفانی علمی و فرهنگی ، موسسه صحتی جهان ، بانک بین‌المللی برای تعمیر و توسعه موسسه بین‌المللی مالی ، صندوق اسعار بین‌المللی ، موسسه بین‌المللی هوا نوردی کشور ، اتحادیه جهانی پستی ، اتحادیه مواصالت بین‌المللی موسسه هوا شناسی ، موسسه بین‌المللی حقوقی مشورتی دریا - نوردی ، موسسه تجارت بین - المللی ، مؤسسه عمومی بر تعرفه و تجارت .

و همه این تأسیسات برای صلح و امنیت بین‌المللی برای پیشرفت اقتصادی و ترقی اجتماعی ، برای احیای حقوق بشری ، برای تأمین آزادی و عدالت ، برای حمایت حقوق انسانی علیه مظالم ، برای دفاع از شرافت خلق‌های ملل جهان است .

ولی متأسفانه اصول اساسی این تصاویر از جانب بعضی کشور های که از منافع عناصرتجاعی و در حال زوال دفاع میکنند و دارای رژیم های راست‌گرا و فاقد مایهست

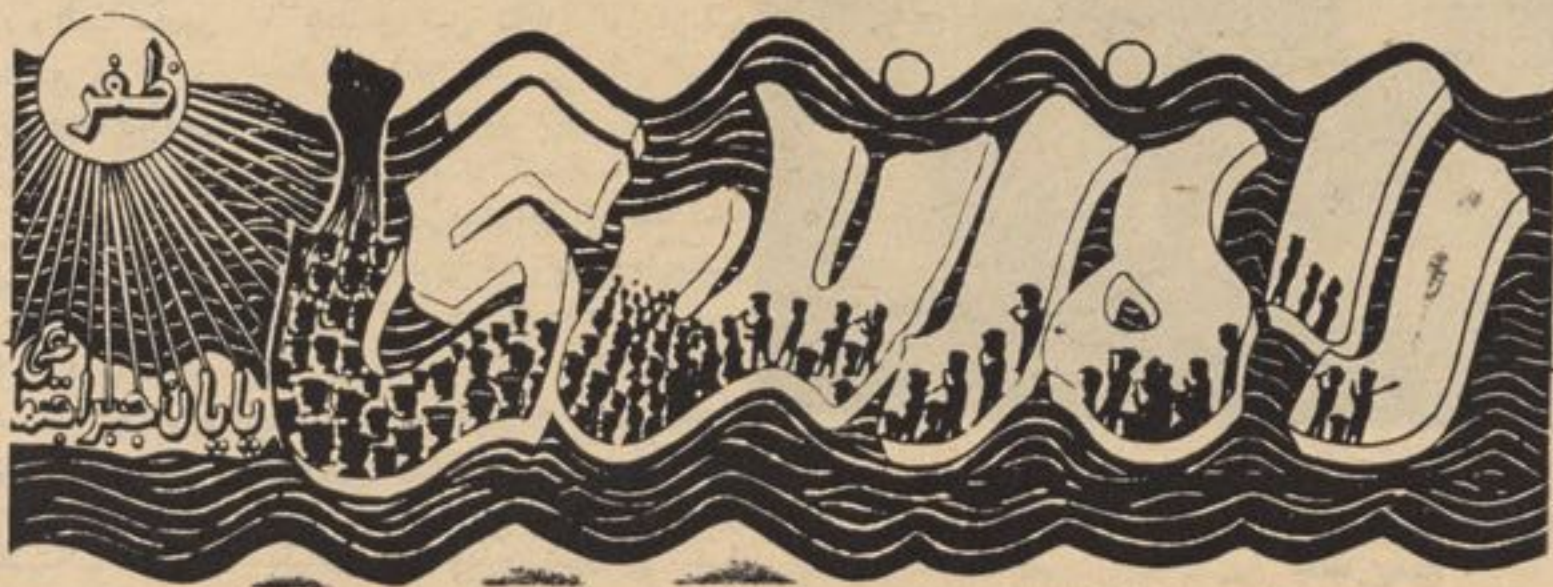
۱۹۵۹ - اعطای آزادی مردمان و ممالک ، خاتمه دادن سریع به تحت استعمار آوردن بدو شرط استعمارگر بهر شکل و نوعی که تظا هر کند ، تصویب استعمال نیروی ذروی بمقا صد صلح آمیز و خیر بشر ، اتحاد برای تأمین صلح در وقایع تجاوز یا خطر مسلح ، استقلال لیبیا ، آزادی صومالی سال ۱۹۶۰ ، اریتریا برای اتحاد با حبشه خود مختاری حاصل کرد ، قوه اضطرابی برای آرامش و صلح در نواحی آسیب دیده

امنیت بین‌المللی : هالندیان و اندونیزیایی‌ها اهداف صلح جویانه را با خطر جدی روبرو کردند که در نتیجه اضلاع متحده اندونیزی تشکیل گردید و در سال (۱۹۴۷) بین این دو کشور آتش جنگ خاموش شد و صلح استقرار یافت .

همچنان در قسمت امنیت بین‌المللی کارهای زیر نیز انجام یافت :

متار که و قطع جنگ بالای قضیه فلسطین در سال (۱۹۴۸) بین اعراب و یهودیان - در سال (۱۹۵۰) بالای مسأله کوریایا تصامیم لازم اتخاذ گردید سال (۱۹۶۰) حمایه از کانگو - لیوپولا - ویل در برابر خطر ، برای یک مدت زندگی آوارگان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بوا سطه کمشنر عالی ملل متحد تأمین شد (۱۹۵۰ - ۱۹۶۴) ، در (هشت) دسامبر (۱۹۴۹) موسسه کار و رفاه برای آوارگان فلسطین که در جنگ (۱۹۴۸) سر پناه و وسایل معیشت خویش را از دست داده بودند تأسیس شد .

و به همین ترتیب :



نانهایی



از هفت اقلیم

تعلیم و ترجمه: میر حسام الدین برومند

عرصه زندگی روز بروز بر مردمان السلوادور تنگتر شده می رود

شدت نمود است چه ارتجاع بخوبی دریا فته است که پس از انقلاب در نیکاراگوا پیروزی نیروهای انقلابی در السلوادور مسلماً دیگر برای آنان حکم شکست و مغلوبیت قطعی را دارد از نیرو به حیل و نیرنگ های مختلف بر ای سد ساختن چنین یک پیروزی که بسر خواهد رسید، میباشد اضلاع متحد امریکا بدون شک یک روش ما جرایم را در سیاست جبهائی تعقیب میدارد اکنون امریکا میخواهد سلطه جوی خود را در امریکا مرکزی مرکز تحمیل و آنرا در تحت تهدید خود قرار دهد از نیرو حلقه های نظامی امریکا با دخالت مستقیم در امور مربوط به السلوادور خواهان سد ساختن جنبش های انقلابی و دموکراتیک در امریکا مرکزی میباشد غافل از اینکه جنبش های انقلابی و دموکراتیک امریکا مرکزی تحکیم هر چه بیشتر یافته است.

چندی قبل نیکاراگوا او لین سالروز انقلابش را جشن گرفت کنون این کشور دیگر به نیروی مستحکم مبدل گردیده است. جنبش های ترقیخواهی گواتیمالا نیز تقویت یافته است ما متقین هستیم که مردمان هاندورا مس و گواتیمالا هرگز به پلان های میخلانه و میانجگیرانه امریکا فریب نمیخورند در السلوادور دیگر با یست بشکل متحد و یکپارچه به چنان نیروی مبدل

«شفیک یورگی هاندال» سکرتر جنرال کمیته مرکزی حزب کمونسست السلوادور در مورد اوضاع متشنج در السلوادور که ناشی از دخالت خائنانه امپریالیزم میباشد طی گزارشی می نویسد:

بروسه و حدت جنبش های انقلابی السلوادور در در یک مرحله قاطع و مصمم خود رسیده است. از طریق تشکلی رهبری واحد جمیع جنبش های انقلابی، کنون دیگر میشود علیه دستگا فاسد دولت بمبارزه جدی برخاست. بدون شک پروسه انقلابی می تواند در السلوادور بر بسیاری موافق و سدها غلبه حاصل بدارد زیرا ما به پیروزی مردم السلوادور مطمئن و متقین هستیم، بخاطر آنکه نیروهای انقلابی و دموکراتیک السلوادور با کسب اخبار متعدد چنین استنباط مینمایند که امپریالیسم واری به پیروزی مردم السلوادور و کسب شدت قدرت آن ها در حال فزونی و گسترش است و این پروسه انقلابی بشکل فعال آن عرض وجود کرده است جنبش های آزاد یخواهی بیشتر رشد یافته و جبهه دموکراتیک انقلابی بیشتر خویش را متکی به نیروی مردم میداند ارتجاع در السلوادور و سایر نقاط امریکای مرکزی را فروخته شده و حسد و خشمش علیه نیروهای انقلاب کسب

گردید که امریکا به شکست سنگین سیاسی خودش را رو برو بینا بد اطمینان ما به پیروزی روی اصل مصمم بودن خلق السلوادور بشنا یافته است وحدت همه نیروی های دموکراتیک و انقلابی السلوادور که از حمایت و پشتیبانی برادرانه تمام مردمان امریکا مرکزی و خاصاً همبستگی بین المللی بر خوردار میباشد، ما را در مبارزه ما تا پیروزی کامل بر امپریالیزم یاری می بخشد ما مردم نیکاراگوا همونو با هم صدا میزنیم که نیروهای مترقی جهان بیشتر از پیش همبستگی تائرا با خلق السلوادور اعلام دارند تا باشد که به اسرع وقت سیاست میخلانه اضلاع متحد امریکا را خنثی نماید ایمن امریکا است که با دست اندازی مستقیم عرصه زندگی را بر مردمان السلوادور تنگتر خواهد بود.

جابجا ساختن عدسیه های مصنوعی

بجای عدسیه های طبیعی چشم نوید

مسرتبار برای کوران

امروز انسان با دستان توانای خود قادر به ساختن عدسیه هایی گردیده که با ساختن آن، لابراتوارهای جهانی شهرت فراوان یافته است. عدسیه های مذکوره نازک بوده و عدسیه که اخیراً ساخته شده دارای قطر پنج ملی متر بوده و در لابراتوار متعلق به پدروف، جایبکه سالانه هزاران مریض به وسیله عملیات معالجه میگردند، بکار افتاده است. که با ساختن جابجا کردن این عدسیه در چشم، میتوان به انکشاف جدیدی را این وسیله در امور عملیاتی باز کرد.



۱. عدسیه مصنوعی که جدیداً ساخته شده پس از عملیات در چشم معیوبی بدینسان جابجا گردیده.

ولایت های اقلیت کشور هائیکه باقیم نمودن نفوذ شان آنجا شیوه های ۴۴ شروع و در نتیجه نمودند، در نتیجه منجر به محروم ساختن ابتدایی ترین حقوق میلیون ها نفر از اهالی کشور های در بند کشیده گردیده و بسط بین المللی جنایاتی را که مرتکب میگردند و میخواهند جنایاتی را که قبلا در ویتنام مرتکب شده بودند در سایر نقاط جهان تکرار نمایند. رژیم ابرتایدافریقای جنوبی از حمایت کامل اضلاع متحده امریکا و متعین و شرکایش برخوردار میباشد و خطر رابدینسان بیش از پیش دامن میزند، خطر یک تهدید است به صلح برای تمام بشریت، چه صلح بنوبه خود عمده ترین خواست انسانی است. بوضاحت دیده میشود آنجاییکه امپریالیزم نفوذ پیدا کرده، از آنجا آزادی و دموکراسی رخت بر بسته، ترور را آنجا پایانی نیست و قتل و آدمکشی طرز العمل روز است، برخلاف در جاییکه امپریالیزم نتوانسته سیطره اش را قایم سازد و همچنان سایر منابع ارتجاعی و عزمونیستی آنجا راه نیافته اند، آنجا شرایط برای انسانیت، برای احترام به حقوق انسانی و صلح فراوانست و بران عمل میشود.



صحنه ترور و آدمکشی در افریقای جنوبی

هزارمند پو لندی و تیاتر تصویری اش

زندگی اقوام گورال داشت، توانست بر سکوی شهرت و محبوبیت تکیه بزند، وی این پیروزی را خاصا بغاظر تمیثل موفقانه زندگی دهقانان ناحیه «سوبرتالا» دریافت داشت «کنمار» شاعر و نویسنده چهره دست پولند فلکلور مردم را برشته تحریر کشید و یکی از قصه های مردمی متذکره ویلکوفسکی را به صحنه آورد کلیان درین زمینه نیز باوی از همکاری دریغ

بقیه دو صفحه ۴۸

عالمیست های دروغین بیوشاند. از جمله ۲۲ قرار داد بین المللی و کنوئسیون ها که محافظت و حمایت از حقوق انسانی را متضمن بوده، فقط به چهار آن، آنهم بجهت آنکه منافع خودش بیشتر در آن ذیدخل بسوده عمل کرده.

گو نو نسیون در باره منع اسارت منعقد ۲۵ دسمبر ۱۹۲۵، کنوئسیون بین المللی در مورد برطرفی همه فورم های نژاد پرستی (منعقد ۷ مارچ ۱۹۶۶)، (کنوئسیون بین المللی منعقد ۱۹ دسمبر ۱۹۶۶) در مورد حقوق اقتصادی اجتماعی و کلتوری، کنوئسیون در مورد حقوق مدنی و سیاسی (منعقد ۱۹ دسمبر ۱۹۶۶)، کنوئسیون در مورد منع جنایات علیه انسانیت (منعقد ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸) همچنین کنوئسیون بین المللی در مورد مبارزه علیه جنایات ابرتاید که بتاريخ (۳۰ نوامبر ۱۹۴۸) عقد گردید. اضلاع متحده امریکا باوصف تعهد کنوئسیون ها دلچسپی نشان نداد و بغاظر تحقق آن هیچگونه سعی نمود، برخلاف دیده میشود که مستقیم یا غیرمستقیم به کشتار و قتل مردم در آسیای جنوب شرقی در تحت پرده گی و به اسارت نگهداشتن مردمان



پروفسوری که عملیات جراحی چشم و همچنان سازنده عدسیه جدید میباشد در کناریکی از مشتریانش دیده میشود.

ورزیده کشورش است بازحمات بگیر و بشر دوستانه خویش اینک با ساختن عدسیه های جدید مصنوعی برای چشم و تعویض عدسیه های مذکور و نصب آن به عوض عدسیه های اصلی چشم، مایه شکست در میان حلقه های طبی و مایه مسرت و امیدواری برای آنانیکه عدسیه های چشمان شان از کار مانده است، گردیده در لابراتواری روزانه تعداد زیادی معیوبین چشم درمان شده و عملیات موفقانه روی چشمان شان صورت میگیرد.

رژیم ابرتاید در افریقای جنوبی از حمایت کامل امپریالیزم امریکا برخوردار است

در حصص مختلف افریقای جنوبی صدها زن و طفل قربانی تبعیض طلبان افریقای جنوبی میگردند. در دهان سالوادور قتل و کشتار و ترور مسلط است. در چیلی از هفت سال به اینطرف ترور فضای وحشتناک و سال های خطر را بار آورده است. باند های قاتل و آدمکش در برازیل و ترکیه به کشتار های خونین میپردازند. روز بروز اخباری ازین قبیل بخش میگردد. مردم پیوسته به همچو نیروهای ارتجاعی، امپریالیستی و عزمونیستی تفرین میفرستند. امروز پلان های زیادی تنظیم و عملی میگردد که با تطبیق آن هستی و زندگی و موجودیت انسان ها را با مرگ و نابودی دوبرو میسازد و این پلان ها، پلان های امپریالیزم است. در جاییکه امپریالیزم نفوذش را قایم ساخته آنجا تهدید و وحشیانه، توسل به قدرت، تطبیق مفکوره های نیو کولونیالیستی، استعمار جویی

لاکن همچو (کرونا) ها که بوسیله ایتالیا و لوجستان غربی ساخته شده بود طرف ثناعت پدروف واقع نشده چونکه ارگانیزم وجود انسان با آن بیچوجه مطابقت نداشت با این وصف پدروف و همکاران توانستند فیصدی توافق کرونا را با وجود انسانی بالا ببرند. نظریه تحقیقات و بررسی هائیکه در مورد کرونا ی مذکور صورت گرفت این توافق تا نود فیصد نیز افزایش پیدا کرد. در انجاء شوروی اولین ویتروم (دستگاه مواد سازی شبیه شیشه) در یکی از لابراتوار های آنجا انکشاف یافت و برای درمان چشم های صدمه یافته بگونه که آله جدید جانشین چشمان اصلی گردد و نور و انعکاس بدهد طرف استفاده قرار گرفت.

در لابراتوار اخیر الذکر مجادله علیه چشمان نزدیک بین صورت گرفت و با استفاده ویتروم هائی حاصله در آن لابراتوار تکلیف نزدیک بین مریضان چشم با تجویز عینک های ویترومی مدور مد مرفوع گردید. در آن تجارب و تحقیقاتیکه دانشمندان بالای چشمان حیوانات انجام داده اند چون نتیجه گرفته اند که در اثر عملیات جراحی میتوان بغوی این نقص را مرفوع ساخت. نظریه ۱۵۰۰ عملیاتیکه انجام یافته، پدروف و نامود ساخت که تمام طرق درمانی و عملیاتی بشر در این راه به پیروزی رسیده است و همچنان از خطرات احتمالی مریضان چشم جلو گیری نموده است. (پدروف) که در عین حال از جمله پروفسوران

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

حفظ وطن

این نسل دلیر آریایی زاده
دایم به عدو درس شجاعت داده
بازی نبود همره ایشان ساده
در حفظ وطن همه به پا استاده
میرمحمد کاظم هاشمی

سکوت

گفت : از تو ام !
گفتم : اغواست .
گفت : باور کن !
گفتم : نه .
گفت : ترا اشتباه است !
گفتم : از من دستگیر .
گفت : کار دلست .
گفتم : خوب رویی .
گفت : تسلیم !
گفتم : مکر است .
گفت : مرا تم !
گفتم : راستی ؟
گفت : آری !
گفتم : وای عاشق شدی ؟
گفت : چرا نمی دانی ؟
گفتم : از چه ؟
گفت : طفلی ؟
گفتم : نه ، میدانم
گفت : بیا ، آری بیا !
گفتم : سکوت کن ! سکوت !

ممتاز

بازتاب واقعیت در ضرب المثل های عامیانه مردم

رحیم الله جرمی
ضرب المثل های عامیانه مردم که یکی از بخشهای عمده فرهنگ غنی جامعه ما را تشکیل می دهند از دیرینه زمانی بدین سودر میان توده های مردم ما رواج داشته و تا قبل از ایجاد خط و کتابت به شکل غلامی ، اشارات و جملات کوتاه و پرمعنی در افکار مردم وجود داشتند و با ایجاد تحریر و کتابت از افکار و مفز انسان به صفحات کاغذ انتقال نموده از آسیب فراموشی و نیستی در امان ماندند .

ضرب المثل های عامیانه که مردم ما در گفتار و تکلم روز مره خویش آن ها را بعیت نغز ترین و جالب ترین کلمات و جملات بکار می برانند زاده افکار و اندیشه های یک ویاجند شخص نبوده بلکه همه از میان توده های عظیم مردم بمیان آمده اند و به توده ها تعلق می گیرند .

همان طوریکه توده های ملیونی کارگران ، دهقانان ، و پیشه وران و سایر اقشار زحمت کش جوامع اند که تاریخ می سازند و آن را تکامل می دهند بهمین منوال توده های وسیعی زحمتکشان جهان اند که سر هنگر را میسازند و تمدن ها را بیار می آورند و آن ها را رشد می دهند و تکامل می بخشند . از این جهت میتوان ادعا کرد که ضرب المثل های عامیانه مروجه امروزی در کشور ما که بخش بزرگی از فرهنگ و کلتور بومی سر زمین ما را تشکیل می دهند از آن توده ها بوده بهترین و عالیترین مفاهیم و اندیشه های انسانی را در خود نهفته دارند و ازجمله و پدران فرهنگ ساز ما به ارث مانده اند .

طوریکه گفتیم هر یک از این گفته های نغز و دلکش که ما آن ها را ضرب المثل می خوانیم مفاهیم و معانی نهایت ارزنده و عالی راییان داشته که از پرمحتوا ترین نوع کلمات و جملاتی بحساب می روند که در جریان پروسه تکامل تاریخ و آزمون زمان پیروز- مندان از بوته آزمایش بدر آمده اند و در میان خلایق تاریخ ساز و دورانساز ماریج گردیده اند .

ضرب المثل های عامیانه که اساس ایجاد آن ها را درک ، تجربه و بر داشت مردم از کنش ها و واکنش های روزانه ایشان تشکیل می دهد . بعیت بهترین رهنما و یاری رسان ما در اجرای امور زنده می روزانه بحساب می آیند . چه آن ها ما را بیشتر قادر میسازند تا با درک همه جانبه حقایق به اجرای امور سود مند و ثمر بخش بخود و دیگران متوصل گردیم و از کنش های خالی از مفاد و بیجهت اجتناب ورزیم .

همین ضرب المثل های عامیانه مردم اند که پهلوی های مثبت و منفی بسا از واقعیت ها و اعمال مثبت و منفی ما را بخوبی ابضا ح من نمایند .

بطور مثال در میان مردم معروف است که میگویند : «قمار باز شریک دزد است» این گفته خیلی ها ارزنده و بجا است که از زمان های بسیار قدیم در میان توده های وسیع مردم کشور ما رواج داشته ما را از توصل به قمار که یک عمل ناجایز و ناپسندیده است باز می دارد و قیاحت های این عمل را بر مابیان می دارد و یا این مثل دیگر که میگوید : «قمار باز یکرود پاک میخورد و یکرود خالک» یعنی اگر شخصی که به عمل قمار بازی عادت دارد یکرود دارا باشد و صد روز دیگر را با دست تهی می گذراند که این هم پهلوی منفی دیگری از عادی شدن به عمل قمار و قمار بازی می باشد . و یا این مثل دیگر که میگوید : «وقت از دست رفته باز نیاید» و یا «وقت برابر طلا است» .

همه می دانیم که وقت بزرگترین گهری است تاب و نایاب که اگر بیهوده از دست برود به گفته منزل فوق دو باره باز نیاید . اگر به مفهوم اساسی این مثل پر محتوا به دیده غور و تعمق بنگریم در می یابیم که حقیقت بزرگی را در خود نهفته دارد و آن اینکه مارا به کار و بیکار روزانه دعوت می نماید و بما می آموزد که حتی لحظه بی از وقت

بقیه در صفحه ۴۸

شعر و شاعر

چه بود گر زندگی هر روز شعری
بود
ومن هم شاعر بی همی
دو را نه
که بهر سخن
کوته ترین و بهترین حرف بشر
که میشد قطعه شعر کو تاه تاریخ
انسان
شعری چون حیا شیرین و چون
وجدان گرامی
میشدم پیدا

...

ولب از شعر می بستم ، می گشتم
می گشتم
درون سینه ها و مغز ها را
خوب میکافتم
به هر سر : گرم سو دایی
به هر سینه : تمنایی
نمی یافتم ، می گشتم ، می گشتم
که من شاعرم ، شعر می گویم
چه یکتا شاعری ، چه شعر یکتا
می
که من در حسرتش چون شعله
گرم محبت تاب می خوردم
دل از گر می سو زنده ، یک
سبد پر از شگوفه بود ، پر از
جنبش
زخود میرفتم و در بینهایت می
سروردم :
جهان بشریت میشنود آنرا و
میردم
«آزادی»
جهان بشریت میشنود آنرا و
میردم

غلام حیدر یگانه

روانشناسی استعمار

برگزیده‌های ازمیان فرستاده‌های شما

استعمار و توجیه وضع عقب ماندگی و کم رشدی این سر زمین هابرنیان به اصطلاح عقب ماندگی های ذاتی و نژادی مردمان مستعمره و تسجیل فرهنگ مسخ شده استعماری بعنوان کلتور اعلی و اصیل بوده است.

جریان خود زدایی (تردید و تحقیر ارزش ها و دست داشته های فرهنگی و تاریخی مناطق نا منکشف بوسیله متجددین باشندگان اصلی مستعمره بر اثر تلقین استعمار) که از میان اساسی روانشناسی استعمار و امین میدارد بیشتر از همه توسط متجددین به اصطلاح تحصیل کرده در کشور مادر (متروپول) و در موقع بازگشت به سر زمین آبایی تحقق میگردد:

جوان بومی بعد از چند سال دوری از وطن آبایی و کسب تحصیل در کشور مادر بمدلول عدم خود آگاهی تحت تاثیر سریع و فوری مظاهر پرزرق و برق و تجمل کشور استعمار گر قرار گرفته و چنانچه می پذیرد که فرا گرفتن و آموزش تمامی عادات و اخلاق تمدن بورژوازی به منزله توفیق به مدار عالی تمدن می باشد. این وضع در واقع نتیجه مستقیم و غیر قابل تردید جریان ذهنی و سایکلوژی استعمار بردنیای مستعمره می باشد که جوان بومی بر مبنای تداعی سوابق ذهنی به تحقیر و تخفیف ارزش ها و واقعیت های کلتوری خود و پذیرش ارزش های فرهنگی استعمار گر به عنوان ارزش های عالی و وسیله رسیدن در قالب انسان متمدن القاء می گردد.

استعمار باشیوه ها و تکتیک های رذیلانه و نا جوانمردانه به بومی های مستعمره چنین تلقین مینمود که گویا آنان بالذات عقب مانده و حقیر اند و به منظور اثبات شخصیت و هویت فردی و اجتماعی خود فقط يك راه دارند و آن این است که تمام نیرو و تلاش خویش را در جهت همان نندی و همسانی انسان استعمار گر صرف نماید. که در این همانند گرایي نه تنها اینک عادات، اخلاق و زبان خود را تغییر بدهد و هویت

بقیه در صفحه ۴۸

مستعمراتی احساس از خود بیگانگی و تردید ارزش ها و اساسات فرهنگی اصیل بومی را تقویت می بخشد. در واقعیت امر استعمار فرهنگی که هدفی جز تخریب و تخریش ارزش ها و واقعیت های فرهنگی در سر زمین های نا منکشف ندارد قیافه استعمار کهن را در چهره تقدس معنویات انسان در جهان مستعمره بیان میدارد.

غول استعمار بعد از تسلط و ارعاب سرزمین های نا منکشف و بسط نظام استعماری به منظور تحکیم نظم استعماری توده های استعمار زده را به انواع مختلف تحت انقیاد در آورده و با استفاده از تکتیک ها و شیوه های متنوع روان و معنویات توده های مستعمره را در زنجیر کشیده است.

ماشین استعماری کلاسیک بعد از تجهیز پایه های اجتماعی و اقتصادی استعماری و ایجاد وضع مستعمراتی در سر زمین های مستعمره جریان احساس حقارت و خفت را در فرهنگ و رسوم بومی احاطه کرده و بر توده ها چنین تلقین نمود که گویا کلتور و فرهنگ آبایی و اصیل آنها عقب مانده و از تمدن و تجدد بدور می باشد لهذا ارزش های کلتوری موجود و مسلط بر بومیان مستعمره قابل تردید بوده و این فرهنگ و ارزش های متجدد استعماری است که مظهر تمدن و تجدد و سیمبول پیشرفت و ترقی میباشد.

به این ترتیب استعمار کهن با تلقین غلط و نا جایز توده ها در جهت تردید ارزش های فرهنگی بومی و تحمیل کلتور استعماری در پهلوی غارت منابع و پیداوار مواد خام مناطق تحت استعمار، به کشتن و مسخ نمودن دست داشته های کلتوری و تمدن اصیل مردمان سر زمین های مستعمره نیز پرداخت.

سیر روانشناسی استعمار کلاسیک که با بسیار زیرکی و مهارت موازی با ایجاد تاسیسات استعماری در نیای نا منکشف پیش می رفت هدف آن شیوع احساس حقارت و خفت در بین مردمان بومی مناطق تحت

کرد، بلکه جریان تحقیر هویت انسان مستعمره را در مضمون استعمار کلاسیک در مکتب کاملاً جداگانه و حساب شده که هدف آن تسجیل وضع برترانه انسان استعمار گرو توجیه وضع مستعمراتی استعمار زده بر بنیاد برتری های نژادی، خونی و پیشرفت و تمدن استعماری باشد. ملاحظه کرد.

باتوجه به تأثیرات کیفی مضمون روانشناسی استعماری در ساحات مختلفه شئون حیاتی دنیای نا منکشف، انسان بومی وضع تحقیر آمیز خویش را در تماس با تاسیسات واقعیت های اجتماعی و اقتصادی که اکنون رنگ استعماری دارد و سایه غول استعمار بر آن حکومت میکند، درک نموده و در ضمیر نیمه آگاه خود از اینگونه برخورد ها که بر مبنای عدم تساوی و بر بنیان برتری و برجستگی به اصطلاح ذاتی انسان استعمار گر استوار است بدیده انزجار مینگرد.

انسان استعمار زده در عین حال که از وضع مستعمراتی خویش به شدت بیزار است و جمیع مومسات استعماری را به زعم ظاهر متمدن و عوام فریبانه آن مورد تردید قرار میدهد در معرض حمله جریان ناخود آگاهی استعمار فرهنگی قرار داشته که بارز ترین مظاهر و نتایج استعمار فرهنگی را در واقعیت احساس حقارت که در بین مردمان مستعمره شیوع یافته و به سرعت توسعه میابد سراغ نمود.

احساس حقارت و خفت در انسان استعمار زده که هدف روانشناسی استعماری را بیان میدارد از نفوذ فرهنگی دنیا ی استعماری و تظاهر پدیده های پرزرق و برق و اغوا کننده تمدن بورژوازی آب خورده مظهر واقعیت وضع مستعمراتی در سیمای استعمار فرهنگی می باشد.

جریان ناخود آگاهی استعمار کلتوری که از طریق روانشناسی استعماری اعمار میگردد بیشتر از همه جوانان و نو جوانان بومی را مورد حمله قرار داده و با استفاده سوء از عدم آگاهی آنان از وضع

واقعیت استعمار بر دنیای مستعمره نه تنها مفهوم غارت منابع عظیم مواد خام و چپاول قوای بشری فراوان و رسوخ اسارت و انقیاد را در تمام شئون زندگی مردمان مستعمره تبیین مینماید بلکه حاوی مفهوم تحقیر شخصیت انسان استعمار زده و تسلط و گسترش انقیاد در روح و معنویات او نیز میباشد.

نظر مختصری به سیر چگونگی استعمار کهن در جهان مستعمره این حقیقت را بیان میدارد که علی الرغم احساسات آزادیخواهی انسان بومی و تنفر و انزجار عمیق اواز وضع مستعمراتی خویش و مبارزه و مجادله پایان ناپذیر او علیه استعمار و مظاهر آن ارزش های فرهنگی استعمار باشیوه های ماهرانه و از مجرای روان شناسی استعماری به صورت مسخ شده بر او تحمیل میگردد.

کلو نیا لیزم کلاسیک در سیمای بشر دوستانه و ظاهر متمدن و پیش رفته خود هماهنگ با چور و چپاول منابع مادی و غارت مواد خام سر زمین های نا منکشف شنیع ترین طرق و شیوه ها را در کشتن روح و شخصیت و هویت انسان استعمار زده به کار برده، عظیم ترین جنایات را در زمینه رسوخ حقارت مینماید. آنچه روانشناسی استعمار را به مثابه میراث شوم کلو نیالیسم کلاسیک در سیر تاریخ تبیین میدارد بقایای احساس حقارت و خود کوچک بینی است.

شکستن زنجیر مستعمراتی و حصول استقلال سیاسی از کشور مادر (متروپول) در روح و ذهن انسان استعمار زده محسوس بوده لزوم مبارزه و مجادله او را در پهلوی تلاش و غلبه به عقب مانده گی های اقتصادی و اجتماعی و توفیق به استقلال اقتصادی احترام ناپذیر مینماید.

پرونده گسترش حقارت و نزول گرایي شخصیت انسان مستعمره به وسیله استعمار گر در سیر توسعه استعمار کهن نه تنها در مضمون فکتور های اقتصادی و مالی استعماری و تجهیز تاسیسات به اصطلاح متمدن کلونیای لیزم میتوان سراغ



هيله

پيوسته بگذشته

از تاريخ بايد آموخت

جوانان بالنده و پيكارگر! درين شما ره قبل از آنكه ادامه نبرد قهرمانانه خلق خود را عليه امپرياليزم متجاوز انكريز بنگاريم لازم است تا به يك وعده ديگر خود كه معرفي كتاب معروف تاريخي افغانستان باستان يعني اويستا است، پير دازيم و بعدا بر رسي خوش را در مورد نبرد هاي قهرمانانه افغان و انگليسي ادامه خواهيم داد. حال بر مي گرديم بر سوابق تاريخي كتاب اويستا: قبلا نوشتيم كه كتاب اويستا توسط (زر تشست يا زر اشتر) كه اهل بلخ نامدار بود بوجود آمد اين كتاب كه در حدود سه هزار ساقبل از مروز تا ليف شده بود البته با ييد گفته شود كه اين كتاب در طول چند هزار سال در زير حوادث مختلف تاريخي نمي توانست شكل خالص و كامل و هما نظور يكه در اول تدوين شده بود با قی پماند اويستا بعد از تحمل حوادث و دگرگوني هاي زياد در قرن سوم ميلادي (۱۷۰۰ سال پيش از امروز) در الفباي پهلوي ساساني جمع و تدوين گرديد. تفسير يكه به لسان پهلوي بر اويستا تحرير گرديد ((زند)) ناميده مي شود و تفسير بعدي را كه بر تفسير اولي نوشته شده بود ((پازند)) ناميده شد. امروزه تنها يك بخش كوچك از اين

دنيا را كه شهر كوپهنا گن موجود است كه تاريخ كتابت آن قرن چاردهم ميلادي مي باشد. رسم الخط فوق الذكر در قرن ششم ميلادي جهت تحرير كتاب اويستا عهد ساساني بوجود آمد از گاتهاي (گات ها يعني ستون) اويستا معلوم مي شود كه دين زردشتي بر اساس توحيدي ويگانه پرستي قرار دارد. اين دين ازجنت، دوزخ، برزخ صراط، ميزان و حساب سخن مي زند. هم چنان بر ضد دروغ، قرباني و كشتن گاو، رهزني، بيا باني گردی، چپاول و شر شمعار مي دهد و به شهر نشيني، زراعت، مالداري، راستي، راستكاري انسان ها را تشويق مي نمايد عالي ترين اوامر اويستا، درين چند كلمه خلاصه شده است: پندار نيك، گفتار نيك، كردار نيك و پيهر فته مي توان گفت كه ديانت زردشتي تنها دين معنوي ني، بلكه يك ديانتي اقتصادي نيز بود و اين كيفيت به دين زردشتي ارزش اجتماعي هم مي دهد

و در عين زمان نمايانگر از تقا ئي خلق است كه كتاب اويستا در بين آنها به ميان آمده است. اويستا از نگاه تاريخ افغانستان كيفيت و ارزش زياد تری دارد، چه اوستا بعد از سرود هاي «ريگويدا» كه نشان دهنده حيات مالداری و نیمه زراعتی و نظام طایفه ای آریائی است؛ هم چنان مهم ترین منبع و ماخذ تاريخ باستانی افغانستان نيز است. اويستا افغانستان قدیم را از نظر باستانی جغرافيا ئي حاوي شا نزده منطقه در دور و پيش سلسله جبال هندو-كش معرفي مي كند، اين مناطق عبارتند از بخدي (بلخ)، راغا (بدخشان)، مورو (مرو)، هريو (هرات)، هرو اويستي (حوزه هلمند)، هيتو منت (ارغندا ب)، هپته هندو (حوزه سند) و ماوراالنهر (سغدیان) وغيره اوستا مردمان اين مناطق آریائی و وطن شما را آریائی نامي نامد.

— ادامه دارد —

جوانان و تعطيلات زمستاني

در اين روز ها كه تعطيلات زمستاني آغاز مي يا بد جوانان ما چه بايد بكنند تا از يكطرف ازادامه تحصيل باز نما نند و از جانب ديگر براي خوش پيرو گرام هاي تفر يحيي داشته باشند.

در اين روز گاريكه كشور ما پيش از هر وقت ديگر به قدرت و خلاقيت نيروي جوانان ما نياز دارد بايد جوانان ما خود را با شرايط زندگي آينده آماده سازند اين آماده گي از همين حالا بايد آغاز يا بد و با پشتكار تعقيب شود، تا با شد كه آينده آنان تضمين گردد. شايد پير سيد كه چطور: خدمت اين عده جوانان بايد عرض شود كه: اولتر از همه به صحت و سلامت خود فكر نمايند و بعدا به كسب دانش و تحصيل. در اين روز ها كه رخصتي عمومي شما گردان معارف است بدنيست كه هر شاگرد چيز فهم در پهلوي كاريخانه يك

كتاب بدست داشته باشند، كتابي كه بيهكه به ذوق و علاقه آنان باشد، كتابي كه بتوانند به آنان چيزي بيا موز اند.

بهترين سرگرمي و تفريح در شرايط حاضر مطالعه و كتاب است، البته در پهلوي آن استراحت و گردش نبايد فراموش گردد شنيدن موسيقي خستگي را مي زد ايد، به انسان قدرت و انرژي بيشتر مي دهد اشتراك نمودن در كار هاي منزل و همكاري با پدر و مادر در امور خانه يكي از مصروفيت هاي خوب و خوا هد بود كه جوانان ماکتر احساس دلتنگي نمايند.

در فواصل پيكاري بهترين تفريح مطالعه است جوانان يكه زندگي نسبتا مرفه تری دارند ميتوانند بزرگترين خدمتي به ميهن و كشور و مردم خویش در اين روز هاي رخصتي و تعطيل نمايند. ميدانيد كه اين خدمت

بزرگ و مقدس مبارزه با پيسوا دي اين دشمن مشترك همه بشر مي باشد. شما كه وقت اين را داريد چه ميشود كه با چند ساعت انساني پيسوا دي را كه محروم از بزرگترين نعمت زندگي است با سواد سازيد و با آنها در اين باره كمك كنيد سه ما و كمتر از آن مدتي نسبتا زيادي است كه انسان ميتواند در اين راه خدمتي انجام دهد.

پس بهترين مصروفيت براي جوانان با درد يكي هم اينستكه دست مظلومي را بگيريد و او را در راه با سواد شدن كمك نماييد چشم او را به خط و كتابت آشنا سازيد، و دل او را به نور علم روشن نماييد. بگذرايد آنان كه سالها از اين نعمت محروم بودند با كمك شما جوانان با در وطن پرست بر خور دار از سواد گردند تا با شد كه آنان نيز در آينده موجود مفيدی براي اجتماع و وطن خویش گردند.

من از شما نمی خواهم که مرا تبرعه کنید و یا به من دل بسوزانید اما می خواهم و تو قس نیز دارم که عادلانه قضاوت کنید و ببینید که کی مقصر است و علت اختلاف میان ما چیست . وجه بوده و کدام یک بیشتر مقصریم . ولی قبل از همه بایست به گذشته برگردیم تا بیشتر موضوع و مطلب برایتان واضحتر گردد .

ما از کودکی با هم آشنا بودیم ، رفت و آمد فامیلی داشتیم و وقتی که بزرگ شدیم و مکتب را تمام کردیم و شامل فامیلی شدیم این رفت و آمد و این آشنایی مانده گذشته دوام داشت و هر گز این ارتباط فامیلی ما از میان نرفت . تا اینکه در اثر موافقه طرفین و فامیلی ما با هم نامزد شدیم ، این دوره که از بهترین ایام زندگی دو جوان محسوب میشود مدتی گذشت ما در این ایام برای آینده خویش نقشه های می کشیدیم و بخت طری زندگی بهتر آینده طرح های بوجود می آوریم و کوشش میکردیم که این طرح ها را در عمل پیاده کنیم . مدتی تقریباً شش ماه از نامزدی ما گذشت و ما داشتیم مقدّمات عروسی را میکردیم ، ولی آرام آرام متوجه شدیم که آن علاقه و حرارتیکه نامزد در گذشته داشت حالاندر علت را ندانستیم تا اینکه از خودش پرسیدیم ولی او انکار کرد و گفت که چیزی نیست شاید مرا خیال بر داشته باشد و از اینطور گپ ها . بهر حال پس از رفت و آمد زیاد پدر و مادر به منزل نامزد تاریخ ازدواج تعیین شد و به همین مناسبت مقدماتی که برای ازدواج ضروری و لازم بود تهیه دیدیم . شنبه اما هر قدر روز تا ریح ازدواج نزدیکتر میگردد نامزد بیشتر نا راحت تر و دلواپس تر میگردد دید باز هم برایش گفتم که چه شده ، چرا ناراحت هستی ، آیا خوش نیستی که در این روزها با هم ازدواج میکنم و تمام رویاهای گذشته مان به تحقق می پیوندد ؟ سکوت میکند و چیزی نمیگوید ولی از حرکات که می نماید بخوبی معلوم میشود که سخت نگران است و دایم در حالت یکنوع انتظار بسر میبرد

این وضع نامزد با عث نا را حتی من نیز گردید و هزاران سوال را برایم خلق می نمود ، فکر میکردم رازی در میان است که نامزد نمی خواهد من از آن مطلع گردم . به هر ترتیب بود با لایحه و ادارش سا ختم که اصل حقیقت را بگویم و او برایم چنین گفت : میدانی احمد من تو را بسیار دوست دارم ، اما نمی خواهم زن تو باشم ترا بحیث یک برادر بسیار محترم دوست دارم ولی فکر میکنم که اگر ما با هم ازدواج کنیم زندگی بدی خواهیم داشت و هرگز خوشبخت نخواهیم بود این سخنان نامزد آنقدر برایم غیر مترقبه بود که انتظار هر چه را داشتیم غیر

زندگی فامیلیت آشنا گشتم ، دیدم که اگر این وصلت صورت نگیرد بهتر خواهد بود هم تو خوشبخت خواهی بود و هم من . چه چیز زندگی فامیلی ام ترا نا راحت ساخته که به پیمان خود پشت پا زنی ؟ سکوت میکند ، چیزی نمیگوید ، اما مثل اینکه تصمیم خود را گرفته باشد ناگهان لب به سخن میگذارد و میگوید : یگانه عالمی که مرا از این ازدواج بازداشت و وضع نامساعد اقتصادی است و بس . آن پلان ها و نقشه های که من و تو برای آینده مان کشیده بودیم هرگز نمیتواند با این وضع اقتصاد جا مه عمل پیو شد شاید که تصور کنی من دختری



شنیدنی این مطلب را شما فکر کنید یک عمر با هم بودن ، یک عمر برای آینده نقشه کشیدن و با لایحه این طور سخن را شنیدن آن لحظات هرگز در زندگی فرا موشم نمیگردد و اگر هر کسی بجای من نیز می بود هیچگاه این واقع را فرا موش نمیگردد . خوب شما را چه درد سر بدهم که از نامزد خواستم تا بیشتر برایم تشریح نماید و موضوع را برایم روشن سازد ، او در ابتدا راضی نمیشد که اصل حقیقت را برایم بگوید ولی وادارش ساختم که ختم که حقیقت با اینکه تلخ و طاقت فرسامی بود برایم بگوید او ابتدا زیر بار نمی رفت و بالاخره گفت و چنین گفت : احمد در این شکی نیست که ابتدا می خواستم با تو ازدواج کنم و تا همین چند ماه قبل به همین تصمیم بودم ، اما وقتی که از نزدیک به

مادی پرست و پول دوست هستیم . اما من می خواهم که در آینده خوشبخت باشم ، میخواهم چیزی را که آرزویم برآم آنرا داشته باشم بیادداری که من و تو همیشه از زندگی مستقلی حرف میزدیم ، ولی گو آن زندگی مستقل؟ آیا تو با این معاش خود میتوانی آن زندگی ایده آل را که هر دوی ما خواهان آن بودیم بسازیم ؟ فکر نمیکنی که هر دوی ما تا به امروز اشتباه نمودیم و تمام آن نقشه ها جز رویای بچگانه چیزی دیگری نبود ، زیرا این امکان را ندارد که آن زندگی ایده آل را بسازی . احمد این را باید قبول کنی که بجای من هر دختری دیگری باشد چنین می خواهد . شاید من نتوانم صاحب همسری مانند تو گردم

ولی نمی خواهم که همین حالا چانس زندگی خود را از دست بدهم از این روازت خواهش میکنم که دیگر روی از دواج با من فکر نکنی و از همین حالا تصمیم خود را بگیر برایش گفتم تو که مرا از خیلی قدیم میشناسی ، به زندگی خانوادگی مان آشنا بودی ، و تا اندازه زیاد از وضع اقتصاد ما با خبر بودی چرا آن وقتیکه نامزد میشدیم این فکر را نکردی که حالا میگوی ؟

با نا را حتی میگوید : درست است که ما از کودکی با هم آشنا بودیم ولی این دلیل نمیشود که حتماً از تمام جزئیات زندگی گیتان با خبر باشیم دیدم جرو بحث دیگر فایده ندارد او تصمیم خود را گرفته است ، برایش گفتم که من باید این موضوع را با پدر و مادر در میان بگذارم ببینم آنها چه نظر دارند میگوید این زندگی خود من است ، و این منم که باید تصمیم بگیرم نه پدر و مادر ، شوهر من میکنم نه پدر ، این من هستم که آینده من باید خوب شود یا خراب ، پس تصمیم من است با این هم برای اینکه رضا یقین فرا هم شود هیچ مانع ندارد میتوانی با پدر و مادر صحبت کنی ولی بدان که من تصمیم خود را گرفته ام گفتم خوب ببینم چه میشود این را گفتم و از شد جدا شدم ، روز دیگر به دیدن پدر و مادرش رفتم ، دیدم وضع و پیش آمد آنان نیز طور دیگر است ، پیش خود فکر کردم که اگر زیاد در این مورد یا فشاری نمایم شاید پیسود باشد و قتیکه دختر نخواست با من زندگی نماید چه ضرور که این سخنان را به پدر و مادرش بگویم ، و اگر احیاناً برای آنان نیز بگویم آنها چه خواهند گفت ، صرف همینقدر خواهند گفت که :

پسر م ، چه بایده کرد ، امروز نمیتوان کسی را به زور و جبر وادار به ازدواج کرد ، امروز خوشی دختر و پسر شرط است و ... و اگر هر طرف داد و فریاد رازد بیا ندامت فایده نخواهد داشت به همین منظور بدو آنرا که زیاد خود را نا راحت نشان داد به شرم برای پدر و مادر دختر بقیه در صفحه ۴۹

است هفته یکبار در تلویزیون به
نشر میرسد - سیب میان تپی -
کاکای بی پادر پشتو - ۱۸ - وظیفه
کارگر - اگر آنرا بازرگاریکجاسازند
نام یکی از مناطق کشور ما می-
شود - گوزن در آن شهرت
دارد - ۱۹ - پیر نیست - زمان آن
است - درد ناتمام - ۲۰ - دشمنان
مردم ما آن طور هستند - ماده حیاتی
- ۲۱ - در بد خشان شهرت جهانی
دارد - معشوقه مجنون - سمبول
باریکی - خودم

این دختر کیست؟



این چهره زیبا یکی از ستارگان
غرب است ما آنرا برای شما چاپ
نمودیم تا اگر بتوانید بگوئید که این
ستاره سینما را در کدام يك از فلمها
دیدید اید اگر به شناختن او موافق
شدید اسم او را و فلمی را که به
اشتراک او دیده اید برای ما بنویسید.

تست جالب خود شناسی ؟



این تست مخصوص دختران
میباشد آری بسیاری از دختران
مغرور و یا اینکه در زندگی خوش
بخت نمیشوند مابرای اینکه دختران
خود را بشناسند نه شکل را برای
شان چاپ نمودیم برای مابنو یسید
که از کدام تیپ دختران هستند
مابرای شان بنویسیم که چه عادات
را دارا می باشند فراموش نفرمایید
که با انتخاب یکی از اشکال فوتوی
خویش را نیز ارسال دارید.

ژوندون

تهیه و تنظیم از : صالح محمد
کپسار

سرگرمی مادامسابقات

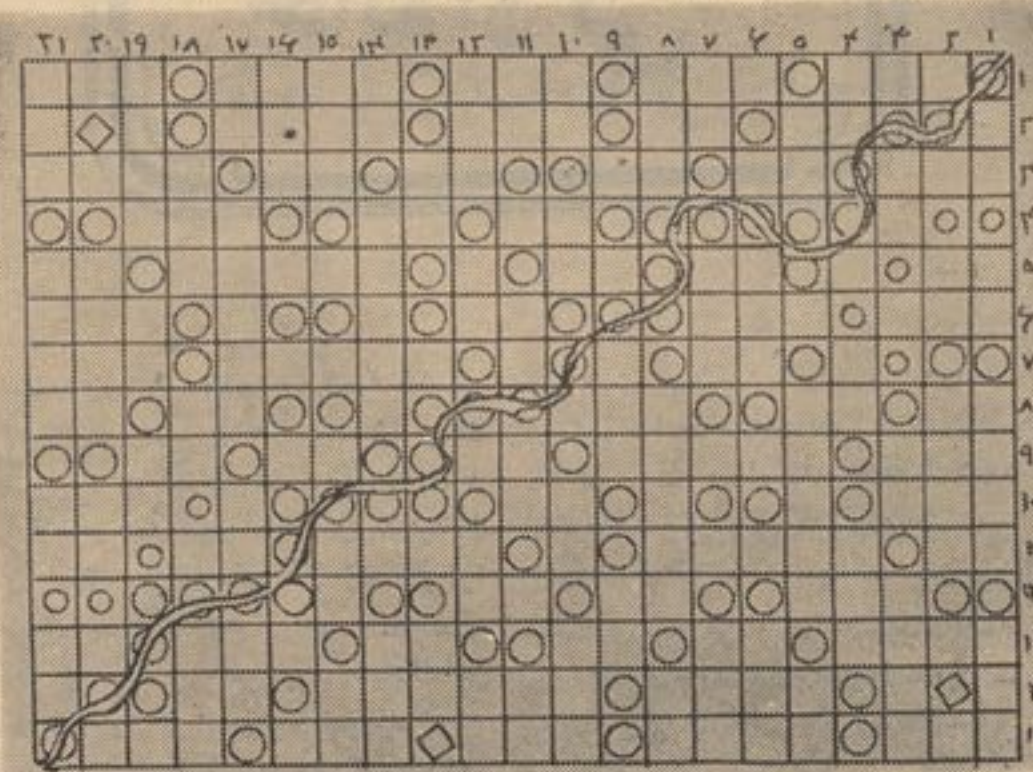


جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- در قفس سینه آنرا میتوان
پیدا کنید - از ولایات باستانی
کشور ما - یکنوع با سبیل
(میکروپ) را بنامش مسما ساخته
اند - آنرا میپرستیم - فلمی است
از کشور هندوستان - ۲- يك حرف
را در دو خانه بگنجانید - در روی
میرویسمناره های این شهر باستانی
ما شهرت جهانی دارد - ۳- در همین
فصل زیادتر استفاده میشود - حرف
نقی عربی - کانال خون - عکس زیبا -
ردیف گوهر - گهواره انقلاب آسیا
- ۴- دو پانزدهم - در بین
بلبل - معدن - ۵- عددی است -
باعلاوه (یاد) اسم یکی از فلمهای
هندی - از امراض ساری - قایل
شدن - نمیتواند راه برود - ۶- از
آلات صیادی ماشین آنرا موراخترع
کرد - از ماه های سال به پشتو - سه
خانه و يك حرف - ۷- گدای پابریده
فلمی به اشتراک سایره بانو - در
پیشانی یار میز یید - ۸- نصف
نشان - رطوبت - در روزهای بارانی
زیاد می آید - ازدانه های شطرنج -
دیروز - ۹- منظم آن ادا میشود - از
آلات محاروبی - عددی است به
پشتو - کبل کوتاه - ردیف جذر - ۱۰-
گناه ناتمام - رفیق پری - حیوانات
را چنین سازند - ۱۱- حرف نقی -
اشکابرها - از کشور های افریقایی -
عطر میدهد - بومدم - بریده
۱۲- ضد جدید است - قلب عوام
- جبل کوتاه - ۱۳- وسیله پوشیدن
در بدن - ردیف خاشاک - حیوان
باربر - طول بدن - خشت وچونه
رادر آن بخته میسازند - جام آن

شهرت دارد - ۱۴- ردیف غله می آید
یکی از آبشار های مشهور کشور
ما - کارنا تمام - ۱۵- بزرگ به پشتو -
از غله جات دول پراگنده - آنرا
نگهدارید - از ولسوالی های
سمت شمال کشور ما -
عمودی :-
۱- از حیوانات جنگی - درنده -
از فلمهای هندی - در بچک پا جا



دارد - ۲- نصف جاوا - با آن موها
را مرتب کنند - ۳- حرف ربط
این به پشتو - از پرندگان خوش
خوان - ۴- خنک نشد - میوه یی
است خزانی - ۵- يك نوع پرند
خوش خوان - به خانه هر شخص می
رود - دگر ناتمام - ۶- در یمن
فصل در درخت ها نمیشد دوران
او گذشت - ۷- لوده بود د هشت

حاصل اکسیجن و هایدروجن -
محبت - به عده نرسیده - ۱۳-
ضمیمه به پشتو - در موقع تسمات
غذایی پیدا میشود - ۱۴- ماه
کوچک - باران در گذشته به زمین
آمده - منظم آن پدر است - ۱۵-
معکوس آن از لسانهای رسمی
ما است - حرف ربط - راه کوتاه - ۱۶-
گردنبند - ۱۷- رفیق بولت - پروگرامی

شما بوده باشد طور یکی حد و ل را مشاهده می نمایید همه خانه های آن خالی بوده و با اعداد حسابی خانه بری میگرد.

البته غرض آسانی کار شما بعضی از مشخصات و دستور العمل حل جدول فوق را ذیلا تشریح می کنیم زیرا نظیر چنین جدول در ابتدا کمتر منتشر رسیده و لا بد به آن کمتر آشنایی خواهید داشت :

۱- حاصل جمع اعداد ستون

اول افقی به ۵۵ میرسد

۲- حاصل جمع اعداد ستون دهم

افقی به ۹۵۵ میرسد .

۳- حاصل جمع اعداد ستون اول

عمودی ۴۶۰ میرسد .

۴- حاصل جمع اعداد ستون اول

عمودی به ۵۵۰ میرسد .

۵- باید اعدادی که در خانه های

خالی گنجا نیده میشود عین

عد باشند به عبار دیگر در تمام خانه

های جدول عین عدد تکرار

نگردد.

اگر همه اعداد درج شده ستون

های اول و دهم افقی و عمودی جمع

شوند حاصل شما ۲۰۲۰ میگردد.

نوت: جهت معلومات مزید

خوانندگان و حل کنندگان محترم

اینقدر نقل هم نمیدهیم که:

در ستون های افقی اعداد در خانه

های خالی تسلسل داشته و از تمام

پهلوی هم یک یک فرق دارند در

حالی که از تمام بصورت عمودی یعنی

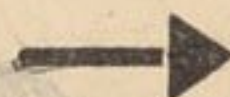
اعداد بالاتر از اعداد پایین خود ده

تفاوت مینمایند . اسم حل کنندگان

و از جمله فوقی یکی از آنها که

اولتر بدفتر مجله پرسد در همین

صفحه به چاپ میرسد .



صحنه کدام فلم؟

این صحنه از فلمی است که در

هندوستان به معر ض نمایش قرار داده

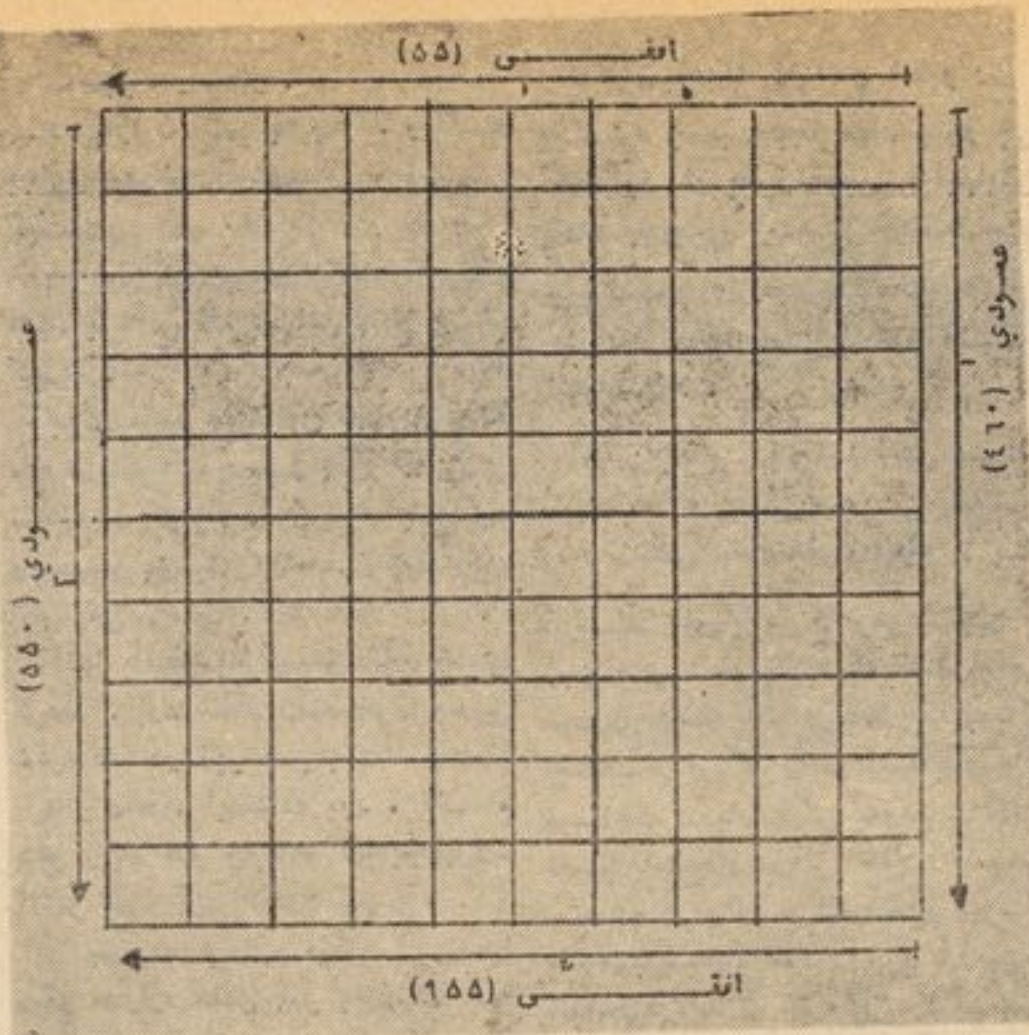
شده است و شما باید این فلم را دیده

باشید بهر صورت اگر با سینما

علاقه داشته باشید میتوا نید اسم این

ستاره و اسم فلم مذکور را برای ما

بنویسید.



جدول جدید

شما و همچنان جهت به کار افتادن

استعداد حسابی تان طرح نمودیم

امیدواریم که بدو ق و غلاقه

خوانندگان محترم!

این بار جدول جدیدی را به شما

سرگرمی هر چه بیشتر و مصروفیت

کدام آلات موسیقی؟

در جهان امروزی شاید شما

دان نوع از آلات موسیقی را

دیده اید و شاید هم به آنها

آشنایی داشته باشید اما

درین جا چند نوع آلات موسیقی

را چاپ مینمائیم اولاً اسمای این

آلات را منظم بنویسید و بعدا بگو

نید که این آلات موسیقی به کدام

دوره و زمان تعلق دارند و هم

بنویسید که از این آلات فعلی

کدامش مورد استفاده قرار دارد.



کدام جایزه و کدام ستاره؟

درین تا بلو سه ستاره مشهور

سینمای غرب، را مشاهده میکنید که

با چهره های شاد دیده میشوند

شاید این ستاره هارا در فلما دیده

باشید ما میخواهیم که اولاً اسمای

این سه ستاره را با جایزه که یکی

از آنها برنده گردیده است بنویسید

برای اینکه زودتر اسم این جایزه

را بدانید این جایزه بز رگتر یمن

جایزه سینمایی جهان بشمار میرود.



نهم ژانویه

- خبر سر - دار .

سربازان کمی جنبیدند و آنگاه بجای خود خشک شدند افسر گفت:

امر می کنم پر - را آکنده شوید. آنگاه باتا نی قداره اش را از نیام کشید .

برای مردم عملاً غیر مقدور بود که متفرق شوند، جمعیت مترا کمی تمام میان کوه را پر کرده بود و پیوسته از خیابان عده ی تازه بانها می پیوست .

آنها باتنفر به افسر نگاه می کردند . اود شنام و تمسخر را می شنید اما در زیر ضربات آنها پایدار و محکم ایستاده بود . نگاه بیفر و غاو متوجه دهانها بود ابرو - آتش آرام آرام تکان می خورد .

جمعیت ها یهو میکرد زیر را سکو ت و آرا مش سر با زان که کاملاً غیر انسانی و در اینمو قسع بیجا و بی مورد بود مردم را آزار و شکنجه میداد .

از یکدیگر می پیر سیدند . فر مان دار اینکار را بکنند . او بدون فرمان هم برای کشتن آماده است ...

می بینی قداره اش را بیرون کشیده .

اهای! ارباب برای آدم کشی حاضری ؟

غیرت و حرارت مردم شدید تر میشد حسن شجاعتی که با بسی فکری و یاس و نومیدی آمیخته بود در آنها آشکار میگردد . فریاد هارسا ترو تمسخر و استهزا کمتر میشد .

سر گرو هبان با فسر نگاه کرد تکانی خورد رنگش پرید و او هم پسر عت شمشیرش را بیرون کشید .

ناگهان آهنگ زنده ی شیپو ری بلند شد جمعیت بجای نب شیپور چی نگاه کرد . او بطرز عجیبی به لبهایش باد انداخته بود و چشمش چشمک میزد شیپور در میان دستهای او می لرزید و صدایش زیاد از حد کشیده بود .

مردم با سو تهای رسا عر بسته ضجه صدا های لعن و نفرین، دشنام و سرزنش نا له های، عجز و لا به

فریاد های یاس و نومیدی ، رجز های شجاعانه که حس امکان مردن در لحظه بعد و عدم امکان اجتناب از مرگ را در آنها بیدار می ساخت . با و از گریه و نفرت انگیز شیپور یاسخ دادند و آنرا خفه و خاموش ساختند فرار از مرگ مقدور نبود .

چند هیکل سیاه خود را بروی زمین انداختند و بدن خویش را به زمین فشردند عده ای هم صورت شانرا بادستها پوشانیدند . اما آنمرد ریش دراز دکه های بالا - پوش را گشوده و پیشا پیش همه ایستاده بود و با چشمهای کبودش به سر بازان نگاه میکرد ، او پیوسته

باسربازان حرف میزد و با آنان چیزی می گفت که در میان هیاهو و هرج و مرج شنیده نمیشد .

سربازان تفنگها را بالا آوردند همه آنها در وضع یکنواخت سر نیزه ها را بجای نب جمعیت در از کرده بودند .

بخوبی نمایان بود که خط سرنیزه در هوا آرام و بیحرکت موازی و هموار نیست ، بعضی از آنها بالا - رفته و برخی پائین افتاده بود فقط عده کمی از آنها مستقیماً متوجه سینه مردم بود .

چنین بنظر می آمد که سر نیزه ها

از ماده نرمی ساخته شده است همه آنها میلر زید گویی مانند موم در مقابل آتش رفته رفته و آت میرفت و خم میشد .

کسی با وحشت و نفرت فریاد زد .

آدم کشها، چه میکنید ؟ سرنیزه ها بشدت و نا منظم لرزید صدای رگبار گلوله بلند شد مردم که از شدت صدای ضرب به گلوله ها، افتادن کشته گان و

زخمی ها عقب رانده شده بودند، تلو تلو می خوردند و عده ای آرام و ساکت از روی نرده بان می پیر - یدند .

باز هم صدای رگبار گلوله بلند شد رگبار دیگری هم بگو ش - رسید .

کودکی که روی نرده بان ایستاده بود هدف گلوله قرار گرفت افتاد و از پای روی نرده آویزان شد .

زنی بلند قد و خوش تر کیمی با گیسوان انبوه آهسته آهی کشید و آرام کنار او افتاد . کسی فریاد زد .

ملعو نها

میدان خلوت تر و آرام تر شد، آنها که در صفوف عقب خیا بانها بودند به درون خانه ها گریختند جمعیت تسلیم ضرب های نا مرئی میشد و آهسته عقب می نشست بین آنها و سر بازان يك فضای چند متری ایجاد شده بود که با انبوه اجساد پر بود برخی از افتادگان پسر می خاستند و با شتاب به سوی مردم میدویدند دیگران باز حمت بسیار خود را بلند میکردند و در پی خویش لکه های خونین بجای می گذاشتند . با قیدارد

دور شو افسر می شنود! افسر بلند قدمو بو روی با سبیل های دراز آهسته آهسته در امتداد صنف سربازان راه میرفت و همچنان که دستکش را بدست راستش میکرد از میان ندانها میگفت :

پر ترا - گنده شوید . دور - ر شوید . چطور ؟

حرف میزنی . من بتو میگویم! صورتش چاق و قوی و سرش چشمها نش گرد و پرا ق ولی بی فروغ بود، او باتا نی راه می رفت اما پاهاش را بزمین میکوفت . اما بارسیدن او زمان سر یعتر می گذشت گو یی هر ثانی از ترس اینکه مبادا بایک چیز و هم آور و نفرت انگیزی بر خورد کند شتاب میکرد تا خود را زود تر مخفی سازد . پشت سر او سر بازان در خط زنجیر مستقیم که چون خط کشی نامرئی بنظر میرسید بحالت خبردار ایستاده بودند . شکمها را بعقب و سینه ها را پیش میدادند و بنوک پنجه چکمه هایشان نگاه میکردند بعضی از سربازان با چشم ، افسر را به مردم نشان میدادند و با چهره های وحشت زده شکلک می ساختند .

افسر در یکی از جناحها توقف کرد و فریاد زد .



دداکتر لطیف ژباړه

د کار یې بین سمندرګی

اوسنی سیاسي او

اقتصادي حالات

دوهمه برخه

ټوله ګله چې نوی پارلماني انتخابات وشول پا ترېک جان چې نه غوښتل ماتي ته غاړه کېږي دی دوا شنگتن دمر ستی په هیله یی په انتخا با تو کی دېر ځی اخیستو اعلان وکړ او په خپله انتخاباتی اعلامیه کی یی وو یل چې په دو مینیکا کی دی د امریکا تحت البحری اډه جوړه شی . دی مو ضوع یو ځل بیا د هیواد د خلکو داعتر ا ضو نوڅی راو پارولی .

همدا رنگه په یو بل نوی جوړ شوی جمهوریت کی چې پخوا هالیند مستعمره وه اودسورینام په نوم یاد یږی سیاسي طوفان پېښ شو . د ۱۹۸۰ کال په فبرورۍ کی یوی دلی سر بازار نو او افسرا نودهنګ آران حکومت دفساد اود غیر مسو لانه سیاست په اتهام چې د خلکو دژوندد شرا یطودخرا بوا لی سبب شوی وو راو پړوه . یوه ملی یو ځی شورایی جوړه شوه اوچین ای بی بی دصنر اعظم په تو ګه وټاکه . دکیو با دېر نسلالاتینا خبری آژانس سره په مرګه کی چین ای سین وویل چې دده حکومت غواړی چې د خلکو په مرسته او بر ځه اخیستو سره د هیواد ټول لیزه او اقتصاد دی پر مختیا چټکه کړی او په نړیوالو چارو کی به سوری نام دداسی سیاست څخه پیروی وکړی چې د هغه د ملی ګټو سره توافق ولری .

دوا شنگتن تر شا دجېبې لیکه:

دکار یې بین دسیمی د هیوادو خپلو اګی ، اکثر و برخه اخیستل ناپیلتوب په جنبش کی ، دامیر یا لیزم پرضد یووالی دپاره ددوی هڅی ، سوسیال لیستی جهت ته د ځینو ټک اودکیوبا ددوی اړیکو زیاتوالی او پراختیا دوا شنگتن ددیر رنځ او نا آرامی

تکوالو مالی سازمانو نود کار یې بین دسیمی ارتجاعی دولتونه ستر پورونه ورکړل . پدی هیوادو کی بهر نی خصوص صی پا نګه اچو نی هم منځ پرزیا تیدو دی ، دځینو بهر نیو منا معو په حواله دا پا نګی تر دری میلیار ده دالرو زیات دی . دامریکا پی

خصوص صی پانګو دجلبلو دپاره سیمه مانی دکار یې بین په سیمه کی هر کال سودا گری او انګشاف په باره کی کنفرانسو نه جوړوی چی وروستی کنفرانس یی ۱۹۷۲ کال دنوامبر په میاشت کی جوړ شو چی په هغه کی ددی سیمی د هیوادو رسمی مال مورینو اود امریکی متحدو ایالاتو سودا گرو برخه اخیستی وه . دلاتینی امریکی دمطبوعا تو په حواله متحدو ایالاتو یو عالی رتبه ما مور میلیب حبیب ددی هیوادو ددولتی دجلبولو په ترڅ کی هڅه وکړه چی دشر روی اوکیو با له خوا دیو موهمو خط په اختراع کولو سره دسیمی هیواد ونه وپیروی د مفسرینو په نظر د امریکی متحدو ایالاتو ټولی هڅی پدی هکله عیث او بی ګټی ټا بتی شوی .

دامریکی متحدو ایالاتو د هغو هیوادو پر ضد چی دبنیادی بدلونونو پر لاره روان دی په لوی برید لاس پوری کړی اودزور آزمو لو تاکتیک څخه کار اخلی .

کله چی دګرینادا جمهوریت دوا شنگتن دی غو ښتنی ته چی دکیوبا سره اړیکی وشلوی رد خوا بور کړ دامریکا مطبوعا تو او دسیمی ارتجاعی هیوادو په یولوی تبلیغاتی برید پیل وکړ . تردی اندازی چی دګرینادا پر شاو خوا یی دیو محافظوی دیوال جوړولو غو ښتنه مینځ ته کړه .

په همدی وخت کی پراخوالی حکمران ایریک گیر دسی . آی . ای په مرسته پر ګرینادا بانندی د تیسری له پاره دکیوبا دانقلابی ضد عناصرو ، دچیلی فاشیستانو او نورو اوباشو اوارذالو څخه چی په امریکا کی پیژوند کا وه داو طلبواچیرو ډلو په جوړولو پیل وکړ . دا ډول هڅی دتیر کال دنوامبر په میاشت کی وشو ی خود هغو کورنیو توطیو په شان چی دمور یسین پیشا پد حکومت پرضد وشو ی داهم دښه مرغه شنډی شوی . دجون دمیاشتی په نولسمه دانقلابی ضد عناصرو له خوا یوبل جنایتکار انه او په وینو لړ لی عمل وشو .

دګرینادا په مرکز سنت جورج کی دوی عمو می مظا هری په وخت کی په هغه ځای کی چی مور یسین پیشا پ

دامریکا متحده ایالات په ښکاره ډول دجا مائیکا دمخالف کار گسر گوندڅخه چی ټولنیزو او اقتصادي اصلاحاتو سره مخالف دی ملا تې کوی . دجا مائیکا ارتجاع چی دوا شنگتن له خوا تشویق پیری هم په وړانکاره اعما لو بوخته وه . کوشرنی ارتجاع دوزنو او نورو جنا یا تو په وسیله غواړی چی په هیواد کی حالات کړکېچن کړی او دخلکو د ملی گوند په نسبت چی حکومت یی په لاس کی دی . نا باوری پیدا اوداکتوبر دمیاشتی په انتخا با تو کی ورته ماتی ورکړی . دجون په میاشت کی امنیتي قواوو یوه کودتا کشف او شنډه کړه . پدی ارتباط صدر اعظم مایکل مانلی دخلکو څخه وغو ښتل چی دجا مائیکا دقا نو نی رژیم دمسایلو دپاره سره یو مو ټی شی .

دامریکی متحده ایالاتودفاع وزارت پنتا ګون ، پدی ورو ستیو وختو کی دکار یې بین په سیمه کی په سختو پوځی هلو ځلو لاس پوری کړی دی ، دویکس په ټاپو کی دامریکا پی را کتونو اوتوپو نو آزما یښتو نه کیږی ، سمندری او هوایی جهازو نه دبیلو اوبیلو امریکا پی سمندری او هوایی اډو څخه دقوی وښود لو ، په مقصد په حرکت را وستل کیږی یوه مجله لیکي چی امریکا غواړی پدی سیمه کی خپلو پو ځیو فعالیتو نو ت دوام ورکړی .

پاتی په ۱۸ مخ کی

آزمایش های رنگ رنگ و بوی

دکتر وترنر فضل الرحمن (افسر)

مسمومیت با کار بن دای آکساید

بین خفگی با مسمومیت در اثر اختلال تنفس نسوج رخ می دهد . بخارات ناشی از احتراق ناقص گاز طبیعی یا گاز نفت و نفت سوخت ممکن است پنج در صد کار بن دای - اوکساید را دارا باشد .

احتراق يك بخاری در هر دقیقه به اندازه يك فوت مکعب گاز اکسیدو کاربن ایجاد می نماید و بدین ترتیب هوای اطافی کوچکی را در ظرف چند دقیقه الوده و خطرناک می سازد .

دودی که از موتور ماشین موتر ها خارج می شود حاوی ۳-۷ درصد کاربن می باشد .

يك موتر با سرعت يك ميل در ساعت دو صد فوت مکعب گاز کاربن دای اوکساید به هوا تحویل می دهد .

جذب و اثرات حاصله از تسمم کار بن بستگی تام به تراکم آن - مدت

مسمومیت با کار بن دای اوکساید در نتیجه میل ترکیبی زیاد این گاز با همو گلوبین خون صورت میگیرد و اوقات تسمم آن در فصل سرما زیاد متصور بوده و عواقب دلخراشی را از خود بجا می گذارد .

مسمومیت با این گاز اتفاقی یا قصدی می باشد که اتفاقی آن از سبب عدم توجه در امور منزل در حین سوختاندن زغال سنگ ، یا نیمه

روشن شدن ذغال چوب استعمال انواع اقسام گاز های مختلف جهت تنویر امور منزل ، حریق ها ، انفجار - رات ، صنایع کوره های ذوب فلزات موتور های وسایل نقلیه ، سیلو ها سوخت بطورول در بخاری های نفتی و غیره می باشد .

علاوه از مسمومیت اتفاقی مسمومیت های جنایی نیز واقع می شود و غالب اوقات قاتل و مقتول هر دو با هم می میرند ولی مسمومیت به منظور خود کشی خیلی ها شایع است خصوصاً در ممالک اروپایی (فرانسه) این نوع خود کشی فوق العاده فراوان است و غالباً زن ها بدان متوسل می شوند . کار بن دای اوکساید به علت احتراق ناقص زغال ایجاد شده و در اثر ترکیب شدن با همو گلوبین خون مرکب جدیدی بنا م کار بوکس همو گلوبین به وجود می آید . کار بوکسی همو گلوبین از هوا سبکتر بوده و به سرعت منتشر می گردد .

عوارض ناشی از کار بن دای اوکساید به علت خفگی یا مسمومیت به وجود می آید . مرگ در سر حد

تماس و چگونگی حالت فعالیت شخص دارد .

تماس با کار بن دای اوکساید تا هشت ساعت در صور تیکه تراکم آن (۰.۱) فیصد باشد کدام علائم از مسمومیت ایجاد نه می کند درصو -

رتیکه اندازه تراکم کار بن (۰.۵) برسد بروز علائم نظیر سر درد و کوتاه نفسی ایجاد می گردد اگر قدرت آن با این تراکم زیاد شود بیقراری افزایش تعریق در قفس صدی از دست دادن قوه قضاوت ، و بنفش شدن لب ها و پوست پدیدار می گردد .

در زمانیکه تراکم آن به ۱۰ فیصد برسد از دست رفتن هوشیاری ، نارسایی تنفسی و در صور ت تماس بیش از يك ساعت مرگ به سراغ شخص مسموم می آید .

درجه اشباع خون در این صورت از کربو کسی همو گلوبین ۶۰-۹۰ درصد است .

مرحله هجوم :

در غالب اوقات این مرحله دارای علائم زیر می باشد : احساس ناراحتی توام با گیج شدن سر ، سر



غول ها و افعی های انحصارات جهان سرمایه داری غرب در حال رقابت و بلعیدن همدیگر !!!

درد شدید و صدا کردن گوش ها ، کم شدن دید و شنوایی .

احساس گرمای شدید یا بر عکس سرمای شدید ، حالت ضعف و بی حرکتی عضلات پدیدار می گردد شخص مسموم خطر را احساس می نماید (اگر خوابیده باشد سردرد و استفراغ او را بیدار می کنند) ولی قدرت اینکه خود را به پنجره و یا دروازه برساند و خود را نجات دهد ندارد .

مراحل مسمومیت را میتوان چنین خلاصه کرد .

۱- مرحله حمله یا مرحله اول :

که همو گلوبین خون ، کار بن دای - اوکساید را می گیرد .

۲- مرحله جذب متری : مرحله ایست که برای رسیدن او چ مسمو -

میت بتدریج و آهسته کار بن جذب می شوند .

۳- مرحله تساوی : موقعی است که مسمومیت به سرحد رسیده و

تساوی برقرار می گردد مراحل فوق بواسطه یکتعداد عوامل ثانوی تغییر می نماید هر قدر غلظت کار بن زیاد شوند مسمومیت شدید تر می گردد و اگر مقدار آن کمتر شده برود ، مسمومیت از بین می روند . هر قدر حرکات تنفس شدید تر باشد زودتر خفگی حاصل خواهد شد .

به طور مثال در پرندگان قناری چون زیاد تنفس می کند زود تر خفه می شود در انسان ها اطفال خورد بعلت سرعت تنفس زودتر از بالغ ها خفه می گردد .

سن و وضع مزاجی شخص نیز رول دارد . اطفال و پیران حساس تر از دیگران هستند مبتلایان به بیماری های قلبی و عروقی - کلیوی سیفلیس - الکلیسم در مقابل این بقیه در صفحه ۴۹

اولین قمر

مصنوعی چه

وقت بفضا پر تاب

شد؟

کوششهای شبانه روزی دانشمندان نتایج گرانبهایی ببار آورد که مهمترین آنها باز شدن راه مسافرت بکرات دیگر می باشد.

قدم اول درین راه با ارسال قمر مصنوعی بر داشته شد و برای اولین بار در تاریخ، در ساعت پنج و پنج دقیقه بعد از ظهر روز ۱۴ اکتوبر ۱۹۵۷ دانشمندان شوروی اقدام به پرتاب يك قمر مصنوعی نمودند و در ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز اجرای موفقیت آمیز آزمایش خود را، اعلام داشتند. قمر مصنوعی اول که بنام اسپوتنیک اول نامیده شد، کروی شکل و از الماژ المونیم ساخته شده.

بود و در آن چهار آنتن بزرگ نصب کرده بودند. وزن اسپوتنیک اول ۸۳٫۶ کیلو و قطر آن پنجاه و هشت سانتی متر بود و در هر شصت و نه دقیقه و چهار ثانیه يك بار بر دور زمین می گشت و ارتفاع متوسط آن از سطح زمین نهصد کیلو متر بود هنوز یکماه، از پرتاب اسپوتنیک اول نگذشته بود که خبر هیجان انگیزی در سراسر جهان انتشار یافت و باز دانشمندان شوروی اعلام کردند که قمر مصنوعی دیگر را در مدار زمین قرار داده اند. این قمر که اسپوتنیک دوم نام داشت در روز سوم نوامبر ۱۹۵۷ به فضا فرستاده شد.

شکل آن استوانه ای طول آن ۱۲ متر و قطر آن يك متر و پانزده سانتی متر و وزن آن ۵۰۸٫۳ کیلو بود با این اسپوتنیک اولین موجود زنده فرستاده شد این موجود سگ ماده ای بنام (گودری یا وکا) از نژاد سگهای لایکا بود. معاشر

قر بانیان آب ناپاک و حفظ الصحة ناقص

قلت آب و قصور در نظافت شخصی بروز امراضی از قبیل گرگ زدگی، تراخم و جذام را باعث میشود.

گرچه اطفال شهری و روستا هر دو با این خطر رو برو هستند.

ولی این نظر و جود دارد که مهاجرین در کلبه های مردم و یا در حوالی شهرها تیکه در مدت کوتاهی ساخته میشود به این

خطر بیشتر مواجه میباشند.

شاید غم انگیزترین بخش این حالت ناگوار آن باشد که اگر

حداکثر این فلاکت و رنج میتوان

جلوگیری کرد و طرق موثر

تهیه آب پاک، بهتر ساختن

دور کردن کثافات، طرح خان

های ارزان قیمت، واکسین کردن

اطفال در برابر امراض و میسر

ساختن زمینه تعلیم برای والدین

و اطفال نه تنها برای مردم سر

زمین های پر از نعمت معلوم است

بلکه همه آنها میداند و لی تنها از

کشورهای جهان بعضی همتایان

دارند و در پهلوی آن این ضرورت

نیز وجود دارد که از منابع

دست داشته باید به وجه موثر و

به نفع اطفال محروم استفاده

باشد. ازین رو باید برنامه های انکشاف ملی متضمن این اطمینان باشد که اطفال از حمایت لازم بهره می برند تا بدینصورت به تندرستی رشد کنند و سرمایه خوبی باشند نه آنکه سزاوار احصای تیره حزن آور مرگ و میر.

بر اساس اطلاعاتیکه از سازمان صحتی جهان بخش میشود هشتم در صدور قانع بیماری از آب ناپاک و حفظ الصحة ناقص بمیان می

آید و در هر سال در حد و پنجاه

میلیون طفل ازین دو علت بدامان

خالک می شتابند و اگر آب پاک و

محیط منزه را برای آنان میسر می

ساختند رو بهمر فته همه شان ازین

بلاهای عظیم درامان بودند که

این خود بر اثبات درستی اعلامیه

سالهای ۱۹۸۱ - ۱۹۹۰ بحیثیت

دهه تهیه آب مشروب صحتی

و حفظ الصحة بین المللی بهترین

گواه است.

آب کثیف کو لرا، تیفوئید و

امراض ساری جگر را موجب

دید و همچنان زمینه را برای

سائر ابتانات مساعد میکند

است.

آب کثیف کو لرا، تیفوئید و

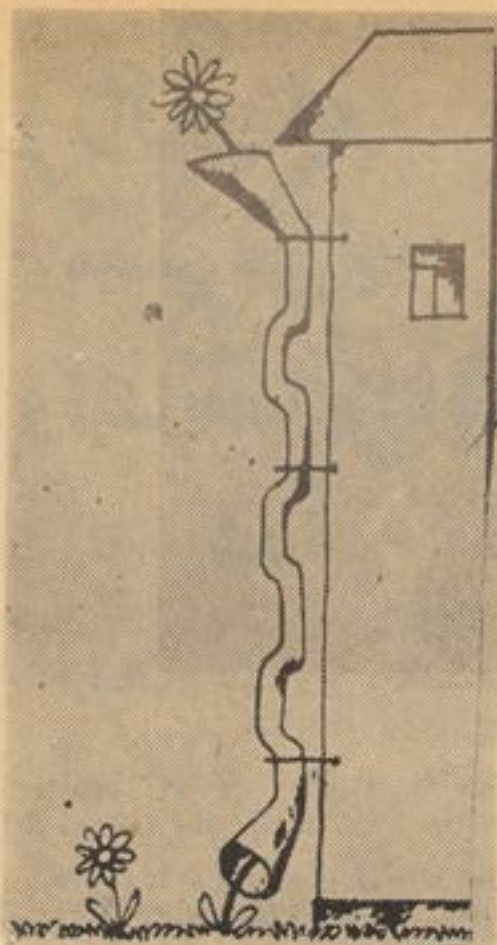
اطفال به مقایسه کلان سالان به مخاطر در کمین نشستگی محیط بیشتر مسا شدند. آلودگی و سرائت عفونی در اغلب کشور های رو به رشد جهان ضربات سنگینی بر پیکر زندگانی جوانان حواله مینماید و ناداری و نادانی این مصیبت را برای رو یا روئی اغلب این اطفال با این خطر دائمی در محیط شان و خیم تر میگرداند.

اطفال نیز مانند سائر مردم نیازمندی های اولیه دارند که عبارت است از آب پاک، غذای گوارا به قدر کافی، لباس کافی و مسکن، اقدامات بهداشتی، مداوا، خدمات تفریحی و آموزش.

اگر برخی از این نیازمندی ها بر آورده نشود گویا خوشی طفل نادیده پنداشته شده و لی با طر فیه رفتن از مهمترین آن زندگانی به خطر می افتد چنانکه آب ناپاک و یا محیط کثیف از زمره خطرات عمده ازین نوع است - که حتی میتوانند کشنده



به این عکس خوب دقت نمایید - شاید فکر کنید که انسانی با چهار دست و پا مگر اشتباه نکنید که اینطور نیست دو نفر هنر مندی هستند که بامهارت خاص هنری مشغول اجرای رقص بالت میباشند.



بدون شرح

ده دقیقه مانده به ظهر

دو دیوانه در گوشه شفا خانه
نشسته و با هم مشغول صحبت
بودند...

یکی از آنها نگاه می‌بسا عتش
کرد با تعجب رو به دیگری کرد
و گفت:

— بسیار عجیب است... ساعت
رانگاه کنی... عقر به ها ده دقیقه
نیمه شب را نشان میدهند... در
حالی که حالا ظهر است.
دیوانه دیگری فکری کرد
و گفت:

— حتما ساعت تو دوازده ساعت
پیش میرود... بهتر است آنرا
درست کنی.

و دیوانه اولی ساعت را
دوازده ساعت عقب آورد و بسا
رضایت و خوشحالی گفت حالا
درست شد... ده دقیقه مانده
به ظهر.



اسکا تلندی ز رنگ

در انگلستان، به یک دختر، ثروت هنگفتی به میراث رسیده بود
و اداره اسکا تلندی مامور ریت پیدا کردن آن دختر را که نشانی
او را نمیدانست که این مژده را باو بدهد... یک پولیس
اسکا تلندی، مامور شد در لندن جستجو کند و دختر را پیدا نماید
... او رفت و دوماه بعد به اداره برگشت... رئیس مربوط که از
این غیبت طولانی ناراحت شده بود پرسید:
— این دو ماه کجا بودی... بگولاقل موفقی شدی آن دختر را پیدا
کنی.

مامور اسکا تلندی جواب داد:

بلی رئیس صاحب.

— خوب... کجا است؟

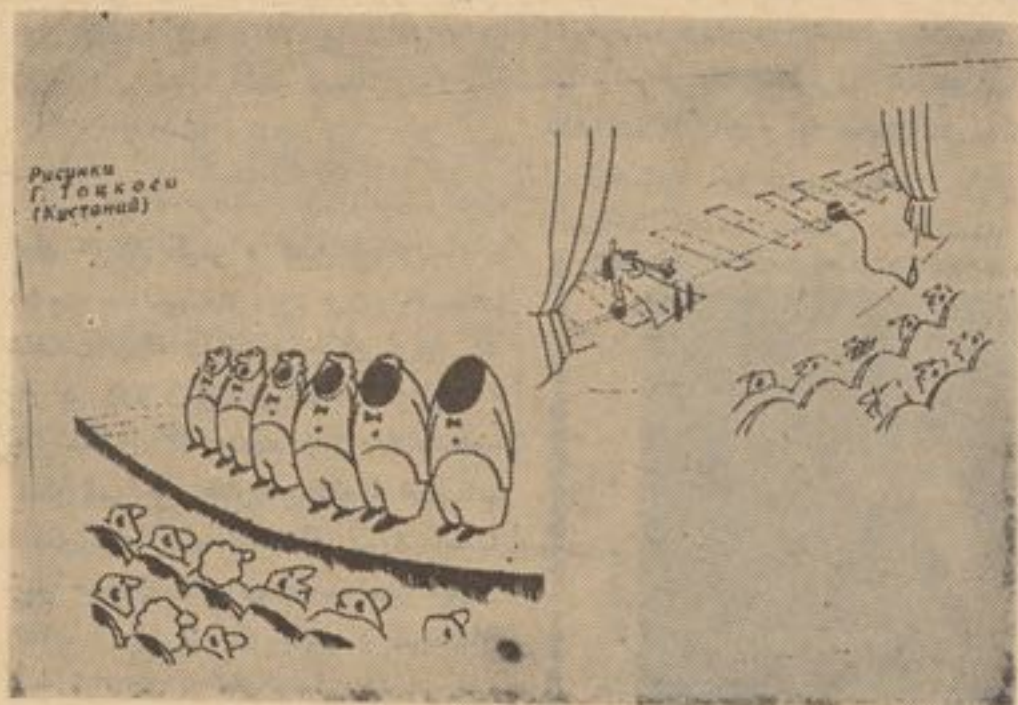
— آن در یک فروشگاه کامیکرد

— حالا هم مشغول کار است؟

— نه رئیس... دیگر کار نمیکند...

اوه... معذرت میخواهم... یادم

وقتی بگویم ها که همان روز اول من او را پیدا کردم و با هم
ازدواج کردیم و در این مدت به ماه غسل رفته بودیم قربان



بدون شرح

چه نقص دارد

تازه نمایش شروع شده بود که آقا خانم نفس زنان از راه رسیدند ولی
مامور کنترل سالون نگاه می‌به تکت های آنها انداخت و گفت:

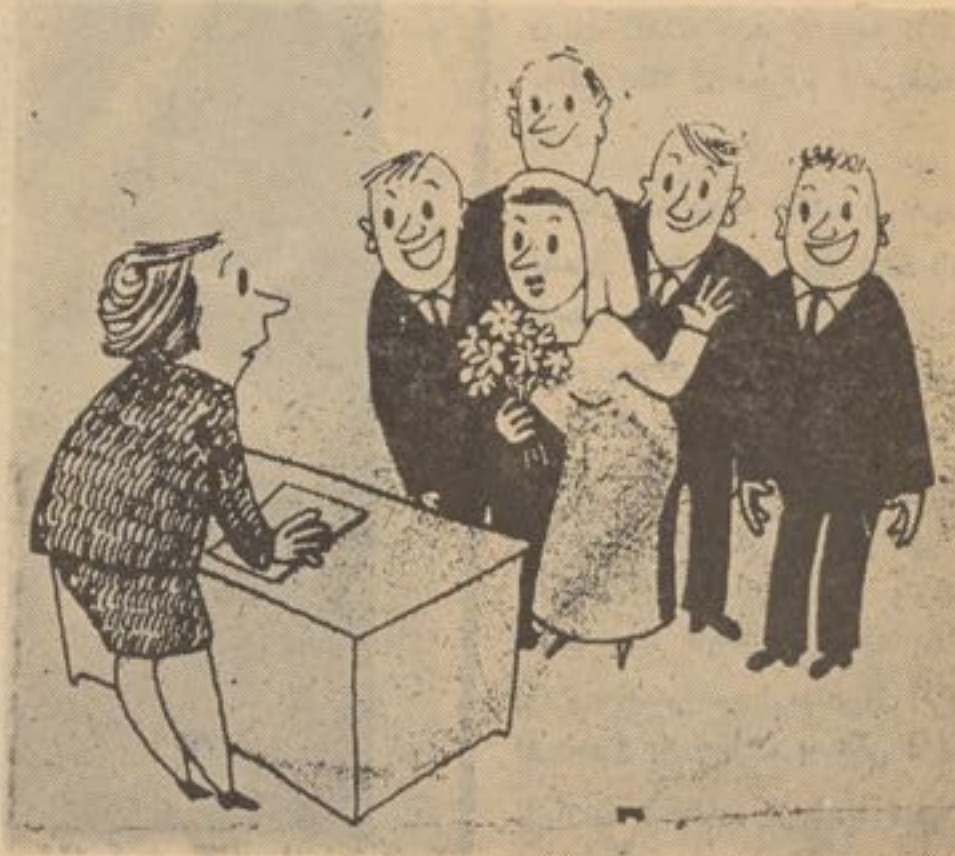
— متأسفانه با این تکت ها نمی‌توانید به سالون بروید.

— چرا عیب و نقص دارد؟

— عیب و نقصی ندارد، فقط ازدیثب است.

مرد به طرف زنش برگشت و گفت:

— هزار دفعه برایت گفتم قدری بیشتر عجله کنی تا به موقع برسیم
و تو گوش نکردی.



در محکمه بیخشین — همه آنها خواستگار های من است.
لطفاً که ک کنید که کی را انتخاب کنم.



بدون شرح



بدون شرح

گفتگو ها

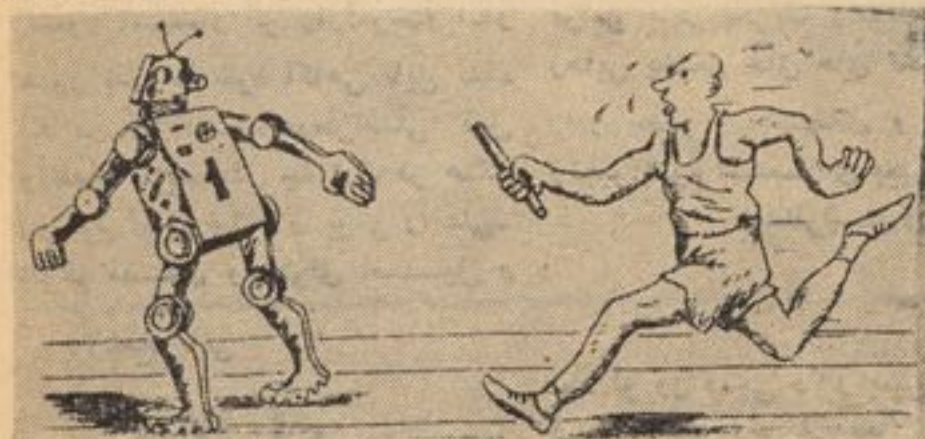
عکاس به مشتری : برادر عکاست
را چگونه بگیرم ؟
احمد : گفت مفت

اولی : می خواستم برای یست
خط بفرستیم ولی آدرست در ست
تو به نزد من نبود .
دومی : ساده است خو برا یم
خط نوشته آدرس را از من می
پرسیدی .

ارسالی حمید الدین

ارسالی : محمد یوسف

باغبان : و بچه بالای درخت بالا
شدی چه می کنی .
بچه : هیچ يك سیب به زمین
افتاده بود آنرا دوباره به درخت
می گذارم .
احمد : من خواب دیدم که باتو
وعتیق هم سفر هستیم .
نسیم : دروغ نگو
احمد : از عتیق ببر س



بدون شرح



شوهرم سگرت را ترک کردم . اما
وقتی که به منزل می آید دهانش باز
می شود بگذار که دهانش را قایم بسته
کنم تا از شرش چند ساعت آرام باشم .

آخرین حرف

عاشق دلخسته که از جفا ی
داداده به تنگ آمده بود بلا خبره
نصیم آخر را گرفت و با لحن جدی
به دختر جوان گفت :

عزیزم . این آخرین حرف من
است اگر حاضر نشوی با من
از دواج کنی با يك گلو له مغزم
را پاشان میکنم دختر ك كه از
ننیدن این حرف خوشش آمده بود
خنده قشنگی کرد و گفت :

بسیار دلم میخواهد چنین
کاری را بکنی این کار جواب دندان
شکنی به پدرم خواهد بود که چون
اوفکر میکند تو اصلا مغز نداری .



بدون شرح

خبرنگار حاضر جواب

خبرنگار سراسیمه وارد اتاق مدیر خود شد و گفت :

— خاك به سر ماشد ، بدبخت شدیم !
— چی شده ، چه اتفاقی افتاده است !
— چی می خواستن شود ، قاتلی که قرار بود امروز ساعت چار بعداز
ظهر اعدام شود ، حالا تخفیف گرفت .
— خوب چه اهمیتی داره ؟
— بسیار اهمیت دارد ، ما راپورتاژ کامل اعدام وی را در صفحه
حوادث نوشته و حالا زیر چاپ است
خوب باشد . آنقدر دستپاچه نشوهر کاری چاره ای داره .
برادر تو در صفحه اول بنویس قاتلی که قرار بود امروز اعدام شود
تخفیف گرفت و به حبس ابد محکوم شد . شرح ماجرا ی جالبی را که
در غیر اینصورت بر سر ش می آمد در صفحه حوادث بخوانید .



ای خدای بزرگ کاری کنی که تا وقتی که پارچه را به پدرم میدهم که
امضا کند عینك او درست نشود .

روانشناسی

انسانی آن مورد تردید قرار داده و آنرا تحقیر مینمایند.

تحقیر هویت ملی و شخصیت بومی یکی از شیوه های اساسی و عمده رادر تاریخ استعمار کهن تشکیل می دهد که به وسیله روانشناختی استعماری اعمال گردیده و حاصل خسارات فراوان مادی و معنوی بر مردمان مستعمره گردیده است.

در واقع غول استعمار با شیوه های روانی و تکنیک های نامریی احساس حقارت گرایی و خود کوچک بینی رادر بین گروه های مستعمره رسوخ داده و توانسته است مدت ها به این مناطق حکومت نماید و طغیان و جنبش های برحق آنها را مهار نماید و منابع عظیم مواد خام و پیداوار معدنی و غیر معدنی و قوای انسانی این مناطق را تاراج نماید.

باید اذعان کرد که علی الر غم تلاش های زیر کانه اعمال استعمار در پخش ذهنیت گرایش و تمایل توده ها به فرهنگ استعمارگر مبارزات و مجادلات وسیعی از طرف روشن فکران مستعمره در جهت آگاه سازی توده ها بوضع مستعمراتی و توجیه راستین اصالت و حقانیت ارزش های فرهنگی خود و تردید فرهنگ استعماری بعمل آمده است که این پیکار های فرهنگی روشنفکران خود آگاه بر علیه استعمار فرهنگی و روانشناسی استعماری یکی از عوامل مهم تحریک و جنبش های رهایی بخش خلق های تحت استعمار رادر حصول استقلال و شکستن زنجیر شوم استعماری معین می دارد.

عبدالرشید (رشید)

د ۴۳ مخ پاتی

دکارا بین...

دقوا چی دفلوریدا به نو می خای کی مر کزو نه لری دضرو رت پوخت کی دسیمی دهر خپلواک هیواد پرضد استعما لیدای شی .

دکیو با سوا حلو ته نر دی فتنه اچوونکی او تحر یک آمیز. ما نوری بهوار وار لیدل شوی دی. دا ډول مانوری او تمرینو نه دتیرا کتوبر اودتیر کال دمی به میاشت کی شوی .

هنرمند پولندی...



يك صحنه از تياتر تصويری برای کودکان که به وسیله آدام کلیان کارگردانی شده .

نمورژید . (هنر تصاویر روی تياتر) برای بار اول بو سیله «آدم کلیان» طرح ریزی شد این نمایش به گونه ایست که فقط تصاویر روی ستیز به نمایش می آید و وظیفه تمثيل و گویایی مطالب را صرف تمثيل ایفا میدارد. این تصاویر روی شیشه هارسامی گردیده بودند. تصاویر صحنه ها همچنان تحرک و شور خاص، بخاطر این هنر قشنگ و گویا در بیننده ایجاد کرد «کلیان» بعلاوه از آندسته هنرمندان است که تصاویر روی تياتر را (بشکل موزیکال) آنری ریزی کرد . درین راه دشوار هنری «ارنست بریل» موزیسن بر آوازه پولند نیز وی را یاری رسانید . اینجا بود که «موزیکال بریل» عرض اندام نمود . بدینگونه «کلیان» تصاویر بسیار نمایش هاو صحنه های پولندی را ترسیم می کرد . با چنین ایجاد گری های هنری و چنین خلاصیت های چشمگیر هنری «کلیان» بطور عمیق در هنرمند پولند راه یافت و یقین که موفقترین هنرمند در رشته اش از همان آوان بحساب آمد . هرچند این هنر بشکل ابتدایی قیلا وجود داشت ولیکن «کلیان» سبک جدیدی رادرین راه گشود و کمال توجه را برای آوردن هنرمندی بطور سطحی و کامل آن روی سن تياتر تصویری ، بخرچ رسانید .

بایستی تصاویر بگونه ای روی ستیز جان می گرفتند که به پای خود می ایستادند و آواز شاخه های باریک ، از جوگی هاو میز های مخصوص که خودش ساخته بود ، ازجوب هابرای برج ویا ماناره های تصویر شده نیز استفاده میکرد . خلاصه تصویر (کلیان) به همان تناسبیکه دلفریب و خوب مردمی تلقی گردیده ، دارای محتوای مترقی نیز میباشد . بزودی روی ستیزسیمون «یک هنرمند مردمی دیگر نیز درروی پرده تياتر فعالیت های هنری اش را تبارز دادو با «ارنست بریل» اینبار نیز باسرودهای مردمی و شعرهای نابش در خدمت این دو قرار گرفت .

بازتاب واقعیت

که هر قدر بیشتر کار صورت بگیرد بهمان اندازه نتایج و ثمرات بهتر و خوبتر به بار می آورد .

بهین تر تیب اگر هر کدامی از گفته ها و ضرب المثل های عامیانه مردم خویش را که از میان توده ها برخاسته اند و در میان آن ها رایج گردیده اند تحلیل و بررسی نماییم بوضاحت در می یابیم که هر يك از آن ها خالی از محتوای بسیار عالی و سود مندی نبوده حکایتگر بهترین مفاهیم و معانی اند و واقعیت های بزرگی از زنده گی روز مره ما را انعکاس می دهند .

خویش را نباید بیپوده و رایگان از دست بدهیم و از آن در راه خیر و مفاد خود و جامعه و مردم خود استفاده بعمل آوریم و نگذاریم این گوهر ذیقمت از دست برود . و پادر میان مردم ما رواج دارد که میگویند: «نکو کردن از پر کردن است» اگر بدین ضرب المثل متوجه شویم می بینیم که مارا به کار و عمل بیشتر وای دارد و می آموزد

جوانان و روابط...

گفتم: دیروز دخترتان با من در باره آینده صحبت کرد و چنین معلوم شد که او نمیخواهد با من ازدواج کند و راضی به این وصلت نیست بنا نزد شما آمدم تا ببینم نظر شما در این باره چیست؟ آنها حرف های گفتند و صحبت های کردند که من قبلاً پیشبینی نموده بودم دیگر نخواستم که بیشتر از این مزاحمت نمایم گفتم پس اینطور که تصمیم گرفته اید من هم زیاد اسرار نمیکم و لی این حرکت شما دور از انصاف و عدالت است این را گفتم و از منزل آنها برآمدم، مدتی سرگردان این طرف و آن طرف رفتم نمیتوانستم که خونسردی خود را حفظ نمایم.

شب شد و بالاخره به خانه رفتم، پدر و مادر انتظار مرا می کشیدند زیرا بعضی کارهای بود که باید من آن را انجام میدادم آن ها بر من قهر شدند که وقت ازدواج تو نزدیک است و تو بدون اینکه کوچکترین احساس مسئولیتی در این مورد نمایی تا این وقت شب بیرون میباشی. این حرف های

پدرم بیشتر باعث نا را حتی و ازیت خاطر م میگردد، تا اینکه از وضع ظاهر من دانستند که موضوعی پیش شده است، سکوت زود گذری حکمفرما شد، پدرم این سکوت را شکستناشد و گفت: چه شده احمد، چرا اینقدر پریشان هستی، آیا مریض هستی، آیا برای مریسم نامزدت کدام حادثه اتفاقی افتاده است؟

جواب سوال پدرم را ندادم به گذشته های نه چندان دور که من و مریسم برای پندیمان نقشه ها میکشیدیم، فکر می کردم. ناگهان صدای پدرم بلند شد که احمد ترا چه میشود چرا جواب نمیدی، دیدم سکوت فایده ندارد با کلمات فشرده و با آواز نسبتاً پست گفتم پدر، دیگر همه چیز تمام شد. آنها سکوت کردند از حرف هایم چیزی نداشتند، باز هم برایشان گفتم و تمام موضوعاتیکه میان من

و مریسم و پدر و مادر مریسم گذشته بود برای شان نقل کردم، ناگهان پدرم عصبانی شد و گفت که این حرف ها چه معنی دارد، چرا با عزت و شخصیت ما می خواهید بازی نمایند، اگر دلشان نبود که دخترشان را برای پست بدهند از اول نمی دادند و نامزد نمیشدی و... به پدرم گفتم که عصبانی نشوید، گناه پدر و مادر مریسم نیست، این خود مریسم است که چنین تصمیم گرفته، وقتی دختری خود نخواهد که با مردی ازدواج نماید دیگر لازم نیست که روی آن با فشاری نمایند. ما گذشتیم و از این گذشته تقریباً سه ماه میگذرد، مریسم با جوانی دیگری که تازه از اروپا برگشته است و جوان پولداری است نامزد شده است.

خوب خوانندگان رجمنده شما در این باره قضاوت کنید و بسی طرفا نه این موضوع را ارزیابی نماید تا با شد که سرگذشت ما درسی باشد برای جوانانیکه در آینده می خواهند زندگی مشترک بسازند.

بقیه صفحه ۴۴

مسمومیت با کربن

مسمومیت مقاومتی ندارند. راه نجات مسمومین:

هر قدر تدای زود تر شروع شود چانس نسن بهتر شدن زیاد است.

درمان اولیه:

لازم است به مجرد اشتباه به مسمومیت مریض فوری به شفاخانه انتقال داده شود یخن مریض را باز نموده و لباس های زیاد را از جان مسموم بدر آورند.

مریض در جای مناسبی خوابانیده شود به شخص مسموم شده تنفس مصنوعی داده شود. از جمله درمان های کمکی: تحریک میخانیک مرکز تنفس اجرا گردد از دواهای مانند کامفر - کورا مین ادرنالین، اپی درین، کافین، سپار

نقش پیامدهای...

انقلابی در افغانستان برگشتنا پذیر است درکنار زحمتکشان افغانستان و حکومت افغانستان پشتیبانی و همبستگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نیرو های مترقی سراسر جهان قرار دارد. ما قاطعانه در موضع حفظ منافع امنیتی هر دو کشور قرار داریم و ما موریتانتر - ناسیونالیستی خود را در برابر مردم افغانستان و حکومت افغانستان که تو سطر فیک ببر لکار ملی رهبری میشود در عطا بقیت کامل با معاهده افغان شوروی و منشور سازمان ملل متحد انجام خواهیم داد.

گفته فوق باصراحت نشان می دهد که اتحاد شوروی دوست و قادر

جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده و هماهنگی در کلیه زمینه ها تا هنوز از هیچگونه کمک های دوستانه و بی شائبه دریغ نکرده.

بعد از این نیز این اتحاد شوروی خواهد بود که در پیشا پیش تمام دوستان بین المللی ماو بیشتر از

همه در امر دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال ملی و همچنان از دست آورد های عظیم انقلاب نور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن سهم قاطع و تسهیل گرفته و در راه اعمار یک جامعه نوین و عادلانه در افغانستان کمکهای مختلف اقتصادی، کلتوری، علمی نظامی، تخنیک و تجارتی خود را توسعه خواهد بخشید. مردم مسان آزاده و حق شناس کشور ماحق دارند به چنین دوست و همسایه نیک و بزرگ شمالی خویش ببالند و بر آن سیاست نهند، لیونید ایلیچ بریژنف خود چنین فرموده اند: ((افغانستان در میارزه بخاطر جامعه نوین در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب خود بعد از این نیز میتواند بر پشتیبانی مردم شوروی اتکا داشته باشند.))

دوستی اتحاد شوروی با مردم افغانستان، اکنون سوا بی مهم ناریخی داشته و در روند تکاملی انقلاب پیوسته توسعه و تعمیق می یابد. هیچگونه تبلیغات و جعلیات دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی قادر نخواهند بود که به این دوستی خدشه وارد آورد. اراده خلقهای هر دو کشور دیگر جوشش شگرف و تاریخی یافته است. علی الرغم تلاشهای مذبو حانه و تقلای، فاقد نتیجه دشمنان دوستی افغان شوروی مناسبات بین احزاب مردمان و دول هر دو کشور بیش از هر وقت دیگر تقویت یافته و هنوز باب های نوینی در زمینه گشوده شده است.

در طی گزارش مفصلی که ببر لکار مل، بویژه در ارتباط پیامدهای سفر خویش به اتحاد شوروی ارائه داشته اند نظیر اینکه موافقه ها و دادن وعده های کمک از طرف اتحاد شوروی به افغانستان زیاد منعکس شده است که جمع بندی و تذکار آن سخن را بدرزا می کشد لذا باید ادعا ن که اتحاد شوروی واقعا دوست نزدیک، وفادار، پایدار و بی شائبه مردمان افغانستان بوده و روابط دوستی بین احزاب و دول هر دو کشور که در نتیجه پیروزی انقلاب نور ایجاد و توسعه یافته است، این دوستی را با زهم انکشاف سریع گسترده و فزاینده خواهد بخشید.

عصر طلایی

یکی از متفکران احصائیوی گفته است که: «معلومات احصائیوی از یکطرف برای رهنمایی خط مشی مؤسسات خصوصی و دولتی و تدویر کنندگان مؤسسات اقتصادی، تجارتی و تولیدی بخصوص جهت استفاده روسای کشور عابث از پیش مطلوب و دلخواه آینده و از جانب دیگر از نظریات و اشتباهات، کشورهای جهان به این امر منبک شدند تا احصائیه های دقیقی از کلیه مظاهر اجتماعی و اقتصادی را برای ارائه و توضیح نیروهای گوناگون خویش بدسترس داشته و آنها رایه همه مردم بنمایانند».

در سال ۱۹۳۶ «جان مینارد کینز» اقتصاد دان کتاب معروف خود را تحت عنوان «تئوری عمومی اشتغال - تنوع و پول» به چاپ رسانید که استدلال وی با روش های آماری، فیصدی ها و ارائه سنجشهای رقمی محتوای اثر مولف اش را نظم و انسجام داده است.

در سال ۱۹۴۸ «پی ساموئلسن» استاد انستیتوت تکنالوژی ما سا جوست (که جایزه نوبل ۱۹۷۱ در رشته اقتصاد به او داده شد) محصول افکار و اندیشه های زرفش را بنام «اساس تجزیه و تحلیل اقتصادی» و سپس چاپ اول کتاب معروف خود (اقتصاد) را در دو جلد منتشر کرد و احصائیه و امار را اساس پلانگذاریهای علمی و جزو لاینفک مباحث علم اقتصاد خوانده و عمر آنوقت «ساموئل کوزنتز» نخستین نتایج تحقیقات علمی خود را که اساس حسابداری های ملی شد، عرضه داشت.

در سال ۱۹۵۳ «میلتن فریدمن» یک سلسله مقالات تحقیقی برادر باره (اقتصاد مثبت) منتشر کرد و با کار برد معادلات ریاضی و امار، مسائل اقتصادی را بنحو مطلوبی تحلیل کرد و اعداد و امار را به بحث نقطه اتکایی تحلیل و تجزیه مباحث خویش قرار داد.

جان هیکس در سال ۱۹۷۳ و قبل از آن کتاب های تازه را در زمینه ارتباط تکامل بنیاد های صنعتی کشور های پیشرفته و پدیده های انتقال و سرایت بیکاری و تورم به همه نقاط جهان نوشته است که مندرجات آن بر اصول امار وارقام مستند و اساسی تجزیه و تحلیل علمی، بیشتر متکی می باشد چنانچه آخرین کتاب او تحت عنوان «سرمایه و زمان» در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید.

بدین ترتیب میبینیم که در قبال فزونی و انتشار پیهم کتب و نشرات آماری به مرور زمان مؤسسات ملی، دولتی و بین المللی

صفحه ۵۰

احصائیوی بحیث دستگاه های فعال علمی و تحقیقی تاسیس گردید و آثار علمی احصائیوی و نشرات تحقیقی آماری، مجلات، سالنامه ها پاملتها و انواع اوراق معلوما تی، یکی دیگر در رشته های مختلف خدمات نشراتی خود را از سر گرفتند.

بعد از جنگ عمومی اول و دوم که نشرات جامعه ملل سابق بحیث ارگان بین المللی طور منسجمتر و بهتری بدسترس اهل تحقیق و عواخواهان دانش و بصیرت گذارده شد، توسط آن خواست های محققان و متبیلان و اهل پیش با ارائه مواد و محتوای ارزنده و نمر بخش بوجه نیکویی تأمین و مرفوع گردید.

بعقیده محققان آماری، جنگ بین المللی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) ارزش اطلاعات احصائیوی و معلومات آماری را بیش از آنچه که تصور می شد فزونی ساخت و در خلال این نبرد جهانی سو و با پایان روز های مشیوم آن، نشرات احصائیوی بشکل روز افزون آن بیشتر تعمیم یافت. چنانچه بعد از سال ۱۹۴۷ انواع فعالیت های اقتصادی و احصائیوی و تهیه نشرات آماری در راه معرفی روشهای مختلف احصائیوی و تفهیم مفاهیم علمی و اصلی آن نقش مؤثر تری را بازی کرد.

و تهیه انواع ارقام آماری در بخش های مختلف حیاتی تا گسترده گردید بطوریکه موسسه ملل متحد، بدوام فعالیت های جامعه ملل سابق، در حصه جمع آوری احصائیه ها طبع و نشر آثار، کتب و نشرات موقوف و غیر موقوف اقتصادی و احصائیوی بیشتر

انعطاف توجه و بذل مساعی کرد و با تقدیم آثار گوناگون وارزشمند اقتصادی و احصائیوی اطلاعات موق، جامع و کاملی را مینماید و منتشر ساخت.

بطور مثال: اداره نشرات ملل متحد در ۱۹۷۶ یک فهرست موق انواع نشرات موق و غیر موق آن سازمان را که محتوای (۴۶) صفحه می باشد با برخی مشخصات و قیمت های آن غرض معلومات منابع علمی، مراجع تحقیقی و سایر علاقمندان با کتگوری های آن به نشر رسانیده است. نشرات مذکور را مستقیماً از طریق اداره نشرات ملل متحد واقع نیویارک، شعبه اختصاصی آن واقع جنوا (سوئیس) و یا از طرف نمایندگی های اختصاصی و تحقیکی موسسه مذکور به نشر میرسد که محتوای آن از هر نگاه قابل استفاده معنوی می باشد.

محتوای نشرات آماری ای که فعلاً از طرف موسسه ملل متحد و ارگانهای آن به صورت موق و غیر موق انتشار می یابند باره مسائل و موضوعات ذیل متکی می باشد: موضوعات عمومی، اقتصادی، انکشاف اقتصادی اقتصاد جهانی، مالی، تجارت و سایر امور تجاری اقتصاد اروپا، آسیا، آفریقا و امریکای لاتین - اداره عامه - مسائل اجتماعی - حقوق بین الدول - امور سیاسی و شورای امنیت - مواصلات و مخابرات - نیروی انسانی - اداره بین المللی - ادویه مغذیه و دیو گراف و نفوس حقوق بشر - مسائل مالی عامه - احصائیه های بین المللی و غیره کلیه نشریه های مذکوره ارقام احصائیه ها، جداول، گرافها و جارت

های را محتوی است که هر نسخه و هر صفحه آن بیانگر یک سلسله حقایق پذیرنده و روشنگر ارقام تازه بنانه مربوط پرویدها و

جریانات روز مره، ماهانه و سالیانه می باشد علاوه تا اداره نشرات ملل متحد راپور های مطالعاتی مربوط به سیمینار ها، کنفرانس ها و سمپوزیم ها، ورکشاپ ها و دیگر پروگرام های تحقیقی مربوط به کشور های عضو آن سازمان را از قساره های مختلف جهان به نشر میرساند و بر ذرات

آرشیف و ریفرنس معلومات جهانی میافزاید. درجمله نشرات مذکور بعضاً استاد مطبوع معلوماتی نیز شامل می باشد که مربوط به دوره های مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی است، مانند نشرات احصائیوی مربوط به حوزه آسیا و شرق دور، آسیا و پاسفیک نیز

در آن ردیف به ملاحظه میرسد. تا جایگاه تدقیق شده است این نشرات بر علاوه راپور های مطالعاتی بولتن ها، مجلات ماهانه، دوماهه سالانه ها و کتب مولفه را شامل است که برای جمع آوری مواد و تنظیم محتوای هر کدام کمیته ها و کمیسیونهای متجرب و متبحر و وارد موضوع کار می کنند و عصاره های

حاصله کار شانرا بشکل علمی و فنی به منصف طبع و نشر قرار میدهند. در جمله نشرات موق اداره نشریات ملل متحد بحیث دست آورد منظم و مسلسل، نشریه های آتی بیشتر قابل توجه و مورد استفاده قرار دارد و در فهرست مرتبه و مدونه جای مخصوصی را احراز کرده است.

خاطرات بیشمار از خوشی و مسرت داریم که با ارزش ترین خوشی ام زمانی میبود که بیرق ما با سرود ملی اتحاد شوروی در پان مسابقه تیکه پرند اول میشدم به اهتزاز درمی آمد میبا شد. باور کنید که از خوشی زیا دگاه گاه سی گیری ام میکردم.

پنگ یا تک بازان افغانی به اساس قرار داد کلتوری افغان و شوروی برای انجام یک سلسله مسابقات دو ستانه ازم یکی از جمهوریت های آنکشور شدند هیات مدت دو هفته اقامت داشته طی این مدت یک سلسله مسابقات دو ستانه را با ورزشکاران اتحاد شوروی انجام دادند.

در این هیات ورزشی افغانی چهار دختر پنگ بانگ بازو چهار جوان عضویت داشتند.

مسابقات فوتبال

با ارزش ترین مدال خدمات اجتماعی می رادر برابر مردمان کشورش اتحاد شوروی که بنام مدال لنین یاد میگرد نیز تصیب شده است این دو زن و شوهر قهرمان و محبوب ورزش دوستان اروپا و جهان مخصوصاً مردمان اتحاد شوروی با ختم مسابقات سکی روی یخ ۱۹۸۰ با جهان ورزش نیز وداع نمودند.

ایرینا رودنیرا در جواب پرسش یکی از خبرنگاران را جمع به خوش ترین لحظات عمر اش گفت در دوران حیات ورزشی خود

شد که سر انجام این رقابت های جهانی روز شنبه بود. که در نتیجه نهایی چهره های قهرمان نمایشات جوهره ای افرادی دختران و پسران معرفی شدند در ختم مسابقات نهایی همان بود (ایرینا رودنیرا و الکساندر زایدیف) زوج خوشبخت این ورزش جهان که آنها از شهرت و محبوبیت زیاد در اتحاد شوروی و جهان بر خوردار هستند بعد از کسب آخرین افتخار قهرمانی شان با جهان ورزش سکی روی یخ وداع کردند. ایرینا رودنیرا

خانم الکساندر زایدیف ده بار لقب قهرمانی را در بین ورزش داشت و علاوه بر داشته های عظیم

آی خانم...

شمالی سیردریا یا به اصطلاح «ترانسور اوکسیانا» بودند و عده ای اهالی بومی با ختر، زیرا بعضی ساختمانهای اضافی ایکه شباهت با ساختمانهای او ای و قدیمی آی خانم ندارد، ابتدای بوده و مجرد بردن هنر معماری و کلتوری اولیه این مردمان را نشان میدهد.

قاب بسیار معروف نقره‌یی که روی آن توسط طلا ملمع شده و شکر تقریباً دایروی راداشته و فکر میشود

که در بین یکی از اثار قهای اشخاص متمول و متنفذ شهر و در عین حال وابسته به معتقدات طریقه های یونانی بوده و در دیوار این قاب آویزان میشد.

وقتی در محتویات این قاب به سرانجام دقیقاً نظراندازی نمایم خواهم دید که صحنه راهنمندی با ختر، طوری نقش این قاب نمود که

نمایشگر معتقدات و کلتور قدیم با ختر بوده و هنر مند صورت رب النوع را در حالت سوار با لای گادی

که توسط دو شیر کشا نیده میشود نمایش داده از باب انواع دیگری مانند سوریا هلیوس و ما (مهباب)

که در واقع شکل نیمه تنه انسان را دارد و اطراف آن اشعه آفتاب می باشد، بخوبی ملاحظه میشود این

رب النوع در واقعیت امر برای مراسم قربانی بطرف قربا نگاه می رود گادی دوشیر روی سنگلاخ های که

نمایندگی از صخره ها و کوکوپاره های آی خانم مینماید تمثیل گردیده است.

همچنان مجسمه سنگی که از جنمای زیوم شهر باستانی آی خانم بدست آمده است از نظر ظواهر هنری و وقتی

مطالعه میشود ما را یادای بر همان فیلسوفان و صاحب نظران قدیم یونان می اندازد که با یالان کاملاً عالمانه

و انسان متفکر و فلسفی می بوده و در اکثر از ساحات مکشوفه یونان

چنین مجسمه های بدست آمده است. در آی خانم این مجسمه به افتخار هر

میز توسط هنر مند محل ساخته شده و در قطار سایر مجسمه های مانند هراکلس، ایرو زس و غیره را

در چمنای یوم آی خانم باز نموده است. بازی های که در چمنای یوم آی خانم صورت میگرفته شکل بازی های عنعنوی قدیم یونان و یونانوی با ختر راداشته و ساختمانها طوری تنظیم

شده است که بعد از ختم بازی ها برای از بین بردن کلیه خستگی های وجود و زشکاران در این چمنای یوم حوض آبی ساخته شده بود که

فرش یا بستر آن توسط سنگ دریا بی بصورت منظم و غیر منظم سنگ کاری شده و از ابتدای آنها

یعنی عمیق ترین قسمت این حوض آبیازی که به حالت نورمال و طبیعی آن ساخته شده بود چنین سنگ کاری

به نظر میرسد و میتوان گفت که چون سطح اراضی شهر آی خانم به ارتفاع بیش از چهل الی هشتاد متر حد متوسط از دریای آمو کوکچ

بلند است و نمیتوان از سمت چپ روی اراضی را از دریا های مذکور آبیاری کرد لابد از سمت شمال شرقی

کم عرض آب داخل این حوض و سایر قسمت ها بخصوص توسط بلورهای تیکری داخل قصر میشد.

چنانچه میتوان گفت که نظیر این بلورها را تا کنون سفالی گران برای چنین مواردی به حیث صنعت میراث

رسیده استفا ده میکنند، همچنان قسمیکه قبلاً گفتیم آی خانم در واقع شهر اشرا فوایا ن یونانیان و با ختریان بشمار میرفت.

روی هم رفته اهالی و طبقات پایین

خوشحال او...

دخو شحال او پوشکین تر مینخ دژوندانه او ادب به دیگر کی دیره ورته والی شته چی دشعر او ادب به برخه کی داسی گم و جو هات لری چی جلاکول یی گران بر یینی اودشکنیا تو له بیلوا لی سره سره دیوه هدف دبری له پاره های خلی کوی ددی خبری دثبوت له پاره دخو شحال او پوشکین دشعر و نو یو خپر کی و پاندی کوی.

خوشحال لیکلی دی : وخت داور نک شاه دی د هر چاتسپی په لاس دی خدای خینی خبر دی په اخلاص که به لاس دی

ددی دور شیخان دیر دی لو ر په لور اور نک زیب پاچا دوا و دی انخور په هغی چاره قلم ساز کا قر آن کی

په هغی چاره شهر ک پری کادورور په رکوع کی تسبیحات د پلار د مرگ کا

په سجد د کی زوروی خپله مشر خور پوشکین هم لیکلی دی :

نیم سر دار نیم سوداگر نیم رز یل او نیم بشر از یلتوب ته یی امید دی

چی پوره به شی اختر وگوری چی په پور تنی خپر کی دخوشحال او پوشکین تر مینخ دومره

نیم دی و لای اوور ته والی شته چی ته به وایی دا دیوه شاعر آنازدی خوتو- بیر به دی کی دی چی د مطلب د بیا نو لو دشکل په جلا والی سره سره یی هدف و محتوی بودی.

خوشحال او پوشکین دژوندانه ترپا په پوری به خپل هوپا تی شول او خپله ژمنه یی لکه څنگه چی کړی وه تر سره کړله اود مرگی ترکومی

پوری یی د خپلو سپیڅلو هد فو نویریالیتوب اود بند یزو نو دله مینځه وړلو له پاره پر له پسې او زړو ری مبارزی وکړی نوڅکه دراتلو نکو

نسلونو ددر ناوی احترام و وگرځیدل هغه توره چی یی تر ملاکړی وه هڅکله یی ددشمن په وړا نسدی کی نشود له او خپل داهود:

دافغان په ننگ می و ترله توره ننگیالی دزما نی خوشحال ختکیم یی تر می یی پوری ژوندی وساته او خپل ستر ازمان یی له خا نه سره یوخی تورو خاورو ته یو وړاو په ۱۶۸۹ کال د فبر وری په شلمه یی د پردیسی په حال کی سترگی پتسی کړی.

پوشکین هم د خپل هو پسر، کولو له پاره تر مرگی پوری به میړانه مخ په وړاندی لاړ اود خپل سرغې انداو یاغی تکل په نتیجه کی دیوی خاینا نه دسیسی له کبله «دانس» په لاس په ۱۸۳۷ کال ووژل شو.

اثرا ت خوشونت

حالت اعتیاد در نهادش بوجود میاید . بطوریکه از یک سو بکلی واهمه نابود میشود و از سوی دیگر لت و تنبیه امری عادی تلقی میگردد . در نتیجه چنین کودکی هیچگاه دیگر از ارتکاب اعمال

نا درست روی نمیگرداند و از انجام کردار ناشایست خود داری نیمورزد زیرا بیمی از مجازات شدن ندارد این چنین کودکی بدون

شک از گناه کاران آینده است . پدران و مادرانیکه در اطراف زندگی کودکان خود معلومات لازم را ندارند و یا پر خاشاکی

و رفتارهای تندوتیز و ناهنجار خود آنها را مورد لت و کوب آزار قرار میدهند یا بزرگداشت و گد

وسلی میکشانند غافلند که فرزندان کاملاً غر عادی با اجتماع تحویل میدهند و در نتیجه باعث

می شوند . که صدمه رساندن به افراد و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی و آسیب زدن به بیکر اجتماع

در نظر این قربانیان امر عادی جلوه می شود . یکی از روانشناسان مینویسند که هرگاه

یکی از والدین سختگیر و تند خو باشد هیچگاه آرامش و نظم در کانون خانواده بوجود نخواهد آمد .

این سختگیری و تندی که بوجود آورنده یک حالت غیر عادی در محیط خانواده است بعد هادر اجتماع آفریننده اشتباهات و حتی

جرمهای تکراری خواهد بود .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی معاون : محمد زمان نیکرای آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده آدرس : انصاری واپ- جوار ریاست

مطابع دولتی - کابل تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹ تیلفون ارتباطی دفتر : ۲۱ تیلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



زیباروی از سرزمین اتحاد جماهیر شوروی

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library